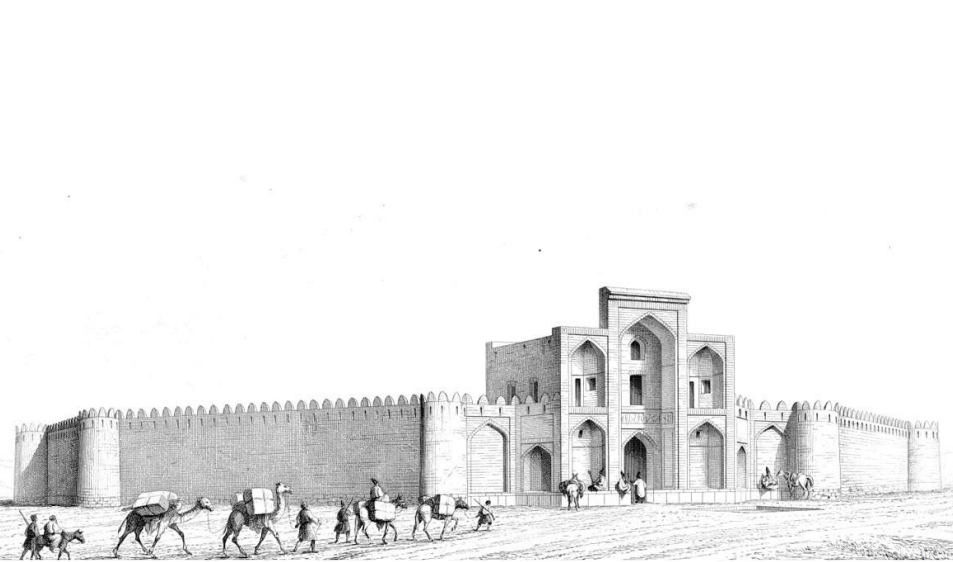
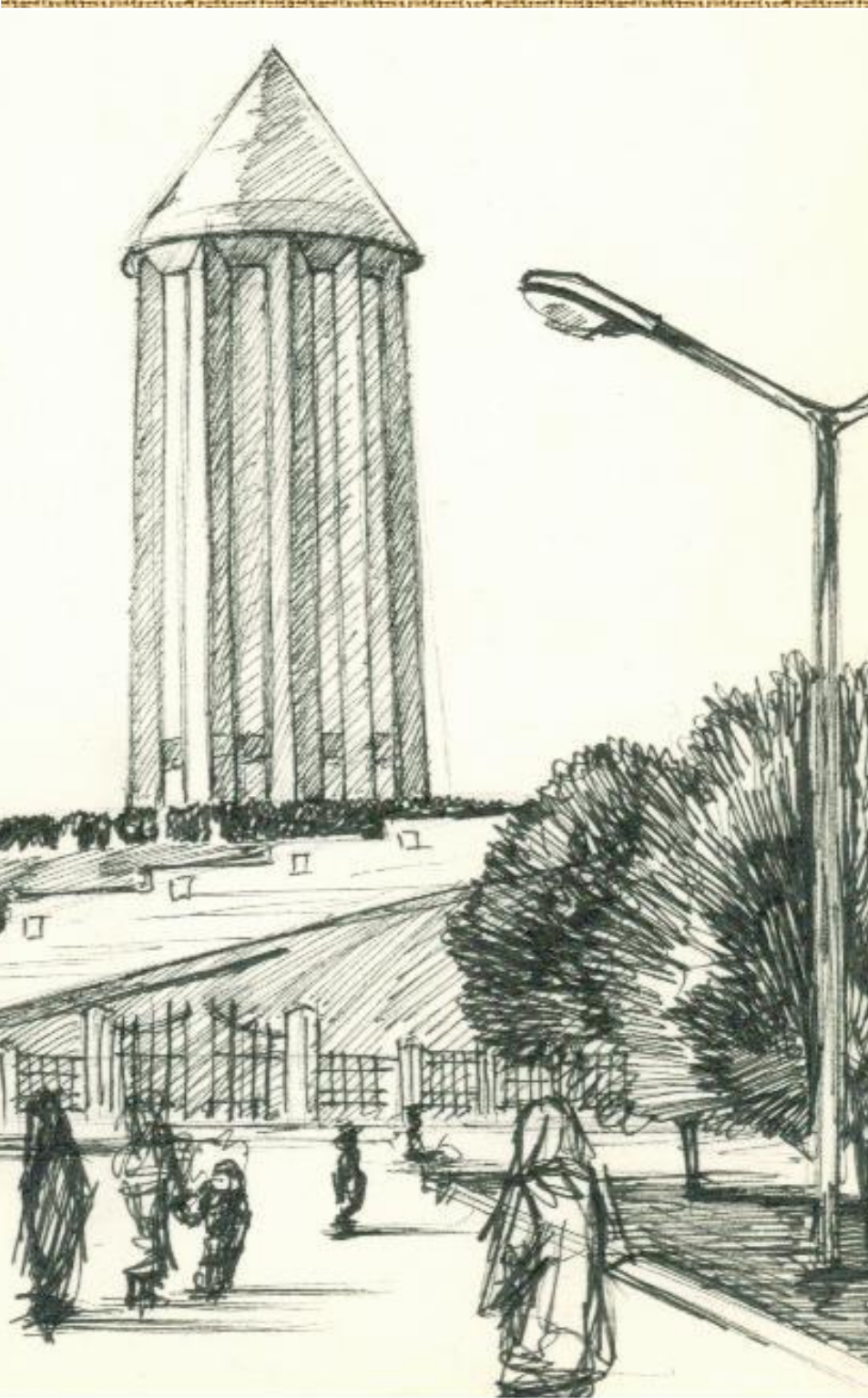




مختص راهنمایان
ایرانگردی و جهانگردی

خلاصه کتاب معماری ایران و جهان



مؤلف کتاب: دکتر رضا نوری شادمهانی

گردآورنده: فرزین پارسا

مختص راهنمایان ایرانگردی و جهانگردی



استفاده از این کتاب و مطالب آن به هر نحوی فقط برای فردی است که هزینه کتاب را پرداخت نموده است. هر گونه استفاده برای افرادی که هزینه آن را پرداخت نکرده اند، چه از نظر شرعی و چه از قانونی و انسانی صحیح نمی باشد.

لطفا با رعایت حقوق تهیه کننده از ما برای تهیه بیشتر مطالب آموزشی حمایت کنید.

توجه

حلال بودن استفاده از این خلاصه منوط به پرداخت مبلغ ۱۰ هزار تومان به شماره کارت بانک ملت ۶۱۰۴۳۳۷۸۰۶۳۰۳۳۴۱ به نام خسرو پارسا می باشد. اگر آن را از کسی گرفته اید یا از هر سایتی دانلود کرده اید هیچ فرقی نمی کند. استثنایی وجود ندارد. لطفا خودتان را گول نزنید.

فصل اول / از آسمان اسطوره تا زمین تاریخ

دوره بعد از فراپارینه سنگی دوره نوسنگی است که تغییرات و تحولات زیادی در ایران رخ داد.

شرایط اسکان یافتگی اولیه عبارتند از:

- آب مناسب و همیشگی
- خاک مناسب و حاصلخیز
- مواد اولیه برای ساخت و ساز
- امکانات ارتباطی با سایر نقاط

در ابتدا خانه ها گرد بودند. در دوره های بعد چهارگوش شدند زیرا تقسیم بندی آن به اتاق و انبار و ... راحتتر بودند.

عصر نوسنگی عصر تبلور معماری است.

معماری عبارت است از تقسیم و ایجاد نظم و هماهنگی در فضا و زمان و تحمیل اراده انسانی می باشد که باعث می شود انسان از طبیعت بگسلد.

شکل خانه ها و مصالح به کار گرفته شده در ساخت خانه متناسب با ویژگی های محلی است. بنابراین واحدهای مسکونی اشکال مختلفی دارند.

از جمله روستاهای عصر نوسنگی که به تدریج تبدیل به تپه های باستانی شده اند عبارتند از:

- گنج دره: هرسین کرمانشاه
- حاجی فیروز: نقده
- علی گش: دهلران
- چخماق: شاهرود
- زاغه: بوئین زهرا

قدمت تپه زاغه به حدود هزاره ششم قبل از میلاد بر می گردد

خانه ها گلی بودند. گل به دو شکل مورد استفاده قرار می گرفت:

- خشت (بدون قالب) برای دیوارهای اصلی و نگهدارنده
- چینه برای دیوارهای جداکننده

روی سطح داخلی و خارجی دیوارها با کاهگل پوشانده می شد.

شکل خانه ها مستطیل نامنظم بوده و خانه ها کاملاً مستقل از یکدیگر بودند.

خانه دو قسمت روباز و مسقف داشته اند. ابعاد اتاق ها ۲/۵ در ۲ یا ۲ در ۱/۵ بودند و احتمالاً سقف مسطح بوده است.

با توجه به ویژگی ها معماری زاغه مشخص می شود ساکنین آن بومیانی بودند که در تمام طول سال در آن ساکن بوده اند و مراحل اولیه شکل گیری روستا را تجربه می کرده اند.

دومین انقلاب عظیم در فرهنگ انسان ایجاد شهر بوده است. در این انقلاب در روابط بین انسان با انسان ها و جامعه دگرگون شد

انقلاب اول که انقلاب عصر نوسنگی است در واقع واکنش انسان نسبت به محیط است.

خلاصه کتاب معماری ایران و جهان

مهمترین نظریه ها در مورد شکل گیری شهرهای باستانی و متمایز شدن آنها از روستا:

نظریه جولیان هانز استیوارد (انسان شناس آمریکایی): نظام کشاورزی و نیاز به سیستم آبیاری (آبیاری مصنوعی) منجر به ایجاد یک طبقه دیوان سالار شد که از بطن آن حاکم به وجود آمد.

نظریه کارل آگوست ویتفوگل (آلمانی، صاحب کتاب معروف استبداد شرقی): تقریباً مشابه نظریه استیوارد است و بیان می کند ظهور نخستین تمدن ها در مناطقی بوده است که نیاز به آبیاری مصنوعی در ابعاد گسترده مورد نیاز بوده است. این جوامع، جوامع آبی نام دارند.

نظریه ویتفوگل توسط مک آدامز رد شد زیرا تحقیقات در بین النهرین نشان داد قدمت دولت ها بیشتر از قدمت نظام آبیاری بوده است.

نظریه مک کورمیک آدامز: او تحقیقاتی را در بین النهرین انجام داد و نحوه شکل گیری فرهنگ انسانی را در دوره قبل از شهرنشینی و دوره آغاز شهرنشینی بررسی کرد. او نظریه یازده گانه ویر گوردون چایلدر را خلاصه نمود و ۱۰ عامل کمی و کیفی را برای شهرنشینی اعصار اولیه بیان داشت:

- وسیع شدن استقرارها
 - زیاد شدن درآمد سازمانها با اخذ مالیات
 - ایجاد بناهای عام المنفعه
 - اختراع خط و نگارش
 - توسعه علوم
 - تجارت اشیا تجملی در راه های طولانی
 - ایجاد طبقات اجتماعی
 - ایجاد تخصص های مختلف
 - ایجاد سازمان های سیاسی
 - طبیعت گرایی در هنر و پدید آمدن هنرهای تجسمی
- نظریه مجید زاده باستان شناس ایرانی: عوامل ایجاد شهر از جوامع غیر شهری عبارتند از:

- کشاورزی فشرده
 - ازدیاد جمعیت
- نظریه ملک شه میرزادی: عامل اصلی این تغییر بزرگ را تولید محصول مازاد بر نیاز جوامع دانسته است. هیچ کدامیک از این نظریه ها قابل اثبات نیستند.
- تقسیم بندی تاریخی شهرها:

- شهرهای پیش از تاریخ: شامل هزاره چهارم تا هزاره اول قبل از میلاد
 - تپه سیلک کاشان، تپه حصار دامغان، تل ابلیس (کرمان)، تل یحیی (کرمان)، گودین تپه (کنگاور)، تپه حسنلو (نقده)، شهر سوخته (سیستان)
- شهرهای باستانی (تاریخی): نیمه اول هزاره دوم قبل از میلاد تا اواخر دوره ساسانی
 - شهر کبک یا هفت تپه، شهر دوراوتاشی (اطراف چغازنبیل)؛ شهرهای اورارتویی، شهرهای مانی، شهرهای هخامنشی، شهرهای مادی

• شهرهای اسلامی

تپه سیلک کاشان

دکتر ملک شه میرزادی معتقدند که سازه خشتی توپری که روی این تپه قرار گرفته است پایه کاخ مادها نیست و در واقع یک طبقه از یک زیگورات است. و قدمت آن به اوایل هزاره سوم قبل از میلاد برمی گردد.

اگر این نظریه درست باشد ایرانیان وام دار معماران بین النهرین نخواهند بود.

تپه حصار دامغان

این تپه در سه کیلومتری دامغان قرار گرفته است. اریک اشمیت تحقیقات باستان شناسی روی آن انجام داد. آثار آن مربوط به هزاره پنجم تا دوهزار سال قبل از میلاد است.

در این منطقه خانه های بزرگی با قدمت سه هزار سال قبل از میلاد کشف شده اند

یک ساختمان جالب در این تپه ساختمان سوخته است که دارای یک حصار دفاعی همراه با باروهای حفاظی و دفاعی و تنها یک دروازه می باشد. دکتر اشمیت معتقد است این ساختمان یک معبد یا یک کاخ بزرگ بوده است.

از تپه حصار ماکت سفالین از یک خانه به دست آمد که نشان دهنده اهمیت خانه سازی در نزد ساکنین این شهر بوده است.

شهر سوخته سیستان

مهمترین مرکز استقرار فرهنگی، اجتماعی، سیاسی و اقتصادی در تمام منطقه در طی هزاره سوم و دوم قبل از میلاد است.

گل نوشته ایی متعلق به آغاز دوره ایلامی (۳۲۰۰ پیش از میلاد) پیدا شده است.

چهار دوره مختلف در شهر سوخته وجود دارد

خانه های چهار دوره با خشت ساخته می شدند و دارای تمامی اجزای خانه مانند اتاق و پله و اجاق بودند.

خانه به صورت نامرتب کنار هم قرار گرفته اند. کوچه ها کف سازی نشده بودند و به مرور بر اثر رفت آمد انسان ها و حیوانات سفت شده بوده است.

مساحت خانه بین ۹۰ تا ۱۵۰ متر مربع بودند و ساختمانی به مساحت ۵۶۰ متر مربع وجود دارد که احتمالا بقایای یک کاخ بوده است.

این کاخ بر اثر آتش سوزی بزرگی تخریب شده و جسد سوخته یک جوان ۱۲ تا ۱۴ ساله در آنجا پیدا شده است.

نحوه نگه داری از اموال شخصی و عمومی استفاده از لاک و مهر برای پلمپ کردن انبار شخصی یا عمومی بوده است.

استفاده از لاک و مهر در تمامی جوامع شهر نشین هزاره چهارم تا هزاره دوم پیش از میلاد از جزیره کرت تا شمال هندوستان رایج بوده است.

شهر سوخته در ۱۸۰۰ قبل از میلاد متروک شده است. علت آن نامشخص است و پس از آن تبدیل به تپه شده است. احتمالا به علت بحرانی در ۲۰۰۰ قبل از میلاد در کل منطقه رخ داده است زیرا که تپه حصار دامغان هم در همین دوره متروک شده است.

پس از افول حکومت ها در شرق، حکومت هایی در جنوب غربی به وجود آمد که برای اولین بار نام پادشاه ایلامی در تورات به نام لاومرکدور آورده شده است.

خلاصه کتاب معماری ایران و جهان

ایلامی ها سه دوره کهن، میانی و نو داشته اند.

مهمترین گل نبشته به خط میخی ایلام کهن، عهدنامه ایی بین ایلام و نرام سین پادشاه اکدی است.

این گل نبشته قدیمی ترین مدرک شناخته شده ی تاریخی در ایران است.

قدمت آن بین سال های ۱۸۰۰ تا ۱۶۰۰ ق. م تخمین زده شده است.

دوره تاریخی ایران نیمه اول هزاره دوم قبل از میلاد تا اواخر دوره ساسانی است.

شهر کبک یا هفت تپه

در ۱۰ کیلومتری جنوب شرقی شوش قرار گرفته است.

رونق این شهر در ۱۵۰۵ تا ۱۳۵۰ قبل از میلاد بوده است.

احتمالا شهری مذهبی بوده است. زیرا مجموعه وسیعی مقبره- معبد و دو صفه بزرگ از خشت خام خشت پخته شده کشف شده اند.

در اینجا کتیبه تپتی آخر (تپتی اهر) شاه ایلامی به دست آمده است.

تپتی آخر دستور ساخت دو آرامگاه را می دهد. یکی برای خودش و ملکه اش و دیگری برای ۲۳ خدمه ایی که قرار بود در دنیای دیگر به شاه خدمت کنند.

طاق آرامگاه خود پادشاه هلالی ضربی است که نشان دهنده آشنایی کامل ایلامی ها از رموز مقاومت و کشش مصالح بوده است.

در منطقه یک کوره دو شاخه پیدا شد که یک طرف برای پخت سفال و از دیگری برای ذوب فلز استفاده می شده است.

آثار و بناهای بدست آمده از منطقه نشان دهنده یک دوره درخشان و پیشرفته است. زیرا که ساروج و گچی که برای ساخت بنای تپتی استفاده شده است دارای مقاومت بسیار بالایی است.

کبک احتمالا یک شهر مذهبی بوده است ولی دوراوتاشی بی تردید یک شهر مذهبی بوده است. زیرا که بلندترین و سالمترین زیگورات در مرکز این شهر پیدا شده است.

دوراوتاشی توسط ایلامیان در نیمه ی دوم سده ی چهارم پیش از میلاد بنا نمودند.

محوطه دارای سه محدوده محصور هم مرکز است.

محصوره اول: در مرکز زیگورات چغازنبیل که معبد اصلی است قرار گرفته است و در شمال شرقی نیز معابد دو ایزد دیگر به نام های ایشنیکاراب و کیریریشا قرار دارد.

محصوره دوم: حاوی مجموعه ایی متشکل از سه معبد کوچک است که هریک صحن خاص خود را دارد.

محصوره سوم: که شکلی نامنظم داشت به منظور حراست از محوطه درونی بوده است. در شرق نزدیک محوطه ورودی بناهایی ساخته شده بود که به عنوان دیوان سرای سلطنتی به کار می رفتند. دوتا از این مکان ها برای اقامت موقت سلطنتی به کار می رفته است و کاخ سوم برای آیین تدفین به کار می رفته است که دارای سرداب هایی در پایین بوده است که پس از سوزاندن مردگان خاکستر آنها را در آنجا قرار می داده اند.

شهر دوراوتاشی زمانی نسبت به شهرهای دیگر برجسته شد که اوتاش-گل/نپیریشا پادشاه ایلامیان پرستشگاه دو ایزد ایلامی را بنا نهاد.

ایزدان بزرگ و حامی ایلامی :

- ناپیریشا: حامی شهر انشان
- این- شوشینگ: حامی شهر شوش

خلاصه کتاب معماری ایران و جهان

از اواخر هزاره ی سوم و اوایل هزاره ی دوم آریایی ها از شمال غربی قرقیز و جنوب کوه های اورال وارد فلات ایران شدند. و شهرهایی بنا نهادند

شهرهای اورارتویی

دولت اورارتو از اتحاد قبایل و طوایف اطراف دریاچه وان (در شرق ترکیه نزدیک مرز ایران) با مرکزیت توشها (توپراک قلعه امروزی) شکل گرفت. که در قرن هشت و هفت ق. م استان های آذربایجان شرقی و غربی مرز شرقی اورارتوها بودند. به طوری که ۱۰۱ محوطه در آنجا کشف شده است.

اورارتوها در ساخت فلز، ایجاد کانال آبیاری و احداث بنا و قلعه و شهرهای مستحکم ماهر بودند.

دشمن اصلی اورارتوها یکی آشوری ها از جنوب و سیت ها از شمال بودند. برای همین محوطه های مسکونی آنها نزدیک قلعه بوده است.

محوطه مسکونی بسطام (به زبان اورارتویی: روزا-ای-اورو.تور) یک محوطه مسکونی بدون حصار است که در قرن ۷ ق.م در دامنه یک قلعه ساخته شده است.

خانه های این محوطه شرقی- غربی بودند تا جریان نسیم خنک و تمیز کننده از خانه آنها عبور کند.

خانه ها مستطیلی شکل با حیاط بودند و از گل یا خشت بر روی پی هایی از لاشه سنگ بنا شده بودند.

محوطه های اورارتویی را می توان از نوع شهرهای نظامی نامید که قابلیت مقابله با بزرگترین دولت جنگنده آن دوران یعنی آشوریان را داشته اند.

شهرهای مآتایی

مآتاها در اوایل هزاره ی اول قبل از میلاد در شمال غرب ایران تشکیل شدند. آنها جنوب شرق دریاچه ارومیه و تا حدودی جنوب غرب دریای خزر را تحت سیطره داشتند.

چهار محوطه کاوش شده مرتبط با مآتاها عبارتند از:

- زیویه: در نزدیکی سقز
- قالایچی: شمال شرق بوکان
- رَبط: جنوب غرب شهر ربط در سردشت
- حسنلو: نزدیک شهر نقده

کتیبه ایی به زبان آرامی در قالایچی پیدا شده است که براساس آن می توان ادعا کرد این محوطه همان زیرتور مرکز دولت مآتا است.

محوطه حسنلو یکی از مهمترین این محوطه ها است.

تپه حسنلو در نقده آذربایجان غربی قرار دارد. که توالی فرهنگی از عصر نوسنگی تا عصر آهن را به نمایش می گذارد. اوج شکوفایی آن هزاره ی ۱ و ۲ ق. م است.

بناهای سوخته بناهایی بودند که بر روی تپه مرکزی یا تپه ارگ در حسنلو پیدا شدند که متعلق به دوره چهارم بوده اند که در اثر آتش سوزی ۸۰۰ ق.م همه انسان ها و حیوانات و بناها نابود شدند.

این ساختمان ها دارای ستون، انباری، پله برای طبقه دوم، شبکه زه کشی، سنگ فرش هستند.

خلاصه کتاب معماری ایران و جهان

علاوه بر این ۵ ساختمان بزرگ و مفصل در اطراف دو حیاط به نام های حیاط بالا و حیاط پایین پیدا شده اند که حداقل یکی از آنها معبد بوده و مابقی محل زندگی پادشاه یا حاکم و والی شهر بوده است.

ساختمان ستون دار بین هخامنشیان، اورارتوها و مادها مشترک است. و اینکه معماران این ایده را از کجا الهام گرفته اند مشخص نیست. به هرحال از طبقه چهارم (دوره چهارم) حسنلو تا نوشیجان و گودین دوم و آپادانا هخامنشی تحولی صوری رخ داده است.

شواهد نشان می دهد در این دوره تجارت با مناطق دور دست انجام می شده است. واردات کالاهای مصرفی و زینتی و تولید ظروف و اشیاء فلزی، منسوجات، کنده کاری عاج، اثاثیه چوبی نیز در این منطقه انجام می شده است.

ولی با وجود این در نهایت مآنها از رونق افتادند و با سلطنت کیاکزآر، مردم مآنا و سکاییان و پارسیان به تبعیت وی در آمدند.

شهرهای مادی

مادها در کوهپایه های زاگرس سکونت داشتند. و با اقوامی همچون حوریان، گوتیان، لولوییان، کاسیان و اورارتوها آمیزش قومی، فرهنگی، زبانی پیدا کردند. که در نهایت سرزمینی به نام ماد به وجود آمد که با پشتیبانی مردم برعلیه همه کسانی که ادعای خدایی می کردند ایستادند

کاوش ها نشان می دهد که امکان رونق گیری شهرهای مادی بعد از آن دوره وجود دارد. از جمله شهرهای مادی عبارتند از:

- نوشی جان: نزدیک ملایر
- باباجان: نورآباد لرستان
- گودین تپه: کنگاور
- ازبکی: نظرآباد کرج
- قلی درویش: قم
- هگمتانه: همدان

منبع مهم دیگر نقش برجسته های آشوری است. زیرا تصویر فتح شهرهای مادی از متداول ترین موضوعات نقش برجسته های آشوری است.

این کار از زمان نصیرپال دوم تا آشوربانی پال متداول بوده است.

شهرهای مادی در کنار دریاچه یا رودخانه ساخته می شدند و اگر این امکان وجود نداشت در اطراف آن خندق می ساختند.

دژها یا قلاع ها بر روی تپه های طبیعی یا مصنوعی ساخته می شدند.

قلاع ها دارای ساختار سلسله مراتبی بودند. یعنی اینکه فضاهایی که اهمیت سیاسی یا اجتماعی داشتند دارای دیوارها بلندتر و مستحکم تر بودند.

هگمتانه دارای هفت حصار عظیم به بلندی دیوارهای آتن بوده است و حصارهای داخلی از حصارهای خارجی بلندتر بودند.

در مرکز شهر ارگ یا کهنه دژ قرار داشته که محل سکونت پادشاه یا حاکم بود. که دارای سیستمی خودکفا و مستقل بود و نیازهای افراد داخل آن کامل برطرف می شد. و بهترین معماران برای تزئینات داخلی آن تلاش می کردند

خلاصه کتاب معماری ایران و جهان

دست‌آورد هنری باباجان: کاشی‌های منقوش در ساختار ارگ این شهر در اطراف ارگ، شارستان قرار دارد که سکونتگاه دیوانیان، اشراف و سپاهیان است. در حومه شهرها محل زندگی کشاورزان و پیشه‌وران بوده است. روستاهای اطراف شهرهای مادی گاهی همزمان با احداث شهرهای مادی بوده است. این بخش‌های حاشیه‌ای آلانی سهروتی نامیده می‌شدند. بخش‌هایی که اهمیت سیاسی داشتند آلانی دنوتی نامیده می‌شدند. ساختار سلسله‌مراتبی مادها تا دوره قاجار ادامه داشته است. کوروش دوم یک شورش موفقیت‌آمیز راه انداخت و پاسارگاد را تصرف کرد و به حکومت مادی پایان داد. شهرهای هخامنشی کج معتقد است پاسارگاد یک دژ مادی بوده است که کوروش آن را تسخیر کرده و در اطراف آن باغی ساخته است. نوشته مورخان نشان می‌دهد که تخت جمشید یک پردیس بوده است. در متن‌های آیینی تخت جمشید از مکانی به نام پرتتش یاد شده است که در آنجا پیش‌کشی‌ها اهدا می‌شده است. وجود جوی و حوضچه نشان می‌دهد که پاسارگاد قدیمی‌ترین باغ ایرانی بوده است. بنابراین شکل پایتخت‌های خاور نزدیک را نداشته و بسیار مستحکم نبوده است. ساختمان‌های پاسارگاد از هم فاصله داشتند و کاخ‌ها در بین باغ‌های سرسبز قرار داشتند که این طرح با قالب شهرهای بین‌النهرین در تقابل بوده است. داریوش هم مانند کوروش شهرهای جدید ساخت و به علت سرمای شدید فلات مرکزی ایران وی کاخ زمستانی خود را در شوش بنا نهاد. به دستور داریوش بر روی محوطه ایلامی بناهای معروفی مانند آکروپل، شهرشاهی، شهر صنعتگران و آبادانا احداث گردید. چون در این دوره زندگی شبانی مجدداً رونق پیدا کرده و سنت کوچ‌نشینی رواج داشته است بنابراین مردم خانه‌های مستحکم نمی‌ساختند و به همین دلیل است که فرآیندهای شهرسازی مهمی در این دوران دیده نمی‌شود. شهر مهم دیگر شهر دهانه غلامان یا زرنکای عهد هخامنشی است. این شهر نزدیک زابل قرار دارد. اهمیت این شهر در این است که به جز پاسارگاد و تخت جمشید را کنار بگذاریم تنها شهر باقی‌مانده از دوره هخامنشی این شهر می‌باشد. این شهر هدفمند و با برنامه ساخته شده است و خانه مردم عادی در کنار مراکز دولتی، اجتماعی و مذهبی ساخته شده‌اند. این شهر به آرامی متروکه شده است دلایل ترک این شهر عبارتند از

- تقسیم سیاسی
- طوفان شن
- خشک شدن ناگهانی رودخانه شهر

مهمترین شهرهخامنشی و به عبارتی مهمترین شهر تاریخ ایران شهر پارسه (نام عامیانه آن تخت جمشید) است. علت این تغییر نام تقلید انگاشتن از آرمان شهر جمشید یعنی ورجمکرد است. ورجمکرد یعنی شهر یا دژی که جمشید ساخته است. (ور+جم+کرد) مهمترین الگو طراحی شهری در ایران پیش از اسلام و پس از آن است.

خلاصه کتاب معماری ایران و جهان

شهر پارسه توسط داریوش اول بنیاد نهاده شد و جانشینانش آن را تکمیل کردند که دارای ساختار سلسله مراتبی یعنی ارگ، شارستان و فضای بیرونی بوده است.

قسمت های باقی مانده عمدتاً از بخش ارگ هستند که روی صفه سنگی و پشت به کوه رحمت قرار گرفته بوده است. بناهایی روی صفه اصلی توسط داریوش اول و پسرش خشایارشا ساخته شده اند که عبارتند از:

- بناهای عظیم بارعام و مراسم رسمی: شامل دو کاخ آپادانا و صدستون
- بناهای مسکونی: شامل کاخ زمستانی داریوش، کاخ هدیش، حرم سرا و کاخ اردشیر
- بناهای خدماتی و تشریفاتی: دروازه ملل، دروازه ناتمام، سربازخانه، اصطبل سلطنتی، سیستم آبرسانی، سیستم

دفاعی

- آرامگاه ها

غیر آثار موجود بر روی صفه آثاری نیز در دره (برزن) یافت شده اند که بقایای شهر پارسه و شهر شاهی می باشند. مساحتی که این آثار در آن پیدا شده اند دوبرابر مساحت صفه است.

این آثار به دو شکل کوشک منفرد و بافت پیوسته شهری وجود دارند.

تصرف و تخریب شهر پارسه توسط اسکندر در بهار ۳۳۱ ق. م مهمترین کار اسکندر بوده است.

شواهدی موجود در بناهای روی صفه و برزن نشان می دهد حریق بزرگی رخ داده است و بعد از این تاریخ این شهر متروکه شده است. و چون مدعی [جدی و مدافع لایقی برای ایران پیدا نشد امپراتوری پارس منقرض شد.

هفت سال پس از مرگ داریوش، اسکندر بر اثر تب شدید و در بابل در سن سی و سه سالگی جان داد.

ولی در سال ۳۰۴/۳۰۵ پس از میلاد سلوکوس تاجگذاری کرد و بابل و ایران را مطیع خود کرد و حکومت سلوکیان را آغاز نمود.

سلوکوس و پسرش آنتیوکوس بر امتزاج فرهنگی یونان و ایران تأکید داشتند.

آنها مهاجران یونانی- مقدونی را به آسیا آوردند تا سیاست یونانی کردن آسیا را آغاز کنند.

پایتخت سلوکیان، سلوکیه بود.

به همین دلیل در امپراتوری سلوکیان شهرهای یونانی نشین بسیاری شکل گرفته اند که اغلب به نام های زیر خوانده می شدند:

- به نام سلوکوس سلوکیه خوانده می شدند
 - به نام آنتیوکوس آنتاکیه
 - به نام مادر سلوکوس لائودکیا، لاذفیه خوانده می شدند
 - به نام همسر سلوکوس آپامئا، آفامیه نام می گرفتند.
- پلان شهرهای سلوکی یونانی بود ولی سبک معماری و ساخت فضاها از مشرق زمین الهام گرفته می شد.
- پلان یونانی مربع یا مستطیل (هیپوداموس) بودند و دارای خیابان های عمود بر هم هستند

خلاصه کتاب معماری ایران و جهان

شهرهای یونانی نشین سلوکی دارای بازار (آگورا)، تماشاخانه و ورزشگاه بودند.

شهرهای مهم سلوکی عبارتند از:

- آنتاکیه در جنوب ترکیه
- دورا اورپوس در سوریه
- سلوکیه در عراق
- آی خانم و تاکسیلا در افغانستان
- افراسیاب در سمرقند

پارتیان (اشکانیان) در ۲۴۷ پ. م حکومت سلوکیان را پایان دادند و روند یونانی سازی شرق را کند کردند و ترکیب متوازنی بین یونانی سازی و شرق دوستی به وجود آید.

پلان شهرها در دوران سلوکی مدور شد و اطراف آن باروهای مستحکمی بنا می شد که ممکن است یادآور اردوهای بوده که در استپ ها بنا می نهادند و یا عدم امنیت ایران در عصر پارتیان دلیل آن می تواند باشد.

این پلان حتی برای کلنی ها و پولیس های یونانی که پلان هیپوداموس داشتند هم اعمال شد.

بررسی شهر مرو نشان می دهد که تأثیرات عوامل نظامی بر روی شهرسازی پارتیان به چه شکل بوده است.

اسکندر این شهر قدیمی را اسکندریه مرگیان نام نهاد. ابتدا توسط حمله مهاجمین چادر نشین نابود شد ولی بعد توسط آنتیوکوس اول به شکل هندسی هیپوداموس ساخته شد. پارتیان که اهمیت این شهر را می دانستند بر حفظ آن کوشیدند و در اطراف هسته مربع شکل آن شهری دایره وار ساختند که همانند یک کمر بند دفاعی بود.

مشابه این اتفاق برای شهر هترا (الخضرا) در عراق نیز افتاد.

اشکانیان برای حفظ تسلط خود بر سلوکیه شهر تیسفون را بنا نهادند که توسعه آن تا پایان دوره اشکانیان ادامه داشت تیسفون پلان مدور داشت.

نقش سورنا سردار پارتی (اشکانی) در آن بسیار استفاده شده است.

تیسفون پایتخت اشکانیان و ساسانیان بوده است.

منشا پلان دایره ایی شکل (مستدیر) را می توان چنین در نظر گرفت:

مبدا طرح شهرسازی که قابلیت دفاع جناحی داشته باشد از سبک زندگی چادر نشینان الهام گرفته شده است و معماری که به سمت غرب در حرکت بودند نیز همین سبک را استفاده کردند. و در قرون وسطی مهندسان نظامی نیز از همین سبک اقتباس کرده و آن را تکمیل کردند.

نظر دوم برا این اصل استوار است که بنای مدور شهر یادآور کیهان و گردش سیارات است و زمان دایره ایی را بازسازی می کند. در عصر زرین اسطوره زمان مستدیر بود یعنی لحظه آغاز و پایان یک چرخه بر هم منطبق بوده است.

شکل دایره ایی بر سبک سلسله مراتبی تأثیر چندانی نداشته است و شهرهای اشکانی نیز دارای سه طبقه ارگ، شارستان و بیرون بوده است.

خلاصه کتاب معماری ایران و جهان

از شهرهای مدور سلسله مراتبی اشکانیان می توان به نمونه های زیر اشاره کرد:

- نیسا
- هکاتوم پیلوس یا قومس یا صد دروازه در نزدیکی دامغان
- کوه خواجه سیستان
- مهرداد کرت در ترکمنستان
- دارابگرد در فارس

شهرهای عصر اشکانی که در مسیر تجاری (خارج از قلمرو دائمی ایران) بودند عبارتند از:

- تدمر یا پالمیر
- دورا اورپوس
- پترا

ساسانیان

بنیادگذار سلسله ساسانیان اردشیر است. و چگونگی تأسیس این دولت در هاله ایی از افسانه قرار دارد. اردشیر شهری را بنا می نهد و نام آن را اردشیرخوره می نامند که این کار باعث خشم آخرین پادشاه اشکانیان یعنی اردوان می شود و جنگی بین آنها رخ می دهد و در نهایت اردشیر پیروز شده و حکومت اشکانیان را منقرض می کند و خود را شاهان شاه ایران می نامد.

متن «شهرستان های ایران» از دوران ساسانیان باقی مانده است که براساس آن ساخت تقریباً تمامی شهرهای مهم ایران به پادشاهان نسبت داده شده است.

اهمیت شهرهای باستان بر دو دلیل است

- داشتن کارکرد اداری-حکومتی
- چون پادشاهان خود را نماینده اهورامزدا می دانستند و از طرفی شهر محل زندگی پادشاه بوده پس شهرها دارای اهمیت مذهبی هم بوده اند.

پس دو دید مختلف می توان به شهرها داشت

- تعیین کالبد شهر، کارکرد اقتصادی و اجتماعی و تاریخ تحول بافت ها
- تجلی تصویری آرمانی و معنوی در شهر

شهرهای ساسانی همیشه با نقشه ساخته می شدند

به دلایل عملی همواره نقشه منظمی داشته اند و اکثراً پلان مستطیلی و شبکه بندی منظمی دارند.

البته پلان های متحد المركز نیز وجود دارد.

خلاصه کتاب معماری ایران و جهان

دلیل استفاده از پلان متحدالمرکز نمایش سلطنت جهانی بر روی کره زمین بوده است تا به این شکل از حکومت متمرکز بر جهان و کشور تجلیل شود.

این سبک معماری در دوران پس از اسلام نیز مورد پسند خلفای عباسی واقع شد و دارالحکومه بغداد براساس همین دیدگاه متحدالمرکز ساخته شد.

جامعه شهری پیش از اسلام جامعه طبقاتی بوده است و معماری شهری نیز از این سبک تبعیت می کند و سه محوطه دژ، شارستان و بیرون (رَبَض) به معنی بسته بودن یک فضا بر روی فضای بعدی است.

این دیدگاه با دیدگاه افلاطون یکسان است. افلاطون برای انسان ها فلزهای مختلفی در نظر می گرفت. عده ای طلایی و عده ای نقره ای. انسانی که نقره ای است هیچ گاه نمی تواند طلایی شود.

در دوره ساسانی مفهوم شهر با مفهوم سیاست و دولت مرکزی پیوند محکم تری خورد.

در زمان ساسانی شهر تبدیل به «شهر-قدرت» می شود یعنی محل استقرار قدرت پادشاهی. البته این نگاه نسبت به شهر در تمام دوران وجود داشته است ولی در زمان ساسانی پررنگ تر می شود.

در زبان فارسی دو واژه شار یا شارستان از کلمه شهر گرفته شده اند که خود این واژه از کلمات قدیمی تر به نام «شتر» یا «خَشتر» از ریشه «خشی» به معنی پادشاه گرفته شده است.

به همین دلیل است که مفاهیم شهر، کشور، پادشاه و پادشاهی مفاهیم یگانه ای هستند و بار معنایی مقدسی در آنها نهفته است.

نخستین شهر ساسانیان شهر اردشیرخوره بوده است. در سه کیلومتری فیروزکوه در استان فارس قرار دارد.

شهری مدور بوده به قطر ۲ کیلومتر با حصار گلی و خندقی به عرض ۵۵ متر.

دارای چهار دروازه و دو خیابان اصلی که در مرکز شهر بایکدیگر تلاقی می کردند. در محل تلاقی این دو خیابان بنای چهارگوش ۳۷ متری وجود داشته که سالم ترین ساختمان باقی مانده از آن دوران است.

در ۱۰۰ متری این برج ساختمانی مربع شکل به نام تخت نشین با سنگ های تراش خورده وجود داشته است که احتمالاً دارای پوشش بافته با گنبدی عظیم داشته است.

در شهر بناهای بزرگی ساخته نشده و خانه ها اکثراً با گل یا قلوه سنگ ساخته شده بودند که دارای حیاط و باغ بوده اند و همگی در راستای شعاع شهر ساخته شده بودند

در شعاع ۴۵۰ متری حصار وجود داشته که بخش اداری داخلی را از بقیه شهر جدا می کرده است.

علت تمایز اردشیر خوره نسبت به شهرهای مدوری مانند هترا و دارابگرد در این است که با محاسبات دقیقی به ۲۰ منطقه کاملاً مساوی تقسیم شده است.

شهر مهم دیگر ساسانیان بیشاپور است که توسط شاپور پسر اردشیر در غرب کازرون ساخته است.

این شهر برخلاف اردشیرخوره پلان هیپوداموس (پلان شهرهای حوزه مدیترانه) داشته است.

خلاصه کتاب معماری ایران و جهان

این شهر از دو طرف با حصار و خندق محافظت می شده و از یک طرف دیگر رودخانه شاپور و از طرف دیگر توسط کوه حفاظت می شده است.

بر روی این کوه قلعه بزرگی مشرف به شهر وجود داشته است.

چهار دروازه اصلی این شهر عبارتند از: هرمز، بهرام، مهر و شهر که دو خیابان عمودی آنها را به هم وصل می کرده است. محلات داخلی مستطیل شکل بوده اند.

قسمت شمال شرق کاربرد رسمی داشته زیرا که بناهای مهمی مانند کاخ شاپور، معبد آناهیتا و ایوان های موزاییک احداث شده بودند.

این دو شهر از لحاظ پلان کاملاً متفاوت هستند ولی نقطه مشترک بین آنها وجود دارد که به وسیله یک سیستم هندسی تنظیم شده اند که توسط محورهای صلیبی مشخص شده اند و هر دو شهر دارای دو منطقه مجزای مسکونی و رسمی (کاخ و معبد و...) بوده اند.

شهر مهم دیگر ساسانیان جندی شاپور در نزدیکی شوشتر است که پلان مستطیلی داشته است. این شهر در هنگام لشگرکشی شاپور به روم شرقی برای اسکان اسرای جنگی و انتقال مردم برای در امان ماندن از جنگ بنا نهاده شده است و به علت تعجیل در ساخت، پلان این شهر به شکل صفحه شطرنج است یعنی ۸ راه بر ۸ راه دیگر عمود است.

علت شهرت جندی شاپور فعالیت های علمی به خصوص پزشکی در این شهر بوده است.

در زمان شاپور اول یک دانشگاه پزشکی جهانی در این شهر ساخته شده است.

شاپور دوم این شهر را گسترش داده است و یک بیمارستان و یک دانشگاه برای رشته های الهیات، پزشکی و نجوم و یک رصدخانه در این شهر ساخته است.

مصالح ساختمانی این شهر خشت و آجر بوده و ملاط آن گچ و آهک بوده است.

عنصر اصلی معماری این دوره طاق، قوس و گنبد بوده است و سبک جدیدی در معماری به وجود آورده است.

شهر دیگر ساسانی شهر ایوان کرخه است که توسط شاپور دوم بر ساحل راست کرخه ساخته است.

پلان (تهرنگ) آن هیپوداموس بوده و در محله شاهی بقایای کوشک سه ایوانی مشاهده می شود که داخل آن با دیوارنگاره هایی آرایش شده است.

توسعه شهرسازی در دوره ساسانیان بسیار گسترده بوده و یکی از دلایل این امر نگارش رساله «شهرستان های ایران» در اواخر دوره ساسانی می باشد.

در این رساله نام شهرها به همراه بنیانگذار و موقعیت آنها ثبت شده است که اثری از بیشتر این شهرها وجود ندارد. شهرهایی که توسط پادشاهان ساخته می شدند اکثراً دارای نظام هندسی بوده اند ولی اکثر دیگر شهرها ارگانیک بوده اند و به تدریج ساخته شده اند و تعداد آنها از شهرهای پادشاهی بسیار بیشتر می باشد.

شهرهای اسلامی

پس از دوره ساسانی به مدت دو قرن هیچ شهرسازی و رشد شهری در ایران مشاهده نمی شود.

در گذر از قرن سوم به قرن چهارم شاهد تحولی در شهرسازی و شهرنشینی در ایران با رویکردی نو هستیم.

شهرهای دایره ای و مستطیلی تا قبل از اسلام ۴ دروازه داشتند که بعد از اسلام معمولاً ۵ دروازه داشتند.

شهر در دوره اسلامی به منزله انعکاس ارزش های اسلامی بوده است.

خلاصه کتاب معماری ایران و جهان

چهار بخش اصلی شهرسازی اسلامی

- هسته اصلی (مرکزی): مسجد جامع یا مسجد اعظم
- بازار
- سیستم دفاعی
- مجموعه فضاهای گوناگون دیگر

مسجد جامع هسته اصلی شهر یعنی مکانی برخوردار از احترام بیشتر بوده است و آیین های مذهبی و تجمع مردم در آن انجام میشده است.

نماز جمعه در این مسجد برپا می شده و مدرسه کنار آن به تعلیم علوم مذهبی و علمی مبادرت می ورزیده. و توسط سوق (بازار) احاطه می شده است.

یکی از وجوه تمایز شهرهای اسلامی با شهرهای پیش از اسلام تغییر در موقعیت مراکز آموزشی بوده است. پیش از اسلام مراکز آموزشی عمدتاً در کنار مراکز اداری بوده و مراکز اداری نیروهای مورد نیاز خود را در این مراکز تعلیم می دادند ولی در شهرهای اسلامی مرکز بزرگی را در کنار مسجد جامع به نام مدرسه برای این کار اختصاص می دادند.

در کنار مسجد جامع حمام یا گرمابه عمومی قرار داشته است. که علاوه بر اینکه مکانی برای نظافت و طهارت بود مکانی برای ارتباط مردم شهر نیز بود.

بازار قلب تجاری شهر بود که در مرکز شهر ساخته می شد. از سود فعالیت های تجاری برای ساخت مراکز مذهبی و امور مرتبط با آن استفاده می کردند.

ارگ نماد حکومتی است که فضاهای اداری، محل پذیرایی حکام، طویله، زندان، آب انبار و باره بند در آن قرار می گرفته است. گاهی در شارستان و گاهی در کناره شهر ساخته می شد.

اگر ارگ در شارستان باشد نزدیک مسجد جامع ساخته می شده است.

بخش دوم مسکونی بخش داخل حصار است که مانند دوران قبل از اسلام شارستان نامیده می شود.

شارستان های بزرگ دارای چندین محله بوده اند که هر محله دارای یک «مرکز محله» مخصوص بوده است که در بهترین مکان قرار می گرفته است. و جایی برای ارتباط مردم محله بوده است.

شکل کلی بافت محله های مسکونی سه حالت دارد: ارگانیک (غیرهندسی)، خطی (در امتداد دره یا رودخانه)، هندسی یا منظم

اغلب شهرهای ایران قبل و بعد از اسلام به صورت ارگانیک شکل گرفته اند.

سومین عنصر شهر اسلامی سیستم دفاعی است که اغلب یک باروی سترگ و مرتفع است. این حصار دارای دروازه برج دار، برج دیدبانی، خندق و ... بوده است.

عنصر چهارم عنصری متغییر است که شامل مجموعه از فضاهای گوناگون مانند واحدهای اداری، تأسیسات و خدمات رسان می باشد. برای مثال محل مستقر شدن کاروان ها که در حاشیه شهرها و نزدیک به دروازه بوده می تواند به عنوان عنصر چهارم در نظر گرفته شود

عنصر خارج از شهر و حصار گورستان است.

فصل دوم / رو به سوی آسمان

قدیمی ترین پیکرک ها، پیکرک گلی مکشوف از تپه سراب است که به نام ونوس سراب مشهور شده است و کارکرد آئینی داشته است.

معبد

قدیمی ترین شاهد معبد، ساختمان منقوش تپه زاغه است.

یکی از نشانه های شهرنشینی ایجاد بناهای عام المنفعه خصوصا معبد است.

یکه از سالم ترین معابد عیلامیان زیگورات اینشوشیناک یا معبد چغازمیل است.

تفاوت زیگورات چغازمیل با زیگورات های بین النهرین در این است که در آن منطقه، طبقات فوقانی زیگورات ها روی طبقات تحتانی بنا می شدند اما زیگورات چغازمیل بدین شکل است که تمام طبقات شالوده مجزایی دارند و همه آن ها از کف زمین بنیان گرفته اند.

واژه ی سومری زیگورات و عیلامی زیگورتو نوعی معماری مذهبی و آئینی در دنیای باستان بود که ساختاری برج مانند قیفی شکل داشت.

مهرکده

دین اصلی آریایی ها قداست بخشی به عناصر طبیعت بود. از جمله ی این ایزدان، میتره (مهر) است که رابطه ای با خورشید داشت، بر چراگاه ها فرمان می راند و سرچشمه ی دادگری و پاسدار پیمان و نگهبان خانه و خانواده بود. مهر پرستان در خاک ماد فراوان بودند.

ملک زاده، هژبری و عطایی در سه نوشتار مستقل، معبد زرتشتی نوشیجان را معبد مهری دانسته اند.

در دوره اشکانی، مهر پرستی از آیین زرتشتی مشتق شد و آیین عرفانی خدای میترا (مهر) ریشه گرفت.

مهرکده محمد آباد برازجان نخستین مهرکده با ساختار آجر و گچ و گل در مرزهای کنونی ایران است. این مهرکده از نظر ساختاری با مهرابه ی سنت کلمنت در روم نزدیکی بسیار دارد. در بسیاری از معابد مهری در انتهای مهرابه لوح مرمری کار گذاشته می شد که در آن کشتن گاو اوژن به دست میترا تصویرپردازی شده بود اما در این مهرکده از این نقش اثری نیست.

بجز مهرکده های زیر در ایران مهرکده دیگری نیست: مهرکده محمد آباد، نیایش گاه هایی چون قدمگاه بادام یار (آذر شهر) و امامزاده معصوم ورجوی (مراغه)

کلیسا

برخلاف آیین مهر که در امپراتوری روم اشاعه یافت، مذهب مسیحیت، توسط حواریون حضرت مسیح در ایران عصر اشکانی ترویج شد. یکی از اینان طاطاؤوس (تادئوس) بود که در محل قره کلیسا

صلیبی بر افراشت و به تبلیغ دین مسیح پرداخت و در همان جا شهید شد. دو قرن بعد در آن مکان کلیسایی احداث شد که به کلیسای طاطاؤوس یا وانک طاطاؤوس معروف شد.

کلیسای دیگری همزمان با قره کلیسا ساخته شد که به آن سنت استپانوس می گویند، دلیل نام گذاری احترام نهادن به سنت استپانوس، اولین شهید دین مسیحیت است. در دوران شاه عباس اول صفوی این کلیسا به عنوان وانک (مدرسه ی آموزش طلاب مسیحی) کاربری داشته است.

کلیسا های ثبت در میراث جهانی:

۱- کلیسای سنت استپانوس

۲- قره کلیسا

۳- کلیسای زور زور

آتشکده

با تشکیل حکومت ساسانی، تک دینی در ایران رواج یافت.

آتش در نزد زرتشتیان عصر ساسانی جلوه ای از تجلیات اهورامزدا دانسته می شد که می بایست هم چون عناصر مقدس دیگر (آب، خاک و هوا) بری از پلشتی باشد. بدین منظور فضاها ی گنبدواری ساخته شد که به آن ها چهارطاقی یا آتشکده می گفتند. این نوع ساختمان برای جلو گیری از برخورد پرتوهای خورشید با آتش مقدس ساخته می شد. ریشه ی تاریخی و پیدایش عنصر مهم ساختمانی را ایرانی و حداقل به دوره ی پارت ها نسبت داده اند که با رویکردی جداگانه نسبت به معماری هخامنشی به وجود آمده و در دوره ی ساسانی به کمال خود دست یافته است.

بُندِ هِش نام کتابی است به پهلوی به معنای آفرینش آغازیان یا آفرینش بنیادین. نام اصلی کتاب احتمالاً زندآگاهی یا آگاهی مبتنی بر زند بوده است.

در ساخت تمامی چهارطاقی ها سه قسمت لحاظ شده است:

۱- بَشن (فضای مکعب شکل)

۲- منطقه ی انتقالی (چپیره)

۳- گنبد

بنابراین می توان چهارطاق ها را نخستین بناها دانست که تفکر معماران را به ضرورت و اهمیت منطقه ی انتقال از بستر هندسی راست گوشه به چپیره شدن (جمع شدن) با پوشش منحنی گنبد جلب نمودند.

گِئون، ورای این مراحل سه گانه، نمادپردازی معماران ایرانی را نیز کشف کرده اند. وی در این زمینه می نویسد:

واضح است این دو بخش بنا (چهار پایه و گنبد)، به ترتیب به زمین و آسمان اشاره دارند و در سنت بنایان، گذر از مربع به قوس، نماینده گذر از زمین به آسمان است. یعنی از راز های کم تر به راز های افزون تر رسیدن.

در میان بسیاری از بناهای موجود مذهبی و غیر مذهبی که در اوایل دوره ی اسلامی تبدیل به مسجد شدند، شماری چهارطاق نیز بوده است. در این نوع چهارطاق ها، دیوار سمت جنوب را مسدود ساخته، محراب هایی در آن ها به وجود می آوردند برای مثال مسجد سنگی داراب.

انواع چهارطاق ها از نظر سازمان فضایی:

- ۱- برخی بدون دهلیز (مانند چهارطاق نیاسر)
- ۲- برخی از چهارطاق ها را دهلیز هایی واقع در چهار جانب احاطه می نمودند و چهارطاق بزرگتر و مفصلتر می شد (مانند آتش کوه نزدیک دلیجان)
- ۳- برخی به دلیل اهمیت، هسته یا کانون یک مجموعه ی ساختمانی شامل بنا های تشریفاتی و مذهبی می شدند (مانند آذر فرنبغ (در روستای کاریان فارس)، برزین مهر (ریوند سبزوار) و آذر گشنسب (در نزدیکی تکاب آذربایجان غربی))

آتشکده ی آذر گشنسب (تخت سلیمان) :

خسرو انوشیروان و خسرو پرویز، آخرین پادشاهان بزرگ و قدرتمند ساسانی با پایان دادن به نا آرامی هایی که مزدکیان به راه انداخته بودند، محوطه تخت سلیمان را به نیایش گاه سلطنتی و کاخ بیلاقی تبدیل کردند. این آتشکده از آن زمان به بعد به مهمترین آتشکده ایران تبدیل شد و شاهان ساسانی پس از بر تخت نشستن و یا به هنگام سختی با پای پیاده به آن جا می رفتند و زر و مال و ملک و بنده نذر آن می کردند. این آتشکده به جنگجویان و پادشاهان اختصاص داشت. به همین دلیل در فارسی میانه آن را آذر گشنسب (لفظا به معنای آتش نره اسب) می گفتند. در دوره ایلخانان شماری از کاخ های تخت سلیمان باز سازی شده و مورد استفاده قرار گرفته است.

مسجد

نخستین مسجدی که به دست پیامبر بزرگوار و با همکاری یاران ایشان در مدینه ساخته شد، همیشه بر گیره و الگوی مسجد های بی شمار و گوناگونی بوده است.

ویژگی های اصلی مسجد پیغمبر:

- ۱- این بنا اساسا فضای بزرگ محصورى داشت که تقریبا خالی بود.
- ۲- دیوار های آن ساده بودند. در امتداد دیواری که رو به قبله بود بخشی به نام سایه بان وجود داشت که عبارت بود از دو ردیف تنه درخت نخل که روی آن ها برگ های درخت نخل را با گل چسبانده بودند. بعد از تغییر قبله سایه بان را خراب کردند و مجددا آن را در جهت قبله ی جدید در سمت جنوب بنا نهادند.
- ۳- در مقابل سایه بان منطقه ی پوشیده دیگری بود که عمقش نصف سایه بان و طولش قدری کم تر از نصف آن بود. این منطقه مورد استفاده مستمندانی قرار می گرفت که پیرو پیامبر بودند.
- ۴- در شرق بنا اتاق هایی مخصوص همسران پیامبر قرار داشت.

محراب (رکن اصلی مسجد)

محراب، تو رفتگی کمائی عمیق در دیوار ضلع جنوبی است که ابتداءً هدف از ساخت آن زنده نگهداشتن خاطره مکانی بود که حضرت محمد (ص) شخصا به امامت نماز می پرداختند. دیگر کارکرد محراب جهت دهی به صفوف نمازگزاران به سمت قبله.

منبر (رکن اصلی مسجد)

کاربرد منبر صرفاً به مساجد جامع محدود می شد.

منشا منبر:

- ۱- برخی آن را به راحتی دیده شدن خطیب، در ارتباط می بینند.
- ۲- برخی منبر را یاد بودی از صندلی بلندی که حضرت محمد (ص) از روی آن برای پیروانش نطق ایراد می کردند.
- ۳- برخی بر این عقیده اند که منبر در دوران های اولیه اسلام به مانند نوعی تخت مورد استفاده قرار می گرفت که حکام می توانستند از روی آن برای هواداران خود به ایراد نطق بپردازند و یا با دیگران بیعت کنند.

مقصوره (محفوظه)

حصاری جداگانه و معمولاً مربع شکل که درون مسجد و نزدیک محراب ایجاد می شد. این دیوار برای مجزا کردن شخصی که در مقصوره است از دیگر نمازگزاران کفایت می کند. این کارکرد با شیوه بیزانسیان که امپراتورها در محفظه سلطنتی به نام **کاتیس** ما اسکان می دادند تا بر درجه والای او تاکید نمایند شباهت داشت.

مقصوره برای حفاظت از جان حاکم (خلیفه) در برابر حملات کینه توزانه، در مساجد باب شد. مقصوره فقط در مساجد اعظم ایجاد شده است.

نام سه تن در زمینه مقصوره سازی مطرح است:

عثمان (خلیفه سوم)، مروان بن حکم والی مدینه، معاویه (اولین خلیفه معاویه)

مناره

مناره، برج مجاور مسجد است که از فرازش مؤذن برای فراخوان مردم به نماز، اذان می گوید. این واژه در عربی به معنای جای نور است. تا زمان امویان فراخوان مردم به نماز از جایی عمومی یا از فراز مکانی بلند، غالباً از آستانه در مسجد یا از بام آن، سازه ی مجاور بلندی یا از فراز باروی شهر صورت می گرفت. از دوره سلجوقی تقارن در مناره ها در نظر گرفته شد. قدیمی ترین مسجد که تاکنون در خاک ایران می شناسیم مسجد شوش است.

مسجد جامع فهرج قدیمی ترین مسجد بعد از مسجد شوش که شکل اصیل و اولیه خود را نگه داشته است. نقشه مسجد از نوع مساجد عربی است: بنایی شامل تاقدگان هایی گرد بر گرد صحن مسجد [سه

دهانه شبستان، چهار دهانه ایوان و چهار صفه. فضای مُسَقَّی که شامل پنج راهرو است رو به قبله قرار گرفته است.

مسجد فهرج به رای پیرنیا، بنا کم تر از نیم سده پس از مسجد پیامبر احداث شده است.

مساجدی که به چهار قرن ابتدایی اسلام تعلق دارند:

بجز دو مسجد نام برده، مساجد جامع سیراف (بندر طاهری امروزی)، نائین و تاری خانه

مسجد سیراف (قرن ۳ ه ق/ ۹ م)، از نظر کاوش های باستان شناختی دارای دو مقطع زمانی است که در هر دو مرحله طرح اصلی مسجد عربی را عرضه می کند. این تهرنگ شباهت بسیاری به تهرنگ (پلان) شوش دارد. تنها تفاوت عمده آنها را می توان وجود مناره در شرق ورودی سیراف در نظر گرفت.

مسجد نائین (قرن ۴ ه ق)، دارای طرح شبستانی است اما آن چیزی که به این بنا تشخیص ویژه ای می بخشد گچ بری های آن است.

تاری خانه دامغان (قرن ۲ ه ق)، نقشه مسجد با شبستان ستون دار و رواقی پیرامون حیاط مرکزی است. ستون های ضخیم، طاق های گهواره ای، پاکار پیش آمده و ابعاد بزرگ آجر های آن از ویژگی های معماری ساسانی است.

مهمترین ابداع معمارانه در نقشه مساجد در دوره ی سلجوقی صورت پذیرفت. مسجد شبستانی (عربی) در اوایل دوره ی اسلامی به مسجدی مبدل گشت که طاقگان هایش پیرامون صحن با چهار ایوان بلند قطع شد. بدین ترتیب نقشه ی چهار ایوانی که ریشه در دوره اشکانی داشت خلق شد.

برپایه استدلال ماکس فان برخم، تهرنگ چهار ایوانی ریشه در خانه های خصوصی شمال شرق ایران داشت که در عصر سلجوقی پلان معیار (استاندارد) مدارس شد و به دلیل مناسب، راحت و عمومی بودن آن، برای مساجد اقتباس گردید.

تحول بعدی در مساجد عصر سلجوقی، ایجاد اتاق گنبد دار عظیم بود که محراب را محصور می کرد.

استقرار گنبد به کمک سیکنج بر ساختمان ۴ گوش بنا در ادامه ی سنت دیرینه معماری ایران پیش از اسلام صورت گرفته است. گنبد نظام الملک، سبکی نو در ساختمان مساجد پدید آورد و سرمشق مساجد دیگر گشت. اولین بنایی که به تقلید از آن ساخته شد، گنبد تاج الملک یا گنبد خاکی مسجد اصفهان است. سومین تغییر اساسی که در مسجد جامع اصفهان صورت گرفت، احداث چهار ایوان در چهار جانب صحن مرکزی بود. به این ترتیب فضای کالبدی مسجد از نوع شبستانی به گنبد دار چهار ایوانی مبدل گردید.

مسجد چهار ایوانی بعد ها نوع غالب مسجد در دنیای شرق اسلام شد.

مسجد جامع ورامین

توسط خاندانی محلی در زمان ابو سعید آخرین ایلخان مغول ساخته شد. مسجد، مستطیل بزرگی شامل صحن مرکزی مستطیل شکل است که در مرکز هر ضلع آن چهار ایوان واقع است. فرق این مسجد با نمونه های دوره ی سلجوقی در تناسبات ضعیف، صحن کوچک و کاربرد فراوان و معمولی موزائیک سفالی آن است.

مسجد جامع گوهرشاد

بانی مسجد گوهرشاد آغا، زن میرزا شاهرخ پسر امیر تیمور گورکانی است و معمار آن ثوام الدین شیرازی است.

دو نوآوری مسجد گوهرشاد:

- ۱- مناره هایی که نه از بالای ایوان بلکه از روی زمین بر می خیزد
- ۲- گنبدی که نه بر روی گنبدخانه ی چهار گوش بلکه روی ایوانی مستطیل شکل احداث شده است.

همه سطوح بیرونی و نمایان بنا با کاشی مُعَرَّق پوشش یافته است.

مُعَرَّق، تکه های کوچک از کاشی، در رنگ ها و شکل های مختلف که آن ها را با نظم و آرایشی مطابق طرح و نقش در کنار هم می چینند و برای پوشاندن سطوح معماری به کار می برند. ویژگی دیگر این مسجد، کتیبه ای است به خط ثلث از بایسنقر میرزا فرزند گوهرشاد آغا و شاهرخ.

مسجد امام (شاه) اصفهان

گنبد مسجد از نوع گنبد های دو پوسته ی پیازی است.

با آن که تهرانگ (پلان) این مسجد از نوع چهار ایوانی است و اسلوب معماری آن اساساً دنباله روی نمونه های گذشته است.

از جمله ابداعاتی که در این بنا صورت گرفته:

- ۱- ایوان جلوی گنبدخانه، یکی از زیبا ترین ایوان های ایران است. آرایه های آن بی همتاست. البته از نظر بلندا، سر در مسجد جامع یزد از آن بلندتر است.
- ۲- الحاق دو مدرسه ناصری و سلیمانیه
- ۳- هماهنگی میان ورودی مسجد با بَر میدان نقش جهان، در حالی که بخش داخلی آن برای تصحیح جهت قبله ۴۵ درجه به سمت جنوب غربی می گردد.

کاشی های هفت رنگ از لحاظ دوام نسبت به کاشی معرق عمر کوتاه تری دارند. ابداع و کاربرد این نوع کاشی از مختصات سبک معماری و شهرسازی اصفهانی است. معمار بنا استاد علی اکبر اصفهانی می باشد.

بنا به نظر پیرنیا، سبک اصفهانی که در دوره ی صفوی شاهد رشد و بالندگی آن بودیم تا اواخر دوره محمد شاه قاجار ادامه پیدا کرد و پس رفت کامل آن از این زمان به بعد آغاز می گردد.

مسجد امام (شاه) تهران

این مسجد که با نام های مسجد شاه، جامع جدید و جامع سلطانی نیز معروف است درحاشیه ی شمالی بازار تهران واقع است. به دلیل قرار داشتن در بافت متراکم تجاری بازار تهران، پر رفت و آمد ترین مسجد ایران است.

بانی مسجد فتحعلی شاه قاجار بوده و در دوره ی سلطنت ناصرالدین شاه تغییراتی در آن ایجاد شده است.

این مسجد نقشه چهار ایوانی دارد که دو ایوان شمالی و جنوبی آن از ایوان های غربی و شرقی بزرگتر است. ساختمان مساجد برای هماهنگی با جهت قبله با انحراف ۳۰ درجه نسبت به جنوب، به سمت مغرب بنا شده است.

نکته جالب وجود حجره هایی در زوایای طبقه ی دوم پشت گوشواره ی گنبدخانه است که به هنگام مراسم خاص، ویژه ی زنان قاجار بوده است که در نوع خود در میان مساجد ایران کم نظیر است.

بیشتر سطوح مسجد را کاشی کاری خشتی هفت رنگ پوشانده، اما کاشی کاری مُعَلّی (ترکیب آجر و کاشی) و معرق نیز در بخش هایی از مسجد به کار رفته است. گونه دیگر کاشی منحصر به فرد کار شده در این بنا کاشی شش ضلعی نقش برجسته ی نمای ورودی شرقی است.

این مسجد در اواسط سلطنت فتحعلی شاه بست و پناهگاه بود، اما در دوره ی ناصرالدین شاه بست نشستن در آن لغو شد.

از رویدادهای دیگر در این مسجد می توان به ترور علی رزم آرا، نخست وزیر وقت در سال ۱۳۲۹ شمسی و ترور نافر جام حسین علاء نخست وزیر وقت در سال ۱۳۴۴ شمسی در این مسجد یاد کرد.

مسجد کبود تبریز به دلیل اقلیم سرد آن منطقه، فاقد میان سراسر است و با گنبد بزرگ مرکزی و گنبد های کوچک روی دهلیز ها و فضای آرامگاه پوشش یافته است.

عناصر آمودی (آرایه ای یا پوششی) که در مساجد به کار رفته است، با مقتضیات زمانی، ابداعات و فناوری های هر عصر دمسازی کاملی دارد. مثلاً

مساجد عهد سلجوقی با آجر و گچ آرایش می یافتند و مقرنس کاری از خصوصیات معمولی معماری سلجوقی بود. اما در ادوار بعد مقرنس – این عنصر کارکردی و تزئینی – به کمال خود رسید.

در عصر ایلخانان گچ بری غنی و ظریف با هنرمندی خوشنویسی چون حیدر گنده نویس به منظور ایجاد محراب اولجایتوبه کار رفت.

اما در عصر صفویه کاشی هفت رنگ عنصر اصلی آرایش بناها محسوب می شد.

فصل سوم / در جستجوی جاودانگی

- * معماری دست کند (Troglo-dytic) را می‌توان به نوعی تولید فضا از طریق ایجاد فضای منفی در بستر کوه و سنگ دانست. معماری دست کند (معماری کاست)، گونه‌ای از معماری را شامل می‌شود که در آن‌ها واحدهای فضایی به جای شکل‌گیری براساس انباشت مصالح، از طریق حذف «اجزای موجود» از یک «کل موجود» شکل می‌گیرد.
- * یک نمونه از معماری دست کند - معماری کاست - آرامگاه داریوش هخامنشی
- * یکی از کهن‌ترین آرامگاه‌های ایران قبل از اسلام، آرامگاه ؟؟؟ آهار در هفت تپه‌ی خوزستان می‌باشد.
- * هفت تپه شاید مرکزی دینی بوده باشد.
- * آئین مرده سوزان، مراسم خاص خانواده سلطنتی در عیلام (ایلام) بود.
- * در آئین زرتشت جسد، جایگاه دیوان است و به خاک سپردن آن جایز نیست، ما را زمین که عنصر مقدسی است آلوده شود و باعث شد که استخوان‌های افراد معمولی درون حفره‌های طبیعی یا مصنوعی کوه قرار بگیرند که به آن «استودان» (استخوان دان) می‌گفتند و استخوان‌های پادشاهان بزرگان قوم ماد - یکی از قبایل آریایی - درون اتاق‌های دست کند آرام بگیرند که آن‌ها را گوردخمه می‌نامند. بعضی از این گوردخمه‌ها فاقد هرگونه تزئین هستند اما چند نمونه از آن‌ها، نقوش برجسته آرایش یافته‌اند از جمله دخمه‌ی قیزقاپان (سلیمانیه‌ی عراق) - سکاوند (هرسین کرمانشاه) و دکان داوود (سر پل ذهاب کرمانشاه).
- * اما گوردخمه‌ی فخریکا در نزدیکی شهر مهاباد به دلیل ویژگی‌های معماری شایسته‌ی توصیف بیشتر است.
- این گوردخمه که در ارتفاع ۶ متری از سطح زمین و در سینه‌ی کوه تراشیده شده مشتمل است بر دو فضای ایوان و اتاق تدفین
- * نکته‌نهایی در ارتباط با گوردخمه‌ها این است که بعضی از پژوهندگان مانند گیرشمن، آن‌ها را به عنوان یادگاری‌های هنری مادها معرفی می‌کند. اما بعضی مانند کخ و فون تال، آن‌ها را متأثر از آرامگاه داریوش می‌دانند.
- * بنیان گذار امپراطور هخامنش - کوروش - پایتخت او - پاسارگاد و پاسارگاد از ترکیب سنگ‌های خوش تراش که به وسیله بست‌های فلزی دم چلچله‌ای به یکدیگر متصل شده‌اند، ایجاد شده است. بخش ؟؟؟ پلکانی و اتاقکی با سقف خربشته تشکیل شده که روی هم رفته ۱ متر ارتفاع دارد.
- * بعضی‌ها زیگورات‌های ایلامی و مشخصاً چغازنبیل را منشأ معماری آرامگاه می‌دانند.
- * آرامگاه کوروش از نظر معماری شباهت بسیاری به آرامگاه‌های سنگی لیدیا و آناتولی دارد.
- * این آرامگاه کوروش در دوره‌ی اسلامی نیز قداست خود را حفظ نمود و آن را «مشهد مادر سلیمان» نامیدند.
- * مشابه آرامگاه کوروش چه از لحاظ ساختار و چه از نظر مصالح و شیوه‌های تکنیکی به کار رفته، آرامگاهی در برازجان بوشهر قرار دارد که نام عامیانه آن گوردخمه است. و شاپور شهبازی حقیر آن را آرامگاه کوروش کوچک/ جوان می‌دانست.
- * گفتنی است که پادشاهان پس از کوروش، هیچ یک آرامگاه وی را مورد الگوبرداری قرار ندادند آرامگاه آن‌ها، به شکل فضاهای دست کند ایجاد شد و شباهت فراوانی بین آن‌ها وجود دارد.

خلاصه کتاب معماری ایران و جهان

* ۶ کیلومتری شمال تخت جمشید ← نقش رستم وجود دارد. به سینه کوه و درست مقابل کعبه‌ی زرتشت آرامگاه داریوش و سه تن از دیگر پادشاهان هخامنشی قرار دارد. نمای خارجی آرامگاه داریوش، صلیب گونه و به ارتفاع ۲۳ متر است. در میان نمای خارجی دری است که به درون آرامگاه را می‌برد. در دو سمت این در، چهار نیم شدن با سرستون‌های گاوهای پشت به هم دیده می‌شوند. قصد داریوش، تکرار نمای ایران کاخش بوده است. و از تکرار منظر اصلی کاخ در آرامگاه، می‌خواهد از تلفیق قدرت، صولت خاندانش حتی در خانه‌ی خاک نیز چیزی نکاهد. پشت در راهروی است دارای ۳ اتاق که یکی از آن‌ها درست رو به روی در ورودی و دو اتاق دیگر در سمت چپ قرار دارد. و در هر یک از اتاق‌ها، ۳ تابوت پشت سرهم در صخره کنده شده است.

در تیغه‌ی بالای (چلیپا) صلیب، داریوش اول به حالت ایستاده به تخت به نقش درآمده است، این تخت بر درش نمایندگان ۳۰ ایالت قرار دارند. در برابر شاه، آتشدان مشتعل و بر فراز سر او نماد فروهر حجاری شده است. علاوه بر داریوش اول، خشایار شاه، اردشیر اول و داریوش دوم در نقش رستم قرار دارد. اردشیر دوم و سوم در گورهای خود در شرق تخت جمشید خفته اند. اما داستان مرگ داریوش سوم کمی تراژدیک است، زیرا وی پس از حمله اسکندر، به دست یک ایرانی خائن -بسوس- به قتل رسید.

* از زمان اشکانیان به دلیل سنت‌های گونه‌گون تدفین «تدفین‌هایی چون گوردخمه، گور معبد، گورزاغه» به دست آمده است. ضمن آن که تابوت‌های سفالین به شکل کفش و وان محوم هم در این دوره رایج بود.

* در نیسا «نخستین پایتخت اشکانیان» آرامگاه مجلل آجری وجود داشته که احتمال می‌رود متعلق به یک اشراف زاده می‌باشد.

* در معماری یونان، سرستون‌های ویژه‌ای وجود داشت که یک نوع آن، سرستون ایونیک^۱ است.

* در دوره اشکانیان در امور دینی، اجازه‌ی شکوفایی به بسیاری از مذاهب داده بودند. نتیجه‌ی این شکوفایی ظهور آرامگاه‌ها با اشکال و ابعاد در تزئینات گونه‌گون بود.

* برخلاف اشکانیان، ساسانیان با اعمال فشار، تک دینی را در ایران ترویج نمودند. مذهب زرتشتی که بر پایه‌ی اصول قواعد آن، دفن جسد در داخل خاک گناه محسوب می‌شود و رها کردن مردگان در دخمه‌های بزرگ توصیه و اجرا می‌شد. پادشاهان ساسانی علی رغم زندگی پرشکوه، هیچ آرامگاهی از خود به جا نگذاشتند.

* سنت حضرت محمد که سفارش او بر این بوده است که قبرها باید هم سطح زمین و بدون سقف باشند و خودش نیز چنان خواسته بود و به روش ساده‌ای در خاندانش به خاک سپرده شد.

* قبور یاران پیامبر با دیرک، سایبان و خیمه به منظور ایجاد سایه به سر قبور متمایز گردیدند.

چنین سایه بان‌هایی از پارچه روی قبور، با استناد به قرآن کریم که سایه بان‌های بهشتی را از نعمت‌های اخروی بر می‌شمارد، توجیه شد.

* یورت، نوعی چادر مدور و گنبدی و قابل حمل است که مورد استفاده‌ی مغول‌های چادرنشین آسیای مرکزی قرار می‌گرفت. (پاورقی)

خلاصه کتاب معماری ایران و جهان

- * (پلان یا تهران) آرامگاه امرای سامانی در بخارا، یادآور آتشکده‌های (چهارطاق‌های) ایرانی است. گنبد عالی (علی) که در پرتگاهی بیرون از ابرقو ساخته شده است به شکلی جالب، نوعی دخمه‌ی زرتشتیان (برج خاموشی) را به یاد می‌آورد.
- * مجموعه واژگانی که برای نامیدن انواع مقاله در نوشته‌ها و کتیبه‌ها به کار رفته است، عبارتند از: روفه (بوستان)، قبه (گنبد)، مشهد (محل شهادت)، مرقد آستانه تا قبه، خوابگاه، قدمگاه، امام زاده، و قصر اشاره نمود.
- * در طول تاریخ، فقط دو نوع اساسی معماری آرامگاهی در ایران وجود دارد، این‌ها عبارتند از: ۱- مقبره برجی شکل و ۲- قبر چهارگوش گنبددار، البته به تدریج از نوع مربع شکل گنبدپوش، انواع متعدد دیگری از مقابر پدید آمد، از جمله سازه‌های چند ضلعی، چند پر (ستاره‌ای)، یال دار، مستدیه (دایره‌ای) ولی مهم‌ترینشان هشت ضلعی گنبد پوش بود.
- * آرامگاه امیران سامانی: ماوراءالنهر (ورارود) یک دوره‌ی کامل آرامگاه‌هایی از گونه‌ی چهار گوش گنبدی بود.
- * آرامگاه‌های چهار گوش گنبدی دیگری در حوزه فرهنگ ایرانی ساخته شدند که از مهم‌ترین آن‌ها عبارتند از: مقبره‌ی عرب آتا در تیم سمرقند، مقبره‌ی دوازده امام یزد، آرامگاه سلطان سنجر در مرو
- * برج گنبد کاووس (گنبد قابوس) به دستور کاووس (قابوس) حاکم زیادی در حاشیه‌ی شهر تاریخی جورجان احداث گردید. برج از درون، بر قاعده‌ای دایره‌ای به قطر ۹/۵ متر از بیرون، با ده ترک یا پره مثلثی شکل (پشت بند) از کف زمین تا زیر قاعده‌ی مخروط رأس برج امتداد یافته است.
- این پره‌ها علاوه بر ابعاد زیبایی، از حجم ساده و بی قواره ساقه کاسته و موجب استحکام بنا شده است.
- بر خلاف اکثر برج‌ها و گنبد‌های آرامگاهی، یک پوش است و بدون هیچ واسطه‌ای بر روی بدنه برج قرار گرفته و دارای شیب تند و سطح صاف و صیقلی است که این موارد باعث ماندگاری گنبد می‌شود. شاید بتوان تنها، تزئین این بنا را دو رشته کتیبه کوفی آن دانست که یکی روی سردر و دیگری زیر پاکار گنبد ایجاد گردیده است.
- همانطور که ملاحظه می‌کنید در کتیبه دو تاریخ درج شده است: ۳۹۸ هـ و ۳۷۵ یزدگردی^۲. درج تاریخ ایرانی در کنار کتیبه عبری ما از نکات جالب توجه این برج و حاکی از تمایلات ایرانی دوستی سازنده‌ی آن است.
- نکته‌ی دیگر آن که، بالای درگاه ورودی گنبد، نقش یا داغ گنه‌ای طرح پتکانه دیده می‌شود که می‌توان آن را کهن‌ترین پتکانه دانست.
- * پتکانه: نوعی اجرای پوشش در گوشه‌سازی به شکل چند سری طاقچه که روی هم سوار شده و جلو آمده است.
- * گنبد کاووس یا قابوس را می‌توان میل راهنماگر دانست که نشان شهر هم بوده و هم می‌توان آن را گور قابوس بنیادکننده‌ی آن در نظر گرفت. ولی تاکنون هیچ قبوری از درون بنا کشف نشده است. و به دلیل ارتفاع ۵۵ متری نه تنها در فلات ایران بلکه در آسیای مرکزی و سرزمین آناتول در شکل برج گونش بی نظیر است.
- * برج‌های طغرل (ری) و مهمان دوست (دامغان)، هر دو متعلق به دوره‌ی سلجوقی و برج تاشانه (بسطام) از دوره‌ی ایلخانی.
- * برج‌های پیرعلمدار (دامغان)، رادکان غربی (کردکوی)، رسکت (دودانگه‌ی ساری) و لاجیم (زیران مازندران) را در شمار با اهمیت‌ترین برج‌های استوانه‌ای مطرح نمود.
- * لاجیم (زیرآب مازندران) و رسکت (دودانگه‌ی ساری)، هر دو مدفن شهر یاران باوندی مازندران هست. در سطح خارجی هر دوی آن‌ها دو رشته‌ی کتیبه به خط کوفی و پهلوی ایجاد شده است.
- * نکته‌ی نهایی این که پروفیسور هیلن براند ساخت برج لاجیم را به منظور یادبود بانوی مجله‌ای از تبار آل باوند دانسته است اما براساس کتیبه‌ی کوفی بنا، شخصی که در این بنا مدفون است ابوالفوارس شهریار بن العباس بن شهریار است که نمی‌تواند بانو باشد.
- * یکی از متداول‌ترین پلان (تهران) که در ساخت آرامگاه‌ها به کار رفته، پلان چند ضلعی است.

خلاصه کتاب معماری ایران و جهان

برج‌های گنبد جبلیه ← پیش از سلجوقی

دوگانه‌ی خرقان قزوین و شبلی (دماوند) هر سه متعلق به دوره سلجوقی و گنبد سلطانیه (دوره ایلخانی)

* ایلخانان نخستین، از رسوم تدفینی مغولانی پیروی می‌کردند و مقبره‌ی خود را پنهان می‌ساختند و غازان مان به پیروی از آداب مسلمانان ایران، دستور ساخت بناهای وقفی و عام‌المحدود را پیرامون مقبره‌ی «دافع» خود صادر کرد.

* مجتمع‌های عصر ایلخانی را می‌توان به دو دسته‌ی کلی تقسیم کرد: الف) مجتمع‌هایی که پیرامون مقبره‌ی یکی از شخصیت‌های سیاسی شکل گرفته‌اند مانند شب غازان، دفع رشیدی و گنبد سلطانیه.

ب) مجتمع‌های ساختمانی که حول محدوده قبری از بزرگان عرفان و این طرح ریزی شده‌اند هم چون پیر بکران (در ۲۵ کیلومتری جنوب غربی اصفهان)، بقعه‌ی عبدالصمد اصفهانی در نطنز و مجموعه‌ی آرامگاهی بایزید بسطامی در بسطام شاهرود.

* از شب غازان می‌توان دریافت که خود بقعه، یک بنای دوازده وجهی بوده که پیرامون آن بناهایی چون مسافرخانه، دارالشفا، کتابخانه، رصدخانه، مدرسه حکمت، چشمه، کوشک و دو مدرسه برای طلاب شافعی و حنفی مذهب ایجاد شده بود.

* پیربکران مقبره‌ای است شامل ورودی، دالان، هشتی، ایوان، اتاق آرامگاه و اتاق پیر که طی چند دوره‌ی ساختمانی شکل گرفته است. کاربرد اولیه بنا، مکانی برای تدریس محمدبن بکران بوده که پس از درگذشت ایشان، در همان جا به خاک سپرده شده است.

* بقعه‌ی عبدالصمد و بناهای الحاقی آن از ساخته‌های زین الدین ماستری، وزیر ایلخانان است.

عبدالصمد اصفهانی در دوره ایلخانی، رهبر طریقت سهروردیه بود.

* داخل بقعه با کاشی‌های زرین قام پوشش یافته که به یغما رفته و زینت بخش بسیاری از موزه‌های جهان است.

* در بسطام از توابع شاهرود، مجتمع آرامگاهی دیگری وجود دارد که شاید آیین تمام نمای آثار معماری دوره‌ی ایلخانی باشد. ظاهراً بایزید مسلمان از محله‌ی «موبدان» تبعید در محله‌ی وافدان ساکن گردید. پس از مرگ بایزید، مجموعه بناهایی در این محله بنا گردید که از گذشته‌های دور تا هم اینک، مورد توجه اهل عرفان و اهل ایمان است.

* شیوه‌ی برج گنبد کاووس، برج‌های دیگری هم هست که در ادوار بعدی احداث شدند که یکی از آن‌ها برج کاشانه است.

* سلطانیه همانند مجتمع‌های پیش گفته، مجموعه‌ای از بناهای گونه‌گون چون مقبره، مدرسه، مسجد، مسافرخانه، دارالشفا (بیمارستان)، مهمان‌خانه و بناهای دیگر بود.

* ارغون خان، چهارمین ایلخان مغول، پس از تکیه زدن بر سریر قدرت، تصمیم گرفت در دشت حاصل خیز سلطانیه شهری نو بنا کند. غازان خان، پسر و جانشین ارغون، بیش‌تر به تبریز گرایش داشت تا سلطانیه. با به حکومت رسیدن الجایتو، ساختار شهر سلطانیه از سر گرفته شد. و هم چون سایر شهرهای ایران یک باروی؟؟؟ و یک ارگ درونی داشت. ارگ درونی آن را یک خندق، شانزده برج مستقل و یک پل کشویی و پهن که برای عبور پهلوی به پهلوی چهار اسب مناسب بود حفاظت گردید.

بزرگترین بنای داخل ارگ مجموعه‌ی بقعه‌ی سلطان محمد خداپنده (اولجایتو) بود.

* پروفیسور سن پائولزی رئیس وقت دانشکده‌ی معماری فلورانس، ساختمان گنبدی کلیسای «سانتامار یا دلفیوره» در شهر فلورنس ایتالیا را برگرفته از گنبد سلطانیه می‌داند.

* گنبد سلطانیه به گونه‌ای خاص و ابتکاری با طراحی جناغی بنا شده است.

* سلطان اولجایتو برای مدت کوتاهی به عنوان «حافظ اماکن مقدسه‌ی عربستان» خوانده می‌شد. بدیهی است کسب چنین مقامی با تمایلات شیعه گرایانه وی در تضاد قرار می‌گرفت که چاره‌ی کار، کم رنگ کردن نمودهای خارجی این مذهب است.

خلاصه کتاب معماری ایران و جهان

گفته می‌شد که هدف از این کار و ساخت این بناهای معظم، انتقال اجساد مطهر امامان: علی و حسین (ع) به این گنبدخانه بوده تا از این طریق اولجایتو، برای خود و حکومتش مشروعیت کسب کند.

وی معتقد است هدف انتقال پیکرهای مبارک، نه کسب مشروعیت بلکه ایجاد زیارتگاهی برای شیعیان در شهر خود و افزایش رونق درآمد بود. اولجایتو را باید اولین حاکمی معرفی کرد که نزدیک به هفت قرن پیش، «اصل برخورداری از مزایای رقابتی» یکی از اصول بازاریابی گردشگری- را به خوبی دریافته بود. هر چند وی- در سال‌های پایانی عمر به مذهب اهل سنت بازگشت. بدین ترتیب نه مشروعیتی برای خودش باقی ماند و نه مزیتی برای پایتختش.

* با روی کار آمدن تیموریان، مراکز سیاسی و فرهنگی در شرق ایران متمرکز شده اند، جایگاه سلطانی و تبریز به شدت کم‌رنگ شد و شهرهایی چون سمرقند و بخارا، هرات و مشهد به شکوفایی بیش از پیش رسیدند.

مجمع‌های آرامگاهی گورامیر و شاه زنده دار در سمرقند و آرامگاه امام رضا در مشهد از این جمله اند.

* شهر مشهد از معدود شهرهای ایران است که کاخ پادشاهان در شکل گیری آن هیچ گونه دخالتی نداشته است بنابراین می‌توان این شهر را به عنوان شهر شاهد در مقابل شهر قدرت معرفی نمود.

در آستان قدس رضوی، ساختمان‌هایی از شیوه‌های گوناگون یافت می‌شود. بخش بزرگی از آن از شیوه‌های آذری [ایلخانی و تیموری] و اصفهانی [صفوی و قاجار] است. مهم‌ترین ساختمان‌های این مجموعه عبارتند از: حرم مطهر که زیر گنبد طلا جا دارد. صحن عتیق- صحن نو- مسجد گوهرشاد، مدارس پریزاد، بالاسر و دودر، گنجینه و کتابخانه، آرامگاه شیخ بهایی، دارالحفاظ، دارالسیاده، توحید خانه، مسجد بالاسر، گنبد الله وردی خان، گنبد حاتم خانی، دارالضیافه و دارالسلام، دالسرور، مدرسه‌ی میرزا جعفر، مدرسه‌ی مستشار و سقاخانه‌ی طلایی

* پیکر امام رضا پس از شهادت در سال ۲۰۳ هـ ق در کنار قبر هارون الرشید در خانه‌ی حمید بن قحطبه در روستای سناباد از توابع طوس به خاک سپرده شد. در دوره‌ی آل بویه (دیلیمان) که تمایلات شیعی داشتند قبه به تزئینات چندی آراسته شد و احتمالاً مورد زیارت مردم قرار گرفت. در دوره‌ی غزنویان، سبکتکین یک بار دیگر دستور به ویرانی آرامگاه داد و زیارت آن را ممنوع کرد اما محمود پسر - سلطان محمود، آرامگاه را بازسازی نمود. آرامگاه با حمله‌ی چنگیزیان به سختی آسیب دید اما خوش بختانه کاملاً ویران نشد. در دوره‌ی ایلخانان به ویژه اولجایتو در یک دوره از زندگی اش به مذهب تشیع گرایش یافت، گنبد حرم احداث شد. اما بیشترین ساختارها در زمان شاهرخ میرزا و همسرش گوهرشاد آغا در اطراف حرم انجام شد. از جمله بناهایی چون مسجد گوهرشاد مدارس پریزاد، بالاسر، دودر با دو رواق دارالحفاظ و دارالسیاده.

* در زمان سلطان حسین بایقرا و به اهتمام وزیر باکفایت این عصر، یعنی امیرعلی شیر نوایی، محسن عتیق بنا گردید.

البته تکمیل و توسعه این بخش به زمان شاه عباس اول صفوی باز می‌گردد.

زمان ناصرالدین شاه به پایان رسید و ایوان آن طلاکاری شد (نقشه‌ی ۳-۹). تعمیر، توسعه و تزئین این مجموعه‌ی مقدس در دوران پس از قاجار تا همین امروز استمرار داشته است مثلاً پیش از انقلاب اسلامی، ساختمان بزرگ موزه، کتاب خانه و ساختمان‌های اداری ایجاد گردید و خیابان‌های اطراف حرم توسعه یافت. پس از پیروزی انقلاب هم ساختمان‌هایی به مجموعه اضافه شد که از مهم‌ترین آن‌ها، بست طبرسی و ساختمان دانشگاه علوم اسلامی است. در اصل بحث از قول استاد پیرنیا نوشتیم که اغلب بناهای این مجموعه در چارچوب دو سبک آذری و اصفهانی ایجاد و آرایش یافته اند. در این جا به چند نمونه از عناصر آمودی (آرایه ای) که در بناها به کار رفته اشاره می‌نماییم.

خلاصه کتاب معماری ایران و جهان

ازاره‌های حرم تا ارتفاع ۲۰ سانتی متر با سنگ مرمر و بالای آن تا ارتفاع ۲ متری با کاشی‌های نفیس سلجوقی پوشیده شده است. در سطح داخلی حرم، قصیده‌ای به خط نستعلیق از دبیرالملک فراهانی، خوش نویس عصر قاجار وجود دارد. ضمن آن که زیر طاق گنبد حرم سوره‌ی مبارکه جمعه به خط ثلث توسط علی رضا عباسی نگاشته شده است. نمای سطح داخلی گنبد با آئینه کاری به شیوه مقرنس پوشش یافته است. نیک می‌دانیم که آئینه کاری از ویژگی‌های تزئینی سبک اصفهانی است.

از سبک آذری در این مجموعه نیز عناصری قابل مشاهده است که بهترین آن‌ها کاشی کاری معرق است. بخش‌های فراوانی از این مجموعه با هنرمندی، با این عنصر پوشش یافته است. از جمله ایوان شمالی یا ایوان شاه عباسی و البته مسجد گوهرشاد که به دلیل کاشی کاری معرق و کتیبه نگاری شاهکاری است در قالب سبک آذری.

نکته آخر این که روستای سناباد در نزدیکی نوغان از توابع طوس، به واسطه‌ی این پیکر مطهر، از یک ده کوچک به کلان شهری در جهان اسلام تبدیل شد. از این گونه شهرها در ایران و جهان اسلام فراوان است. حرم حضرت معصومه (ع) در قم و آرامگاه احمد فرجام (شیخ زنده پیل) در تربت جام را می‌توان مصادیق خوبی از این توسعه و تحول در ایران به شمار آورد.

فصل چهارم / حال در خانقاه و قال در مدرسه

در عصر مس سنگی، جوامع از شکل ساده و بسیط خود به جوامع طبقاتی، چند لایه و پیچیده مبدل می گردند.

اساسی ترین عوامل کیفی انقلاب شهر نشینی:

- ۱- اختراع و استفاده از نگارش
- ۲- توسعه و پیشرفت علوم
- ۳- ایجاد تخصص ها در فناوری

کهن ترین مراکز آموزشی که می توان نام مدرسه به آن اطلاق نمود، از شوش بدست آمده است. در جندی شاپور توجه به علوم پزشکی بیشتر از ریاضیات و فلسفه بود. بیت الحکمه تقلیدی از بیمارستان جندی شاپور است.

وجه تسمیه ی مدرسه ی ایرانیان در رها:

- ۱- یا بیشتر فارغ التحصیلان آن به خدمت کلیساهای ایرانی در می آمدند
- ۲- یا اغلب شاگردان ایرانی بودند

به دلیل نبود هیچ نهاد آموزشی در عربستان پیامبر حلقه های درس را در شبستان مسجد النبی تشکیل می داد.

موضوعات اصلی که در مساجد مورد مطالعه قرار می گرفت؛ قرآن و حدیث بود که بعدها زبان عربی نیز به آن افزوده شد.

از مراکز دیگری به منظور آموزش علوم و معارف استفاده شد از جمله:

کاخ ها و سرای دولت مردان

آموزگاران امر تعلیم و تعلم به شاهزادگان و فرزندان خلفا را بر عهده داشتند، برای نمونه خاندان برامکه

خانه های دانش وران

کتاب فروشی ها و وراقی ها

طالبان علم در این نقاط می توانستند استادان و نویسندگان برجسته را ملاقات کنند و از آنان بهره مند شوند.

رباط ها

در دوره اسلامی- پیش و پس از ایجاد مدارس- یکی از مکان های مهم آموزش بودند.

خانقاه

کهن ترین نشانه های خانقاه، به کاوش های صورت گرفته در شوش باز می گردد.

مدارس

خواجه نظام الملک (وزیر سلجوقیان)، پیشرو در نهضت مدرسه سازی و نظام مند کردن ای نهاد آموزشی است، نهاد هایی که وی تاسیس کرد، نظامیه نام گرفتند.

لقب خواجه نظام الملک، رضی امیر المؤمنین می باشد.

مدرسه نظامیه خرگرد

مشمتمل بر صحنی به ابعاد ۱۵ در ۱۵ متر که در میان اضلاع چهارگانه آن ایوان و در جوانب ایوان ها، حجره ها و تالار های بحث و تدریس وجود داشت، در قسمت جنوبی کتیبه ای بسیار نفیس به خط کوفی قرار داشته است.

مدرسه ری

بر اساس نقشه، اطراف حیاطی مربع شکل ۴ ایوان و ۱۰ اتاق به منظور سکونت به چشم می خورد.

نخستین بار نقشه چهار ایوانی در دوره اسلامی در سیاقی دینی برای مدرسه ها به کار رفت.

ویژگی های فضای معماری مدارس

معماری اسلامی ایران در یک نظر گرایش به درون دارد. بر این اساس فضای باز در میان فضای بسته می نشیند.

یکی از مهمترین عناصر فضای کالبدی یک مدرسه، حجره های آن است که مهمترین نقش را در تکوین شکل نهایی فضای کالبدی آن بر عهده دارد.

از معیار های رایج در ساخت مدارس ایجاد چهار ایوان رفیع در میان حجرات در چهار جانب حیاط بوده است.

تقارن به معنای استقرار یکسان دو جزء نسبت به یک محور یا مرکز یا یک عنصر میانی است.

در پلان (تهرنگ) کاروانسراها نیز حجره و ایوان از عناصر اصلی فضایی و کالبدی محسوب می گردد.

اما وجود مسجد و مدرّس (محل تدریس) در مدارس، متمایز شدن این گونه بناها با کاروانسراها را باعث می گردد.

مدرسه امامی در اصفهان دوره ایلخانی

این مدرسه که با نام بابا قاسم نیز معروف است؛ یکی از قدیمی ترین بنا های باقی مانده ای است که به تقلید از سبک مدرسه سازی عهد سلجوقی است. برقراری پیوند میان معماری آذری و شیوه سلجوقی را که این بنا در چارچوب خود دارد را نمی توان نادیده گرفت.

بنا چهار ایوانی که ایوان های غربی و شرقی از ایوان های جنوبی و شمالی کوچکترند.

شیخ محمد بن عمر معمار یا کاشی کار مدرسه می باشد.

دوران تیموری، دوران طلایی ساخت مدارس است.

ساخت مدارس آرامگاهی در ایران در دوره تیموری به اوج خود رسید، اما در زمان سلطنت صفویان با ساخت تنها یک مدرسه، یعنی مدرسه جلالیه در اصفهان به خاموشی گرایید.

مدرسه غیاثیه در خرگرد (خراسان)

در سال های پایانی سلطنت شاهرخ ساخته شده و آخرین یادمان بازمانده قابل توجه حکمرانان تیموری است.

بانی مدرسه پیر احمد خوافی وزیر شاهرخ و ساختمان آنرا قوام الدین شیرازی آغاز و پس از درگذشت او پسرش غیاث الدین به اتمام رساند.

مدرسه با نقشه چهار ایوانی و مسطییل شکل مشتمل بر سر در ورودی، اتاق های گنبد دار، ایوان های چهار گانه، حجره های متعدد در دو طبقه، برج ها یا مناره هاست.

مدرسه چهار باغ یا مدرسه سلطانی (مادر شاه) در اصفهان

امروزه این مدرسه به نام مدرسه امام صادق معروف است.

این مدرسه به فرمان شاه سلطان حسین آخرین پادشاه صفویه بنیاد یافته است.

مدرسه چهار باغ بخشی از ارسن بزرگ شامل کاروانسرا، بازار، مدرسه و مسجد می باشد. مدرسه همچنان کاربری خود را حفظ کرده است اما کاروانسرا تغییر کاربری داده است و تبدیل به هتل شاه عباسی شده است اما بازار با نام بازار هنر هم چنان فعال است.

مدرسه چهار ایوانی و در دو طبقه ساخته شده است.

تفاوت مدرسه چهار باغ با دیگر مدارس برون گرایی آن است و این مدرسه را می توان آواز قوی شیوه اصفهانی دانست.

پس رفت کامل شیوه اصفهانی از زمان محمد شاه قاجار بدین سو می باشد.

مدرسه و مسجد سپهسالار (چهار ایوانی)

امروزه به آن مدرسه عالی شهید مطهری می گویند، در عهد ناصرالدین شاه قاجار و توسط میرزا حسین خان معروف به سپهسالار در قسمت جنوب باغ خود ساخته شد. در حین ساخت میرزا حسین خان فوت نمود و برادرش میرزا علی خان مشیرالدوله ساخت آن را به اتمام رساند.

دو گلدسته مرتفع بنا از دو گلدسته مسجد گوهرشاد مشهد الهام گرفته شده است.

در سال ۱۳۲۶ ه. ق طی گلوله باران مجلس شورا توسط سربازان روسی گنبد مدرسه نیز مورد حمله قرار گرفت و آسیب دید. اما کاشی کاری آن در سال های ۱۳۰۷ و ۱۳۰۸ ه. ش ترمیم گردید.

این مدرسه بعد از مدرسه چهار باغ عباسی عالی ترین مدرسه ایران می باشد که دارای شهرت جهانی است.

فصل پنجم / شاخه تر در بهار جان

باغهای ثبت جهان

- ۱- پاسارگاد و ارم (استان فارس)
- ۲- پهلوان پور و دولت آباد (استان یزد)
- ۳- فین و چهل ستون (استان اصفهان)
- ۴- اکبریه (خراسان جنوبی)
- ۵- عباس آباد (مازندران)
- ۶- شازده ی ماهان (کرمان)

در فارسی باستان، از واژه پارایدائزه (پائیریدائزه)، به معنی حصار، برای نامیدن گونه ای خاص از باغ محصور استفاده می شد.

به نظر می رسد واژه ی پارایدائزه ی پارسی، همان پرتتش ایلامی باشد.

واژه پارایدائزه از فارسی میانه (پهلوی) حذف شد و کلمه bāy جای آن را گرفت این واژه مفهوم محصور بودن دارد. بعد ها به شکل bw در سغدی و سپس در فارسی نو به شکل bag به معنای قلعه یا پاره ای از زمین است.

گاه نگاری

پژوهندگان، پاسارگاد هخامنشی را کهن ترین باغ ایران می دانند، حال آنکه نگارنده کهن ترین شاهد از باغ ایرانی را درفش فلزی شهادت می داند.

ایلام: از ایلام با آن فرهنگ و هنر درخشان، چیزی که حاکی از باغهای سلطنتی باشد به جا نمانده است.

هخامنشیان: هخامنشیان پارس نژاد، اهتمام ویژه ای در ساخت و استفاده از باغ داشتند. باستان شناسان، باغ سلطنتی کورش دوم در پاسارگاد را، که بسیاری آن را الگوی باغ های کاملاً هندسی ایران میدانند، کهن ترین باغ ایران می دانند. باغ های هندسی با طرح پنج کاشت احداث می شدند و بر این اساس چهار باغچه در چهار گوشه مربع و یکی در مرکز آن ایجاد می گردید. اردشیر دوم به تقلید از کورش، در شوش کاخ-باغی ساخت. بقایای این باغ در حاشیه ی رودخانه ی شائور قابل مشاهده است. ضمن آنکه کتیبه ای هم با این مضمون کشف شده: "این کاخی است که من به منزله ی پارنیدام ساخته ام". داندمایف این واژه را به معنی کاخ-باغ در نظر گرفته است. الگوی باغ سازی هخامنشی در دوره های بعد نیز تداوم داشت.

اشکانیان: از این دوره بقایای یک کوشک که در ساخت بنای آن طرح و عناصر یونانی به کار رفته، شناسایی شده است.

ساسانیان: باغ های سروستان در استان فارس/ عمارت خسرو/ حوش کوری/ بنای چهارقاپی (چهارقاپو) در قصر شیرین از نمونه باغهای این دوره است که مجموعه ای از کاخ، کوشک و باغ

بوده است. در این دوران، نوع دیگری از باغ های محصور احداث شدند که به آنها عنوان "شکارگاه شاهی" داده شده است. شکارگاه های بیستون و طاق بستان از این دست محوطه های محصور هستند. نقوش برجسته ی طاق بستان بازنمودی از صحنه شکار در این گونه شکارگاه هاست. در دین مزدایی، دین کهن ایرانیان، جهان به چهار قسمت تقسیم شده بود. طرح چهار بخشی باغ ها به احتمال، اشاره به این موضوع داشت. پس از اسلام آوردن ایرانیان، طرح باغ ایرانی با تعالیم اسلامی دمساز شد. طبق قرآن، فردوس به چهار قسمت تقسیم می شود که چشمه ای در مرکز آن است.

ایلخانان: کهن ترین نقشه ی باغ را، رشید الدین فضل الله همدانی -وزیر ایلخانان- ثبت کرده است. طرح باغ اوجان در نزدیکی تبریز بدین شکل بوده است: دیواری که محوطه ی مربعی باغ را محصور کرده بود. رود ها و نهرها در آن جاری بود، درختان بید در حاشیه خیابان ها کاشته شده بود، و محوطه مرکزی برای کلاه فرنگی (کوشک)، تخت و برج های اطراف آن ها، حمام ها و بناهای رفیع در نظر گرفته شده بود.

تیموریان: تیمور یکی از شاخص ترین پادشاهان ایران در زمینه ی احداث باغ است. از این دوره باغ های زیادی بجا مانده است. تالار تیموری در اصفهان یکی از موارد نادر است که امروزه تغییر کاربری پیدا کرده است.

صفویان: پادشاهان صفوی باغ سازان بزرگی بودند که آداب و رسوم پیش از اسلام را اجرا کردند. هدفشان این بود که در اذهان عمومی بین خود و قدرت سلطنتی ایران باستان و رسوم آنان پیوند ایجاد کنند. بدین منظور کاخ های خود را کنار باغ بنا کردند. کهن ترین باغ- شهر این دوره، باغ سعادت آباد قزوین است. چهار باغ اصفهان، الگویی از خیابان دولتی قزوین اما در مقیاس وسیع تر است. از قزوین دوره صفوی بجز ارشی خانه (عمارت کلاه فرنگی) و سردر عالی قاپو (الله قاپو) و چند بنای آجری دیگر چیزی باقی نمانده است. شاه عباس صفوی در بهیوحه ی جنگ با عثمانی ها، پایتخت خود را از قزوین به اصفهان تغییر داد و از باغها و برپایی مراسم به منزله راهی برای قوام و توجیه قدرت خود بهره برد. او که به سواحل جنوبی دریای مازندران نیز علاقه خاصی داشت، کاخ ها و باغهایی نیز در شهرهایی چون اشرف (بهشهر کنونی)، ساری، بابل، امل، صفی آباد، عباس آباد و فرح آباد به سبک کاخ ها و باغهای اصفهان ساخت که تنها تفاوت آنها در نوع اقلیم منطقه ی جغرافیایی بود. **باغهای ساخته شده این دوره عبارتند از:**

۱- **باغ های اشرف:** شش باغ متصل به هم که با دیوارهای سنگی از هم جدا می شدند. هر باغ دارای عملکرد خاصی همچون حرم سرا، تشریفات، تفریح و... برای شاه بود. پیوستگی باغ ها به هم، انطباق آنها با شیب زمین و وجود رابطه بصری بین باغ و مناظر اطراف، ویژگی خاصی نسبت به باغ های دوران صفویه (اصفهان و قزوین) دارد.

۲- **باغ صفی آباد:** به دلیل قرار گرفتن در ارتفاعات، دارای رصد خانه نیز بود.

۳- **باغ استخر عباس آباد:** این باغ برای شکار مورد استفاده شاه قرار می گرفت. علوم هیدرولیک بکار گرفته شده در طراحی این باغ، اوج هنر معماری عصر صفوی است و از این منظر این باغ در میان سایر باغهای ایرانی بی نظیر است.

۴- **باغ فین کاشان:** کاخ این مجموعه، نمونه ای گویا از تلفیق معماری و هنر باغ سازی صفوی است. فارغ از ابعاد، منظر و تاثیر، باغهای صفوی را میتوان به دو دسته طبقه بندی کرد:

(a) چهار باغ (باغ محصور بزرگ) که در آن عناصری چون درخت، نهر، حوض و کوشک بود.

(b) باغ کوچک تری که در درون کاخی بزرگ ساخته می شد.

بعد از دوران صفویه، باغهایی احداث شد که میتوان تداوم الگوی باغ سازی صفوی را در آنها مشاهده کرد همچون:

باغ کلات نادری، باغ نظر (آرامگاه کریم خان زند)، باغ جهان نما در شیراز و باغ دولت آباد یزد

۱) باغ نظر (آرامگاه کریم خان زند)

کریم خان درون باغ نظر کوشکی هشت ضلعی بنا کرد که طرح آن عبارت است از فضای مرکزی چهار ایوانه با چهار اتاق در گوشه ها. آریان پور طرح اصلی این بنا را با کاخ شاپور در بیشاپور مشابه می داند. کریم خان این بنا را به عنوان آرامگاه خویش ساخت و چند سال بعد در گوشه ای از آن به خاک سپرده شد.

۲) باغ دولت آباد یزد

این باغ که توسط محمد تقی خان احداث گردیده، از دوجهت در میان باغهای ایران متمایز است:

طرح و نقشه ی آن یکی از اصیل ترین طرح های باغ رسمی ایرانی است.

وجود بلندترین بادگیر ایران با ارتفاع بیش از ۲۳ متر در عمارت هشتی یا عمارت بادگیر باغ خود نمایی می نماید.

به دلیل این ویژگی ها این باغ به همراه ۸ باغ دیگر در فهرست جهانی یونسکو به ثبت رسیده اند.

افشاریه: به دستور نادرشاه، بنایی با کارکرد آرامگاه در منطقه ی کلات (جاده ی سرخس- مشهد) ساخته شد که بعدها به کاخ خورشید شهرت یافت. تعدادی جوی و فواره سنگی و آب نما (عناصر باغ سازی اصیل ایرانی) در پیرامون این بنا وجود داشته است. کلات نادری تنها بنایی است که طرح باغ سازی افشاریه را آشکار میکند. کوشک باقی مانده از این بنا، یکی از آثار پرارزش معماری است چرا که سبک آن ترکیبی از معماری ایرانی، مغولی و هندی است.

قاجاریه: در دوره ی قاجار، به دلیل توسعه ی ارتباط با اروپا، عناصری از باغ سازی غربی چون تپه های گل، حاشیه کاری با شمشاد و قرار دادن مجسمه در باغها در طرح باغهای ایرانی راه یافت. باغهای مهم این دوره در تهران: قصر قاجار / اتابک / نظامیه / باغ فردوس و در شهرهای دیگر: باغ عفیف آباد شیراز / باغ سلیمانیه کرج / باغ شهرستانک.

باغ سلیمانیه

این باغ به دستور فتحعلی شاه در حاشیه رودخانه ی کرج ساخته شد. در اطراف بنای فعلی، ساختمان هایی وجود داشته و باغ سلطنتی با حصار و برج هایی محصور بوده است. طرح عمارت باقی مانده به صورت مستطیل دراز با تالار اصلی و سه اتاق کوچک تر به شکل خانه ای چهار طبقه است.

ویژگی خاص این بنا وجود دو دیوار نگاره در تالار بزرگ بر بالای درهای دو دیوار مقابل هم است که موضوع آن به تاریخ شاهان قاجار مربوط است (اقا محمد خان و فتحعلی شاه).

دوره ی دوم قاجاریه: با شروع دوره ی دوم شیوه ی اصفهانی (پس از محمد شاه قاجار) ایرانیان در برابر فرهنگ و تمدن غربی دچار خود باختگی شدند. مجموعه کاخ گلستان که به دست امیر تیمور بنا شد، طبق سنت های بومی ایران ساخته شده بود. اما بعد از آن ناصر الدین شاه در بخش های شرقی این باغ، که گلستان نام داشت، کاخهایی بنا کرد شامل: تالار موزه/ تالار اینه/ تالار عاج/ تالار برلیان/ شمس العماره/ کاخ ابیض و عمارت بادگیر. عمارت مرتفع شمس العماره، سال قبل از نخستین سفر ناصرالدین شاه به فرنگ به دستکاری دوست علی خان معیر الممالک به سبک فرنگی ساخته شد. گلستان مجموعه ای است که در آن، هم عناصر سنتی معماری ایرانی چون بادگیر قابل مشاهده است و هم چفت های نیم دایره یا دسته زنبیلی معماری غرب. این باغ با وجود برخی تأثیرات معماری اروپایی، به خاطر دارا بود ویژگی های فنی (چه در ساختار و چه در تزئین) آخرین بنایی است که تاکنون به فهرست میراث جهانی ثبت شده است. گلستان با باغهای دوشان تپه/ عشرت اباد/ بهارستان و ... در یک چیز مشترک است: تأثیر پذیری از الگوی باغ سازی اروپایی. از جمله تأثیرات اروپایی عبارتند از: خیابان کشی بریده با زاویه های غیر قائمه/ ساخت آلاچیق و برکه ی مصنوعی/ نرده کشی/ نصب تیر چراغ روشنایی و مجسمه در باغ/ و ساخت باغ های بی سابقه همچون باغ وحش. بدین ترتیب سبک باغ به پارک بدل شد.

طبقه بندی باغ های ایرانی بر اساس عملکرد:

۱. **باغ- آرامگاه:** ساختار این نوع باغ ها همچون طرح ۸ ضلعی برای آرامگاه/ کاشت درختان سرو یا بازتاب تصویر آنها روی کاشی و سنگ های ازاره به بهشت و لذت های آن اشاره دارد. مانند آرامگاه کورش در پاسارگاد و کریم خان زند در باغ نظر.
۲. **باغ کوشک:** بیشتر برای صفا سیتی دنیوی و مادی پادشاهان، درباریان و دولت مردان ساخته می شد.

ساختار باغ ایرانی

معماران ایرانی با استفاده از عوارض طبیعی زمین هم چون نوع و شیب زمین، ۳ نوع باغ ساخته اند:

- (۱) باغ های مسطح و کم شیب همچون باغ چهل ستون قزوین
- (۲) باغ های شیب دار که سرازیر شدن آب از صفه ی بالایی به درون صفه های پایین، خود بخشی از زیبایی این باغهاست. مانند باغ شازده ی ماهان در کرمان
- (۳) باغهایی که در ساخت آنها عارضه های طبیعی همچون آبگیر و جنگل به کار رفته؛ مانند باغهای عباس آباد و صفی آباد در بهشهر

باغهای ایران را براساس نوع طرح و نقشه میتوان به دو دسته تقسیم کرد:

۱. باغهایی که دو محور موازی اصلی دارند و خیابانها و کچه باغهای فرعی جابجا این دو محور را با زاویه ای ۹۰ درجه قطع می کنند؛ مانند باغ دولت آباد یزد

۲. باغهایی که دو، سه، یا چهار محور موازی دارند که در مرکز باغ همدیگر را قطع می کنند. مانند باغ نظر.

ارکان اساسی باغ:

I. مرکز باغ: یکی از ارکان اساسی باغ مرکز آن است. مرکز مجموعه به سبب عنصری میانی که ممکن است کوشک، یک بستر وسیع آب و یا ترکیب این دو باشد، تشخیص می یابد. چهار نهر به این قلب متصل میگردند. چهار خیابان عمود با صفی از درختان در دو سمت آن، فضای باغ را به چهار قسمت تقسیم میکند و الگوی چهار باغ که شاخص ترین معرف باغهای ایران است شکل میگیرد (برخی الگوی چهار باغ را به عصر هخامنشی و باغ پاسارگاد نسبت داده اند). تصویر بهشت که در چهار باغ متجلی شده در فرش ایرانی نیز بافته شده است. طرح باغ- فرش در واقع نگاهی از آسمان به باغ است. کهن ترین فرش چهار باغی، فرش بهارستان یا بهار خسرو است که در تالار بزرگ طاق کسری پهن می شده است تا در طول زمستان پادشاه ایران را از دلتنگی نسبت به باغ بیرون آورد.

II. ۲. کوشک (عمارت یا ایوان): کوشک در جایی ساخته می شود که بهترین چشم انداز را داشته باشد. ساخت کوشک های ۸ گوش بر همین اساس است. کوشک ها عموماً بناهای مرتفع و برون گرا هستند. تفاوت ساختاری کاخ و کوشک در همین است. کاخ به دلیل برقراری امنیت، ساختاری به شدت بسته و درون گرا دارد اما کوشک بر خلاف آن ، فضایی کاملاً به بیرون گشوده است.

III. آب: بهشت آرمانی توصیف شده در قرآن، چشمه ای در مرکز دارد که از آن چهار نهر با موادی چون شیر، عسل و آب و شراب به اطراف جاری هستند.

سروستان

باستان شناسان معتقدند این کاخ از اواخر دوره ی ساسانی تا قرن پنجم هجری قمری، توالی سکونت داشته است؛ بنابراین، این باغ- کاخ را میتوان انتقال دهنده ی سنت باغ سازی ساسانی به دوره ی اسلامی دانست (باغ سازی در دوره ی اسلامی ریشه در ساخت و سازهای پیشین بویژه عصر ساسانی دارد). شواهد باستان شناسی نشان می دهد که این بنا، کوشکی در میان چهارباغ است.

چهل ستون

شاه عباس با ساخت میدان نقش جهان، پیوندی میان شهر اصفهان و باغ های خود در دولتخانه ایجاد کرد.

میدان نقش جهان فضایی عمومی است که به واسطه عمارت عالی قاپو به بخش دولتی ارتباط می یافت.

عمارت عالی قاپو پنج اشکوبه (پنج طبقه) با تالار ستون داری مشرف بر میدان، مهمترین عمارت سردر مجموعه ی دولتخانه محسوب می شد.

در زمان شاه عباس دوم تغییراتی در ساختار و تزئینات عالی قاپو صورت گرفت از جمله: الحاق تالار ستون دار به جانب اصلی بنا و اجرای تزئینات نفیس

ویرانگری های ظل السلطان در اصفهان، باز تولید ویرانگری آشور بانی پال، در شوش است اما در زمینه و زمانه ای جدید!

نامگذاری

بسیاری دلیل نامگذاری این بنا به چهل ستون را وجود ۲۰ ستون در ایوان شرقی عمارت و بازتاب تصویر آن ها در آب حوض مقابل آن می دانند که در مجموع ۴۰ ستون به نظر می رسد.

ساختار و تزئینات

کاخ چهل ستون با نقشه مستطیل شکل، شامل یک تالار مرکزی با ۳ گنبد، ۴ ایوان در چهار سوی آن و ۴ اتاق در دو طبقه در طرفین ایوان ها و ایوانی بزرگ بر صفا ای به ارتفاع یک متر از سطح باغ و رو به مشرق بنا شده است. چنین تهرنگی ما را به یاد کاخ فیروزآباد ساسانی می اندازد. (بسیاری الگوی باغ های صفوی را در ایران باستان جسته اند)

پتروس بدیک از کاخ داریوش در تخت جمشید به "تماشاخانه ی چهار گوش ستون دار" تعبیر می کند و گویی می خواهد آن را نظیر کاخ چهل ستون اصفهان دوره صفوی بشمارد.

گرافه نیست اگر ایوان بزرگ عمارت چهل ستون را مهمترین فضای کالبدی این بنا بدانیم.

در بخش مرکزی تالار، حوضی چهار گوش و مرمری وجود دارد. زیبا ترین بخش تالار، سقف آن است که قاب بندی، منبت کاری و طلا کاری شده است.

نقاشی ها

نقاشی های دیواری چهل ستون، در چهار گروه زیر قابل بررسی هستند:

گروه اول: صحنه هایی با موضوعاتی چون جشن و شادی و شکار به سبک رضا عباسی

گروه دوم: صحنه های بسیار بزرگ که در بخش فوقانی دیوار های شرقی و غربی تالار بارعام اجرا شده اند. (صحنه هایی از رویداد های تاریخی دربار صفوی) این مجالس عبارتند از:

- ۱- مجلس پذیرایی شاه عباس اول از ولی محمد خان ازبک
- ۲- صحنه جنگ شاه عباس اول با عثمانی ها در چالدران
- ۳- مجلس پذیرایی شاه طهماسب اول از همایون، پادشاه گورکانی هند

در دیوار شرقی تالار نیز این صحنه ها به چشم می خورند:

- ۱- جنگ شاه عباس اول با ازبکان
- ۲- جنگ نادر شاه در کرنال هند
- ۳- مراسم پذیرایی شاه عباس دوم از ندر محمد خان، حاکم ترکستان

گروه سوم: مجالسی نسبتاً بزرگ از جشن ها و گلگشت های درباری یا مضامین ادبی مانند خسرو و شیرین و یوسف و زلیخاست.

یکی از شاخص ترین نقاشی ها صحنه خود سوزی همسر حاکم قندهار است که هنگام مرگ پیش بینی نموده بود شاه عباس دوم پس از چهل روز شهر را فتح خواهد نمود.

گروه چهارم: نگاره های اروپاییان یا مسیحیان ایرانی است.

علاوه بر نقاشی های یاد شده سراسر سطوح داخلی بنا با نقوش اسلیمی و گیاهی آرایش یافته است.

باغ شاهزاده ماهان

باغ شاهزاده، در نزدیکی آرامگاه شاه نعمت الله ولی در ماهان و با تلاش های عبدالحمید میرزا ناصرالدوله فرمانفرمایان، در کویری بی آب احداث گردید.

باغ شاهزاده یکی از بهترین مصادیق باغ های شیب دار یا باغ- تخت است.

فصل ششم / در پیچاپیچ راسته های زندگی

ریشه شناسی واژه بازار

واژه بازار به صورت فارسی میانه ی wāzār باز می گردد که بعدها به شکل bāzār تحول یافت. برخی معتقدند واژه بازار در اصل آبازار به معنی محل خرید و فروش مواد غذایی بوده اما با گذشت زمان به معنی مطلق محل خرید و فروش به کار رفته است.

بعضی پژوهندگان ریشه واژه بازار را کلمه wahāčarana می دانند که از دو جز wahā به معنای بها ، ارزش ، تجارت و čarana به معنای جایگاه تشکیل شده و در اصل به معنای محل داد و ستد و خرید و فروش است.

Wahāčarana → wāčarna → wāčar → wāzār → bāzār

انواع بازار

۱) بازار های ادواری (مکاره) : که فاقد عناصر معماری هستند، بازار های موقتی هستند، عمدتاً نقش و کارکرد اقتصادی دارند.

۲) بازار های دائمی: یکی از مهمترین بخش های بافت شهری را تشکیل می دهند، از شناخته ترین بخش ها در چهره ی شهر های اسلامی به شمار می روند.

پیشینه ی بازار

در فارسی میانه رُسا و سرپرستان بازار را کرّوگبَد یا هوئُخشَبَد می خوانند، در سلسله مراتب اصناف ایران اسلامی او را پیشوا، مقدم، کلو میخوانند و در دوره صفویه نام باشی به وی اعطاء نمودند.

سابقه بازار به مفهوم کنونی آن به دوره ساسانی باز میگردد.

در ایران از لحاظ عملکرد ۳ نوع بازار موجود است:

۱) بازار هایی با عملکرد ملی و بین المللی: همچون بازار های اصفهان و تبریز در عصر صفوی و بازار تهران در عصر قاجار

۲) بازار هایی با عملکرد عمده فروشی و خرده فروشی: همانند بازار های شیراز، کرمان و مشهد

۳) بازار های محلی: در شهر های کوچک نظیر نائین و سمنان

انواع شکل بازار ها :

۱- گسترش در درازا (بصورت خطی)

۲- گسترش در پهنا

۳- یک بنیادی : از پیش طراحی شده

بازار با گسترش در درازا (بازار خطی) ، دیرینه ترین، ساده ترین و بیشترین شکل بازار است. (سوق معادل عربی واژه بازار است)

عناصر تشکیل دهنده بازار

(a) راسته ها

عنصر اصلی بازار راسته های اصلی و فرعی هستند، که در قدیم از دروازه ها به درون شهر تا میدان (آرسن) اصلی و مسجد جامع، امتداد داشت.

سر پوشیده شدن راسته ها به دو عامل بستگی داشت:

۱- ویژگی آب و هوایی

۲- تاکید بر بسته بودن این مجتمع های تجاری

در دو طرف راسته ها، حجره ها (دکان) قرار داشتند.

هَرنو (تغییر یافته واژه هورنور به معنای نور خورشید): سوراخ سقف، نور گیرهایی برای گرفتن نور و هوا در پوشش گنبدی بازار ارتفاع پوشش بازار به آب و هوای منطقه بستگی دارد. بلندای پوشش در شهر های گرمسیری بیشتر و در شهر های سردسیری کمتر است.

(b) چهار سوق (چهار بازار)

محل تقاطع دو راسته اصلی را چهار سوق یا چهار سو می گویند که از نظر وسعت پهن تر از راسته ها و ارتفاع بیشتر دارد، حجره ها در چهار سوق دو طبقه می باشند (بیشترین ارزش را حجره های چهار سوق دارند).

(c) حجره

دکان، حانوت یا حجره، کوچکترین اما مهمترین و موثر ترین عنصر تشکیل دهنده بازار می باشد. اگر بازار را ستون فقرات شهر می دانیم، حجره را باید قلب تپنده بازار بنامیم. حجره عمدتاً یک آشکوب (طبقه) هستند، اما در چهار سوق ها دو طبقه می باشند.

(d) سرا (خان)

در انتهای راسته های فرعی، حیاطی که گرداگرد آن حجره قرار داشت (بدون سقف) را سرا می گویند.

تفاوت سرا با کاروانسرا :

۱- کاروانسراها در ابتدای بازار و نزدیک دروازه ها قرار داشتند، اما سرا در سراسر طول بازار احداث می شدند.

۲- حیوانات بارکش کمتر وارد سراها می شدند.

(e) تیمچه

فضایی سرپوشیده با گنبدی که با کاربندی ها، تزئینات پرکار گچ بری و درودگری آرایش می گردید.

سرا فاقد، هر گونه پوشش گنبدی است اما تیمچه با گنبد یا گنبد هایی پوشش می یافت.

(f) قیصریه (بازار شاهی یا سرایی کوتاه)

بخشی از بازار به شکل سراهای گنبد دار یا با نقشه چلیپایی که به کالاهای گران قیمت اختصاص داشت.

در قیصریه، حجره (حانوت) صنعتگران ظریف کار مثل زرگران و ابریشم فروشان جای داشت.

(g) دالان

در بخش ورودی بعضی از سرا های بزرگ، فضای گنبد دار بسیار زیبا و با شکوهی وجود دارد که دالان نامیده میشود. مهمترین کارکرد دالان ایجاد ارتباط بین فضای بیرونی و فضای درونی ساختمان می باشد. برخی از دالان ها داری حجره هایی می باشند که از نگاه معماری تفاوتی با تیمچه ها ندارند. بازار علاوه بر عملکرد اقتصادی، در تحولات اجتماعی نقش تاثیر گذار دارد.

شاعران و نویسندگان نوعی ادبیات منظوم و منثور درباره اصناف پدید آوردند که به آن شهر آشوب می گفتند.

بازار تبریز

بازار قیصریه را می توان زیبا ترین بازار شهر تبریز دانست.

بازار تبریز بزرگترین بازار سر پوشیده جهان و زیبا ترین و یکپارچه ترین بازار ایران به شمار می رود.

فصل هفتم / در امتداد روز تا سکوت شب

وجه تسمیه

نام کاروان سرا، ترکیبی است از کاروان (کاربان) به معنی جمعی مسافر که گروهی سفر می کنند و سرای به معنی خانه و مکان. هر دو کلمه مأخوذ از پهلوی ساسانی است. کاربات، رباط، ساباط و خان در واقع عملکرد و وظایف مشابهی مانند کاروان سرا ها داشتند.

سیمای تاریخی کاروان سرا

کهن ترین شاهد، درباره ی کاروان سرا های ایران، کتاب تواریخ هرودوت است.

دوره ساسانی عصر رقابت اقتصادی و بازرگانی به ویژه با دولت روم است و یکی از مهمترین منابع درآمدزایی ایران، دریافت تعرفه های بازرگانی از کاروان های رومی و چینی است. نقشه کاروان سرا های ساسانی اغلب به صورت چهار ایوانی و مصالح مورد استفاده عموماً لاشه سنگ، آهک و گچ بوده است.

پس از اسلام دو فعالیت تجارت و زیارت، موتور محرکه ی احداث کاروان سرا گردید.

عصر طلایی کاروان سرا های ایران متعلق به دوره ی صفوی است.

فضا های کالبدی کاروان سرا ها

اغلب کاروان سرا های ایران سازه هایی مستطیل شکل در حیاط هایی (میانسرا هایی) رو باز هستند که در زوایا، دارای برج های مدور و در کنار ورودی و میانه اضلاع، برخوردار از نیم برج ها هستند. نمای سه دیوار کاروان سرا ساده و بی آذین است اما دیوار چهارم با سردر پیش آمده ای مشخص می شود.

قدیمی ترین کاروان سرای پس از اسلام، رباط چاهه می باشد.

در نواحی کوهستانی به دلیل ریزش شدید برف و باران کاروان سرا ها سر پوشیده و فاقد میانسرا هستند اما در مناطق مرکزی و حاشیه کویر نه تنها میانسرای رو باز در کاروان سرا دیده می شود بلکه برای تهویه و خنک نمودن فضا ها از بادگیر نیز استفاده می نمودند برای مثال رباط زین الدین در جاده یزد- کرمان

معماران سازنده ی کاروان سرا ها به سه طریق به جنگ با کمبود آب در نواحی مرکزی می رفتند:

۱- ایجاد آب انبار هایی در مسیر جاده های کاروانیدر مسافت های معین

۲- ایجاد آب انبار در میانسرا یا جنب کاروان سرا

۳- ساخت کاروان سرا ها در مسیر رودخانه ها و چشمه سار ها

انواع کاروان سرا های ایران

۱) کاروان سرا های پوشیده ی مناطق کوهستانی

این نوع کاروان سرا ها از هر طرف بسته و پوشیده هستند، به گونه ای که در مقابل بادهای مداوم و برف های شدید زمستانی مقاومت نموده و کاروانیان را در پناه خود گیرد (مثل کاروان سرا های شیلی).

۲) کاروان سرا های کرانه پست خلیج فارس

با توجه به شدت گرما و شرجی بودن در تابستان کاروان سرا ها فاقد میانسرا بوده و شامل بنایی چهار گوش است با اتاق مرکزی صلیبی شکل که نسیم خنک دریا را گرفته و به اتاق های جانبی انتقال می دهد. نکته این که تمامی اتاق ها به خارج از بنا راه دارند (مانند کاروانسرای قلعه پهلوی در غرب جاده بندر عباس).

۳) کاروان سرا هایی با میانسرای مرکزی

یعنی فضا هایی که پیرامون میان سرا یا حیاط مرکزی چیده می شوند، ساختمان معماری کاروان سرا را تشکیل می دهند.

این کاروان سرا ها به چهار دسته کلی طبقه بندی می شوند:

(a) کاروان سرا های مدور

در این نوع کاروان سرا فضای کالبدی چون ایوان ها، حجرات و اصطبل ها پیرامون یک حیاط مرکزی چند ضلعی (۸ و ۱۲ ضلعی) استقرار می یابند. بنابراین بنا از درون چند ضلعی اما از بیرون دایره ای شکل است. دلیل اصلی انتخاب تهرنگ مدور، روان بودن شن های بیابانی است. برای مثال رباط زین الدین دوره صفوی و کاروان سرای زیزه دوره قاجار

(b) کاروان سرای چند ضلعی

این کاروان سرا ها از درون مشابهِت زیادی با کاروان سرا های مدور دارند اما از بیرون چند ضلعی (اغلب ۸ ضلعی) هستند، زیرا دفاع از یک بنای هشت ضلعی به مراتب آسان تر از بنای مربع یا مستطیل شکل است. برای مثال کاروانسرای انجیل دوره ایلخانی و امین آباد، خان خوره، چهارآباد و ده بید دوره صفوی

(c) کاروان سرا های دو ایوانی

در این کاروان سرا ها دو ایوان در جوانب حیاط مرکزی استقرار می یابند؛ یکی در مدخل ورودی و دیگری رو به روی آن قرار دارد. برای نمونه کاروان سرای چاه خوشاب و کاروان سرای دوکوهک

(d) کاروان سرا های چهار ایوانی

اولین پلان چهار ایوانی از دوره اشکانی و در کاخ آشور شناسایی شده است. از عصر غزنوی تا دوره قاجار بیشتر کاروان سرا های ایران با نقشه چهار ایوانی احداث گردیدند.

مهمترین این کاروان سرا ها کاروان سرای بیستون، دیرگچین و شاه عباسی کرج

۴) کاروان سرا ها با تالار ستون دار

در ساختار این گونه کاروان سرا ها، ستون، نقش اصلی را ایفا می نماید. بدین شکل که این کاروان سرا ها عموماً تالار های ستون داری را بازتاب می دهند که به منظور اصطبل از آن ها استفاده می شده است. برای نمونه کاروان سرای عسگرآباد

۵) کاروان سرا هایی با طرح متفرقه

در خلق این کاروان سرا ها عواملی چون سلیقه و ابتکار معمار یا معماران، نفوذ معماری خارجی و اوضاع و موقعیت جغرافیایی مدخلیت دارد. برای نمونه کاروان سرای سبزوار و کاروان سرای شاه عباسی در جلفای آذربایجان

عملکرد کاروان سرا

- I. برخی کاروان سرا ها، نیاز های امور برید یا پیک را تامین می نمودند. (مغولان از نظام مشابهی به نام یام استفاده می کردند) (انتقال اطلاعات نظامی و غیر نظامی)
- II. اسکان دادن به بازرگانان و تجار بود. (افرار جویای کار یا دریافت سفارش برای تولید محصول)
- III. خدمت به انتشار علم (محصلان یا طلبه ها اغلب مسیر های طولانی را مسافرت می کردند تا از استادان مختلف درس بیاموزند)
- IV. سفر جغرافیایان و نویسندگان (اینان دست به سفر می زدند تا بتوانند به طور حرفه ای و محققانه از مناطق جغرافیایی، آثار و ابنیه و رفتار مردمان هر منطقه بنویسند).
- V. رفت و آمد های زیارتی

کاروان سرای دیر گچین

از جهت قدمت این کاروان سرا را مادر کاروان سرا های ایران می نامند. این بنا یکی از منزل گاه های بسیار مهم بین قم و ری ذکر شده است.

دیر واژه ای عربی است به معنای خانه ای که رهبانان در آن اقامت می نمودند. در دیر ها از گدایان و گذریان پذیرایی می کردند. (گونه مسافر خانه های اولیه)

نقشه کاروان سرا چهار ایوانی است و تنها راه ورودی آن در قسمت جنوب قرار دارد. دو برج نیم دایره ای در دو قسمت ورودی و چهار برج در چهار گوشه بنا ایجاد شده اند.

در اطراف حیاط (میانسرای) کاروان سرا، چهل اتاق به منظور اسکان موقت مسافران، ساخته و پشت اتاق ها (حجره ها) اصطبل مستطیل شکل برای حیوانات در نظر گرفته شده است.

فصل هشتم / در پناه بلندای دیوار ها

هراس از شعله های جنگ داخلی و خارجی، ایرانیان را به ساخت سر پناه هایی گوناگون با توجه به کار کردهای آن ها، با اسامی گوناگون چون، ارگ، دژ، قلعه و دژ - کاخ رهنمون ساخت.

ایجاد مساکن گروهی محصوره، از سه هزار سال پیش از میلاد آغاز شده به عنوان مثال: نمونه ای از این گونه قلاع (دژ ها) در بلوار آباد واقع در حاشیه ی دشت شمالی روستای قره ضیاءالدین آذربایجان غربی

سهم اصلی، در توسعه شهر سازی حصاردار در ایران، به عهده معماران اورارتویی (قرن ۹ و ۸) قبل از میلاد است که تحت نفوذ معماری بین النهرین، شیوه ای در ایجاد استحکامات دفاعی بوجود آوردند که بعد ها اساس معماری کوهستانی ارمنه شد.

پاسارگاد، تخت جمشید

پاسارگاد پایتخت کوروش دوم: فاقد استحکامات دفاعی

تخت جمشید (شهر پارسه): نمونه ای از معماری دژ سازی هخامنشیان است (بقایای باروی آجری به قطر ۵ متر و برجها ی مستطیلی بزرگ اطراف ارگ (کهندژ) گواه این مطلب اند)

سلوکیان

پس از فروپاشی دولت هخامنشی، سلوکیان دژهای بسیاری متأثر از فرهنگ یونان ساختند، که یک نظریه این دژ ها را پادگان شهرهای یونانی می نامید، که هدف آن سرکوبی اهالی ایران و محل استقرار لشکریان سلوکی بوده و نظریه دیگر این دژ ها احتمالاً، مرکز نظامی برای نظارت بر جاده ها و در محل شهر های پادگانی هخامنشی ساخته شده اند. به عنوان مثال: سلوکیه، آپامه، لائودسیه و اسکندریه

پارتیان

پس از فروپاشی سلوکیان و آمدن پارتیان، آن ها دست به احداث قلعه های کوچک و بزرگ زدند که هم وسیع بودند و هم معماری خیال انگیز، با آرایه های گچی داشتند و بر کار کردی فراتر از امور نظامی دلالت داشتند. به گونه ای که کاوش گر قلعه ضحاک، ادوارد کیل، با توجه به این گونه آثار تجملی، این دژ را محل اسکان یکی از اشراف راهزن که در برابر عبور ایمن کاروان ها از آن شاهراه (جاده ابریشم) از آن ها باج می گرفت، می دادند. از این نمونه دژ ها: قلعه ضحاک (آذربایجان شرقی) و قلعه یزد گرد (قصر شیرین)

ساسانیان

اردشیر باباکان، حاکم شهر دارگرد، قلعه ای بر فراز دره تنگاب فیروز آباد کنونی که اکنون آن را قلعه دختر می نامند ساخت و قیام خود علیه حکومت اشکانی را علنی ساخت. این دژ اولین قلعه ساسانی و یکی از مستحکم ترین دژ های این دوره است. ساخت قلعه های مستحکم با برج های دفاعی مدور، در زمان ساسانیان توسعه و تکامل بسیاری یافت.

قلعه تخت سلیمان در تکاب آذربایجان غربی گاهی به عنوان نیایشگاه و زمانی به عنوان کاخ استفاده می شده است.

ادوار اسلامی

در تمامی ادوار اسلامی، دژ های بسیاری ایجاد شدند (به دلیل کشمکش های داخلی و خارجی بسیار) در برخی از آنها مبارزان ایرانی که علیه سیطره ی فرهنگ اعراب می جنگیدند، پناه گرفته بودند و در برخی، دیگر رهبران فرقه شیعی اسماعیلیه که خصم خطرناک سلاجقه ی سنی مذهب به شمار می رفتند.

به عنوان مثال: قلعه ی جمهور یا دژ بژ در ۳ کیلومتری جنوب غربی کلبر آذربایجان شرقی، شامل قلعه و قصری بر فراز کوهستان که اطراف آن دره ی عمیقی فرا گرفته است و تنها یک راه باریک به قلعه وجود دارد که پناه گاه معروف ترین و با نفوذ ترین رهبر خرمیان یعنی بابک بود که ۲۳ سال علیه مامون عباسی دست به شورش زد، شورش بابک بر ضد خلافت رخ داد.

فرقه اسماعیلیه

بزرگ ترین و مستحکم ترین قلاع (قلعه های) ایران به دست فرقه اسماعیلیه که پیروان حسن صباح بودند و در غرب به حشاشین شهره هستند، ایجاد گردید.

دژ های اسماعیلیان در ۲ نقطه ایران متمرکز بودند:

- ۱- در دل جنگل های انبوه شمالی ایران
- ۲- در ستیغ بلند کوهستان های خراسانی (که یکی از آنها به دلیل داستان های افسانه آمیز، شهرت جهانی دارد - قلعه الموت)

در دوران های بعد دژ ها بیشتر به دلیل حفاظت از کاروان ها، کاروان سرا ها و پل ها در مناطق مختلف ایران احداث شدند مانند: قلعه الله آباد در طبس (برای حفاظت از کاروان سرای پشت بادام)، قلعه بلده در دره نور (محافظت کاروان سرای پاکبود بلده) و قلعه دختر در شرق میانه (محافظت از پل دختر یا پل قافلانکوه)

ساخت و به کارگیری دژ ها با تهرنگ سنتی و مصالح و شیوه های ساخت ایرانی تا دوره قاجاریه در ایران استمرار یافت.

معماری دژ های ایران

دژ یا قلعه: استحکاماتی که برای پادگان نظامی، راهداری، زندان، انبار ذخایر و مهمات جنگی یا برای حفظ اشیاء گران بها ساخته می شد.

انواع دژ ها

۱- دژ های جلگه ای: قلعه هایی که در دشت برای محافظت از کاروان ها یا استفاده ی سربازان بنا می شد. طرح هندسی مشخص از قبیل مربع، مستطیل، چند ضلعی و دایره داشته اند، برج و بارو داشتند و مصالح آنها خشت و آجر بود؛ برای نمونه، قلعه گلی ورامین و قلعه قوشچی ارومیه

۲- دژ های کوهستانی: محکمترین نوع دژ است و جنبه دفاعی و نظامی داشته که در صعب العبور ترین بلندی های کوهستان بنا می شدند با طرح های گوناگون با توجه به موقعیت طبیعی صخره ها احداث می شدند، مصالح آن ها بیشتر قلوه سنگ و آجر و ملات آن ساروج و آهک بود.

نوع دیگر این دژ های کوهستانی، با استفاده از غار های دامنه پرتگاه می ساختند (جلو غار ها را با سنگ و گچ به شکل دروازه چیده اند، تعرض و حمله با این نوع قلعه ها غیر ممکن بوده و با وسایل آن روزگار مشکل بود. از ای نمونه قلعه ها: دژ شمس کلایه در بالای چهار ناحیه رودبار الموت و غار اسپهبد خورشید در مسیر فیروزکوه و قائم شهر

نمای خارجی دژ های کوهستانی

پای اغلب دژ های کوهستانی پرتگاه عمیق وجود دارد، بالای پرتگاه، باروی حصار به چشم می خورد، بالای بارو، کنگره و سنگ انداز ها بنا شده است. در فواصل میان بارو، برج هایی ایجاد می کردند که:

اولا: باعث استحکام بیشتر بارو می شد

ثانیا: نگهبانان و محافظان قلعه در آن جا، استقرار پیدا می کردند و از بالای آن اقدام بع دیدبانی و یا تیر اندازی می نمودند.

دو طرف دروازه قلعه، دو برج عظیم است که دربانان و نگهبانان دروازه، در آن مشغول نگهبانی هستند. در برخی از قلعه های مجهز و مهم، از در های متحرک دروازه های قلعه ها به جای پل استفاده می شد.

نکته: معمولا دژ های جلگه ای (دشتی) دارای خندق و پل بودند و معدودی از قلعه های کوهستانی دارای خندق بودند.

نمونه دژ های کوهستانی دارای خندق، دژ گرد کوه، در غرب دامغان که محکم ترین دژ اسماعیلیه است و قلعه سر یزد نیز شامل در متحرک بوده است.

مهمترین فضای قلعه ارگ آن است که بر بلندی بنا می شد و مقر حکمرانان یا پادشاهان و خدم و حشم ایشان بود.

پیرامون ریشه شناسی واژه ارگ یا ارک، برخی برآنند در واژه ی آرکدري که در کتیبه بیستون آمده، کلمه ارگ مستتر است. بدین ترتیب ارکدري از دو جزء ارک و آدری تشکیل شده که به معنی صخره است.

علاوه بر ارگ، فضاهایی برای اسکان نظامیان، محلی برای نگهداری اسب ها و قاطران بارکش، بناهایی برای انبار مواد غذایی یا تسلیحات نیز بنا می شده است.

نکته: به خلاف قلعه های جلگه ای که بناها در دو طرف خیابانی است که در میان قلعه قرار گرفته است یا در اطراف محوطه ای مانند حیاط، در دژ های کوهستانی هر جا زمین همواری یافته اند، چند اتاقی دور هم ساخته اند. در دژ الموت اتاق هایی در سنگ کنده اند که نظیر آن ها در دژ های دیگر دیده نمی شود.

آب مورد نیاز دژنشینان، در آب انبار ها ذخیره می گردید. به نسبت جمعیت در دژ ها تعداد آب انبارها افزوده می شد.

آب باران و برف از طریق شیار هایی که در صخره دژ ها می کنند به آب انبار هدایت می شد. شناسایی مسیر آب ها و منابع آبی در هنگام محاصره دژ ها برای دشمنان کافی بود، تا اینکه یا با آلوده کردن آب و یا منحرف کردن جریان آن، بتوانند دژ ها را تسخیر کنند، برای نمونه هولاکو خان مغول در موقع محاصره قلعه گرد کوه با آلوده کردن آب و در نتیجه آن، شیوع بیماری وبا در درون قلعه، توانست مستحکم ترین قلعه اسماعیلیه را تسخیر کند.

دژ هایی که نزدیک رودخانه و چشمه بودند توسط پله هایی از مرکز دژ تا رودخانه متصل می شدند.

قلعه دختر فیروزآباد

این بنا درست مانند آشیانه عقابی است که بر سر یک تخته سنگ بنا شده است. این دژ یک فلات کوهستانی را اشغال کرده که از سه طرف به وسیله ی تنگه احاطه شده است. دیوار های خارجی این قلعه به شکل بارو کشیده شده و بنا بر روش کهن معماری شرقی، ستون های چهار گوش بر آن ها پهلوه داده اند.

درون بارو قسمت اصلی دژ - کاخ قرار دارد، مصالح این بنا سنگ لاشه و گچ می باشد و دارای سه فضای اصلی به قرار زیر است:

- ۱- تاسیسات نگهداری و آب انبار (در پایین ترین سطح)
- ۲- حیاطی با اتاق های پیرامون (در سطح میانی)
- ۳- ایوانی رفیع و گنبد خانه ای با شکوه (در بلند ترین سطح)

برای تامین آب قلعه نشینان، دو حلقه چاه در کوه کنده شده که تا کف رودخانه تنگاب عمق دارد.

قلعه الموت

پیروان فرقه شیعی اسماعیلیه، بر این باور بودند که بعد از امام جعفر صادق (ع) چون پسرش اسماعیل پیش از پدر درگذشته، امامت به محمد بن اسماعیل منتقل شده که سابع تام است. به این دلیل به اینان اسماعیلیه، سبعة (هفت امامی) و باطنی می گویند.

با مرگ المستنصر بالله- آخرین خلیفه فاطمی- میان اسماعیلیان اختلاف افتاد. زیرا پسران او مُستعلی و نزار، هر دو ادعای خلافت کردند. حسن صباح، رهبر اسطوره ای اسماعیلیان الموت به نزاریان پیوست و در عمل پیوند جنبش اسماعیلیان ایران با قاهره را برید.

وجه تسمیه: الموت را مرکب از دو جزء آله و آموت، موت دانسته اند، الموت به معنای عقاب آموخت محلی است.

قلعه الموت به دو بخش تقسیم می شود:

- ۱- بخش غربی: که قلعه اصلی است
- ۲- بخش شرقی: که قلعه ی فرعی یا جیرقلا نام دارد. محل نگهداری و خانواده های آنان بوده است.

اهمیت دژ لمبسر در آن است که رکن الدین خورشاه، آخرین خداوند الموت در آن جا مقام گرفته بود.

فصل نهم / خنکای آب بر شعله های آتش

در آیین های میترایسم، مزدیسنا و زرتشت به کرات به پاکیزگی (طهارت) جسم و روح به ویژه پیش از برگزاری مراسم مذهبی تاکید شده است.

در رساله دلاکیه (دوره قاجار) آمده که نخستین حمام (گرمابه) توسط سلیمان نبی ساخته شده یا در کتاب حبیب السیر آمده که جمشید پادشاه پیشدادی ایرانی اولین گرمابه را ساخته است.

چشمه های آب گرم را پیش نمونه حمام های اعصار بعدی در نظر گرفت که دارای خواص درمانی هستند و بعضا از قداست بسیاری نیز برخوردار بودند و حمام ها یا در نزدیک چشمه یا در روستاهای نزدیک به آن ساخته می شد.

کهن ترین گرمابه در نزدیکی چشمه آبگرم شمال غرب سمنان معروف به قلعه آبگرم در دوران پیش از اسلام که مجموعه ای از خانه، حمام و کاروان سرا بوده است.

در مورد حمام های خصوصی پیش از اسلام

در متونی چون شاهنامه فردوسی و مروج المذهب مسعودی به این گونه بنا ها اشاره شده است در جایی از کتاب مروج المذهب اشاره شده در دوره ساسانی در مورد انگشتر خسرو پرویز با نقش آبن که در حمام استفاده می کرده است.

در کاوش های تخت جمشید نه تنها بقایای یک حمام بلکه لوازم شست و شو نیز کشف شده است.

در عصر ساسانی (زمان بلاش) موضع گیری روحانیون در برابر ساخت حمام های عمومی زیرا آن را بی حرمتی به دین می شمردند.

یکی از قدیمی ترین حمام های عمومی حمام بندر تجاری سیراف که در قرن ۳ ه.ق در کنار بازار و مسجد جامع ساخته شد.

در قرن ۴ ه.ق حمامی روی ویرانه های کاخ آپادانای تخت جمشید ساخته شده بود.

دوره سلجوقی احداث بناهای عام المنفعه مثل گرمابه ها رونقی بیش از گذشته یافت. برای مثال حمام شهر جرجان و حاشیه معبد آناهیتا کنگاور

دوره ایلخانی به ویژه پس از اصلاحات غازان خان عصر ساخت بناهای عام المنفعه چون حمام است، نمونه های در شهر هایی چون مراغه، تبریز، اردبیل، سلطانیه، کیش، تخت سلیمان احداث گردید.

در دوره تیموری ۹ حمام با حمایت مالی امیر علیشیر نوایی وزیر سلطان حسین میرزا بایقرا در هرات ساخته شد.

مهمترین حمام های عصر تیموری عبارت اند از: حمام مجموعه ی شیروان شاهیان باکو، حمام افوشته ی نطنز، حمام شهر سبز و حمام شاه مشهد

از این دوره نگاره ای (مینیاتوری) هم، به جا مانده که حمام بازتاب یافته در آن، محل بروز داستانی جذاب از خمسه ی نظامی گنجوی است.

عصر شکوفای ایجاد حمام ها در دوره صفوی می باشد. از جمله حمام های این دوره میتوان گلشن لاهیجان، خان و گنجعلی خان کرمان، عل قلی آقا و حمام شاه اصفهان را نام برد.

دوره های پس از صفویه ساخت حمام ها به شیوه و سبک اصفهانی استمرار پیدا کرد. از جمله این حمام ها حمام وکیل شیراز (زندیه)، حمام چهار فصل اراک و حضرت یا پهنه سمنان و مصباح کرج همگی قاجاریه

دوره پهلوی با لوله کشی گرمابه ها و رواج حمام در منازل، ساخت حمام ها به شیوه سنتی به پایان رسید.

موقعیت حمام در بافت شهر

در دوره اسلامی معمولا حمام ها نزدیک مسجد جامع ساخته می شد. علاوه بر گرمابه اصل شهر هر محله دارای حمام مخصوص به خود که با ترکیبی از مسجد، بازارچه، آب انبار و ... بوده است.

ساختار کالبدی حمام

حمام ها از جمله بناهایی هستند که در طول ادوار مختلف اسلام کمترین تغییرات را به خود دیده اند.

وجه اشتراک حمام های اسلامی علاوه بر مشابهت های فضایی، در استفاده از شکل های هندسی نیز می باشد یعنی نظم و تقارن و مرکز گرایی را دارد برای مثال در بسیاری از حمام ها سربینه (رخت کن) با نقشه ی هشت و نم هشت دیده می شود (نیم هشت مربعی است که گوشه هایش به یک اندازه پخ خورده و به هشت ضلعی ای نیمه منظم بدل شده است)

ساختمان حمام بر اساس چهار طبع اصل طب کهن یعنی گرم و سرد و خشک و تر بنا می شده است.

مسیر دسترسی به فضا ها یا خانه هایی با درجه حرارت متفاوت بدین صورت بود که هر فضا با راهرو و هشتی از فضای دیگر جدا می شده است تا دما و رطوبت هر فضا نسبت به فضای مجاور تنظیم گردد.

نظم قرار گیری فضا های حمام

۱) سردخانه، رخت کن یا سربینه: مزاج این خانه سرد و خشک بود که برابر فصل پاییز و خلط سودا در بدن است. سکو هایی وجود داشت که بر آن تشک و فرش می گسترده. در این محل لباس ها را در می آوردند و به رخت آویز می آویختند یا بر طاقچه و رف می نهادند. مساحت و تزئینات این فضا از سایر فضاها مشخص تر بود. معمولا به شکل هشت ضلعی، هشت و نیم هشت و چهارگوش ساخته می شد که با گنبد بزرگی پوشش می یافت. آرایش ازاره ها با سنگ یا کاشی بود، بدنه دیوار و فضای زیر گنبد با هنر آهک بری یا ساروج بری مزین می شد. بر فراز گنبد نوعی پنجره به نام جام خانه قرار می گرفت.

۲) میان در: مزاج آن سرد و تر بود که برابر با فصل زمستان و خلط باغم در بدن است. رابط بین سربینه و گرمخانه بود. این فضا به شکل دهلیزی پر پیچ و خم و بعضا با استفاده از هشتی کوچکی ساخته می شد. دلیل پیچیده بودن آن:

۱. فرد، با کمی درنگ و تاخیر، از گرم خانه پا به درون سربینه گذارد.

۱۱. از خروج یکباره و ناگهانی گرما و حرارت انباشته شده در گرم خانه جلوگیری گردد.

۳) گرمخانه: مزاج آن گرم و تر بود که برابر با فضای بهار و خلط خون در بدن است. فضای اصل حمام و جای زدودن چرک و شست و شو بود که با نقشه هشت ضلعی، هشت و نیم هشت و یاجهارگوش احداث می شد. این مکان را از دیوارهای ضخیم، با زیرسازی مرمرین و مقاوم در برابر گرما و بخار می ساختند. گاهی بخش زیرین دیواره ها را قیراندود می کردند و روی آن را با ساروج می پوشاندند. کف حمام را نیز با قیر می اندودند تا در برابر جریان مداوم آب گرم مقاوم باشد. سقف گرم خانه معمولا مرتفع تر از بخش های دیگر بود و گنبد های آن از بیرون دیده می شد. طاق اصلی گرم خانه، جام خانه داشت. گرم خانه شامل خزینه آب گرم و مخزن آب سرد بود. معمولا در زیر (کف) خزینه صفحه ای فلزی (تیان) حد فاصل آب و آتش قرار می گرفت. تون یا گلخن زیر خزینه قرار داشت. با روشن کردن آتش در تون و البته زیر صفحه ی فلزی (تیان) آب خزینه به تدریج گرم می شد. سوختی که برای گرم کردن آب به کار می رفت عموما خار بیابان، برگ خشک درختان و فضولات حیوانی بود.

نحوه استفاده از حمام

حمام ها از لحاظ نحوه استفاده به سه گروه تقسیم می شوند:

- ۱- حمام هایی که به صورت متناوب- از چند ساعت در روز تا چند روز در هفته- به مردانه و زنانه تبدیل می شد.
- ۲- حمام ها متصل به هم که یکی به مردان و دیگری به زنان اختصاص داشت، مانند حمام علی آقا در اصفهان
- ۳- حمام ها متصل به هم که یکی به مسلمانان اختصاص داشت و دیگری به سایر اقلیت ها دینی، مانند حمام چهار فصل اراک که دو حمام به زنان و مردان مسلمان و دو حمام به زنان و مردان اقلیت ها دینی اختصاص داشت.

حمام و جامعه

گرمابه، هم محل شست و شو، رفع خستگی، اصلاح سر و تن، درمان و حجامت بوده است و هم مکانی برای گفت و گو و تبادل نظر و خبر. هم چنین بسیاری از قتل های تاریخ ساز در حمام واقع شده است برای مثال مرگ مرداوپیچ زیاری و میرزا تقی خان امیر کبیر

حمام گنجعلی خان

توسط حاکم کرمان (گنجعلی خان زیگ) در زمان شاه عباس صفوی ساخته شد و آرسن و میدانی در کرمان با الگوی میدان نقش جهان ساخت.

ورودی حمام در بازار است که از دو بخش اصلی سربینه و گرم خانه و چند بخش فرعی تشکیل شده است.

سربینه فضای میانی و وسیعی با قاعده ی هشت گوش دارد. این فضا شش غرفه در شش ضلع و حوض کشکولی شکل در میانه دارد. فضای میانی، طاق بلندی دارد که با رسمی بندی و مقرنس آراسته شده است، حوض کشکولی شکل در میانه این فضا در زیر نورگیر بزرگ وسط سقف جلوه خاصی یافته است. ازاره های بلند سربینه از کاشی هفت رنگ است.

میان در حمام که تبادل حرارت بین سربینه و گرم خانه را به حداقل می رساند، بخش های مختلفی دارد:

(a) میان در خود به سربینه ی کوچکی می ماند که مراجعان پس از استحمام مدتی در آنجا تامل می کردند تا تغییر درجه حرارت را راحت تر تحمل کنند.

(b) بخش دیگر میان در، فضایی شش گوش است که با سکوهایی در پیرامون به گوشه گرم خانه راه دارد.

گرم خانه در فضایی با قاعده ی مربع و سقف رسمی بندی کوتاه، قرار دارد. در یک سوی این فضا، بخشی با قاعده ی مستطیل وجود دارد که حوضی چهار گوش، در میانه آن است. دو فضا با قاعده نیم هشت در دو ضلع روبروی هم و طاق نمایی عقب نشسته، در ضلع سوم این فضا، مکان هایی برای شست و شو بر گرد حوض پدید آورده اند.

خزینه دارای سه حوض مستقل است که حوض میانی با آب گرم و دو حوض دیگر با آب نیم گرم و سرد پر می شده اند.

خلوت گرم خانه، فضایی است با قاعده هشت ضلعی و در کنار خزینه.

تامین آب حوض ها، حوضچه ها و خزینه های حمام از آب قنات معروف شهرآباد پر می شده است.

از دیگر آثار گنجعلی خان باغ شالیمار لاهور، شاهکار علی مردان خان- پسر گنجعلی خان- را نام برد که از اوج های درخشان باغ سازی دوره اسلامی است.

آرسن ابراهیم خان که در برگیرنده بازار، گرمابه، آب انبار، مدرّس و خانه مُدرّس است و در کرمان ساخته شده را، میتوان نمونه ایرانی اقتباس شده از مجموعه سازی گنجعلی خان کرمانی دانست.

فصل دهم / رسیدن به آن سوی فاصله ها

- می توان بزرگترین راه باستانی جهان یعنی شاهراه خراسان (جاده ابریشم) را به دوره اشکانی نسبت دهیم ولی خوشبختانه آثار و شواهد زیادی از پلهای ساسانی وجود دارد از پلهای این عصر می توان به پل های پیرین، خیرآباد و بیشاپور (در فارس) پل دوره شهر، پل دختر ممولان و پل کشکان در لرستان اشاره نمود.
- شاپور اول بر روی سه رود بزرگ که ایالت شوش را آبیاری می کند سدهایی پل مانند نیرومندی می سازد که بقایای آن هنوز از اهمیت این عملیات عام المنفعه است یکی از این پل ها، بند- پل مشهور «بند قیصر» نزدیک شوشتر است که شاپور اول آن را به دست اسرای رومی ساخت.
- در دره ی گاماسب نزدیک بیستون کرمانشاه در محوطه ی محصور شکارگاه ساسانیان، پلی با پایه های سنگی تراش خورده و با بست های فلزی وجود داشته که به « پل خسرو » معروف است که از این پل ساسانی فقط پایه های سنگی آن باقی مانده است.
- به روایت حمدالله مستوفی (عصر ایلخانی) اولین پل در دوران اسلامی را پلی می داند که توسط بکر بن عبدالله روی رودخانه ارس احداث گردید.
- دیلمیان در مناطق ری، اصفهان و فارس و حکومت آل حسنویه در مناطق چون لرستان و کردستان بودند و اهم پلهای آن عبارتند از : پل بند امیر(بند عضدی) در شیراز (عصر دیلمیان) و پل کلهر (کلهرت) در جاده خرم آباد به خوزستان و در دهستان ملاوی شهرستان پل دختر (از عصر حسنویه)
- مهمترین پلی که در دوره غزنوی ساخته شد پل طوس است این پل روی کشف رود بر سر راهی که طوس را به شهرهای هرات و بلخ متصل می کرده است احداث شده است.
- در دوره سلجوقی اتابکان سهم بسزایی در ساخت پلها و کاوران سراها داشته اند که از جمله اینان، اتابک جلال الدین چاولی است که پل بند قصار را روی رودخانه کربال احداث نمود و پل بند رامجرد را پس از خرابی تعمیر کرد.
- در اصفهان پایتخت سلاجقه پلی باقی مانده که امروزه به نام پل شهرستان می شناسند.

و این پل قدیمی ترین رود زاینده رود و اصفهان می باشد.

- دو پل مارنان و خواجه را هم می توان از زمان ساسانیان دانست.
- از دوره ایلخانی دو پل اندر آب اهر (ساخته علی شاه جیلانی) و بابا محمود (ساخته محمد بن محمود اشتر جانی) در سه کیلومتری جنوب روستای سهر و فیروزان از توابع فلاورجان اصفهان واقع است.
- از دوره تیموریان بقایای پلی روی رودخانه قزل اوزن در پای یکی از قلاع اسماعیلی مشاهده می گردد که به آن پل قافلانکوه می گویند.
- پلهای اصفهان مهمترین پلهای ایران هستند در دوره ی صفوی. از پلهای درون شهری صفویان می توان به پلهای الله وردی خان (سی و سه پل) و بند پل خواجه اشاره نمود و از پلهای برون شهری آنان باید پلهای سفیدآب (مسیر اصفهان به فرح آباد ساری)، کنارگرد (در مسیر تهران-قم) ، محمدآباد خره (قزوین) انبوه (در ۵۷ کیلومتری شمال قزوین)، خاتون (در شهر کرج) تنها پلی که از دوره ی افشار وجود دارد پل ارغوان شاه در داخل کلات نادری است.
- سه پل از دوره زندیه باقی مانده است که عبارتند از پل رودخانه ی خشک در شیراز، پل صلوات آباد، پل خاتون در خوی.
- تنها در زمان کوتاه صدارت میرزا تقی خان امیرکبیر در دوره قاجار چند راه معدود ساخته شد و جاده ها و پل های قدیمی مرمت گردید. از پلهای این عصر می توان به پل های آینه بندان (جاده تهران - چالوس)، عسگرآباد (مسیر تهران - قم)، آصف الدوله (مسیر کرج به اشتهارد) اشاره کرد.
- در اوایل قرن کنونی (دوره پهلوی) لزوم احداث راههای شوسه به شدت احساس گردید با تاسیس وزارت طرق و شوارع در سال ۱۳۰۸ ه.ش توسعه جاده ها و تسطیع راههای قدیمی و ایجاد راههای جدید و احداث پلهای نو مورد توجه قرار گرفت . در این دوره (پهلوی) از سازه های فولادی و سیمانی در پل سازی استفاده کردند برای نمونه می توان از پل فولادی ورسک به طول ۱۵۳ متر برای راه آهن تهران- شمال یاد کرد.

کاربردهای پل :

با استفاده از پل ، اهداف خاص دیگری نیز تامین میشده است که در این جا به طور موخر به آنها اشاره می‌نماییم.

۱- استفاده از پل به عنوان پل- بند (بند-پل) به منظور آبیاری اراضی وسیع کشاورزی

(بند امیر در فارس و شادروان در شوشتر)

۲- تامین انرژی جهت به چرخش درآوردن آسیابهای آبی (بند امیر و پل دزفول)

۳- انتقال آب از ساحل رودخانه به ساحل دیگر آن (پل جویی در اصفهان) یا از یک سمت دره به سوی

دیگر (پلها در منطقه لورسیراف)

۴- ایجاد تفرجگاه در بخشی از پل (شاه نشین پل خواجه- شاهان صفوی)

- پل ها را براساس تکلیف ساخت و مصالح به کار رفته می‌توان به سه دسته کلی تقسیم نمود:

۱- پلهای چوبی اولیه

۲- پلهای با تاق های قوسی

۳- پلهای فولادی متاخر

در عملیات احداث پل، پی کنی و سپس شالوده ریزی (پی سازی) از مهمترین و البته فنی ترین اقدامات می‌باشد

و برای این منظور از دو شیوه استفاده می‌نمودند:

۱- انحراف آب رودخانه در مواقع کم آبی و احداث پایه ی پل در محل تعیین شده

۲- حفر تعدادی چاه در بستر رودخانه و گوم گذاری و در نهایت پرکردن چاه ها با شفته ی آهک و ساروج

• ظاهرا پلهای سی و سه پل و مارنان اصفهان با چنین شیوه پی ریزی شده اند (گوم گذاری)

- در اکثر پایه های پل پی در جهت خلاف جریان آب، چه موافق با آن، پیش آمدگی مثلثی شکل یا نیم

دایره ایجاد می‌گردید که اصطلاحا به آن « موج شکن » یا « آب بر » می‌گویند و یکی از کارکردهای مهم

این عنصر ساختاری دین است که در هنگام طغیان و فشار بی امان آب رودخانه فشار ضربات آب را به

حداقل می‌رساند.

- مهمترین قسمت پل را بدنه پل می‌توان دانست از دوره ی ساسانی پل هایی به یادگار مانده اند که دارای تاقهای قوی هستند این تاق ها را « دهانه » یا چشمه نیز می‌نامند اکثر پلهای دوره ساسانی دارای تاقهایی به فرم بیز یا هلوچین (نیم بیضی) بوده اند اما در معماری پس از اسلام تاقهایی تیزه دار یا جناغی به صور مختلف برای ساخت تاق ها برگزیده شد. برای تخت کردن سطح پل لازم بود که فرورفتگی موجود در پشت تاق یا مابین تاق ها و روی پایه ها به گونه ای پر شود که فشار وارد بر پایه ها را به حداقل برساند و جلوی رانش تاق ها را بگیرد به همین جهت روی پایه ها و اغلب عمود بر آنها دهلیزهایی ساخته می‌شد که به آن کانه یا (کنو) و یا (کوره پوش) می‌گویند.
- کانه علاوه بر کاستن از فشار پایه ها و جلوگیری از رانش دو وظیفه ی دیگر بر عهده دارد:
 - ۱- انتقال جریان هوا به درون کالبد پل و جلوگیری از فرسایش تدریجی پل
 - ۲- ایجاد نمایی خوش و دل نشین در ساختار پل
- در اغلب پل ها، معبر اصلی میان دو دیواره ی طولی قرار دارد که از سقوط انسانها و حیوانات به داخل آب رودخانه یا ته دره ها جلوگیری می‌نماید. این دیواره های محافظ را جان پناه می‌گویند پلهای سی و سه پل و خواجه جان پناه آنها بلندتر از حد طبیعی است.
- میل راهنما برروی پایه های پل ها می‌تواند تا حد زیادی نیروی رانشی پل را خنثی کند بدین صورت که نیروی رانشی تاق دهانه ها به دو نیروی عمودی و افقی تبدیل می‌شود.
- اغلب پل ها فاقد هرگونه کتیبه هستند که روی تعداد معدودی از آنها وجود دارد مثلا پل ساسانی فیروز آباد. نبشته ای به خط پهلوی وجود دارد که نشان می‌دهد این پل توسط مهرنرسی وزیر معروف اردشیر بابکان ساخته شده بود. از دوران پس از اسلام نیز رویی بدنه ی برخی پل ها کتیبه نگاری مشاهده می‌شود برای نمونه می‌توان به کتیبه ی پل کشکان اشاره کرد. باید توجه داشت که در کتیبه نگاری صرفا موارد تاریخی ذکر نمی‌شد بلکه رویداد ساخت پل می‌توانست از طریق شعر به مخاطب انتقال یابد برای نمونه می‌توانیم به کتیبه پل رودخانه ی قره چای ساوه اشاره کنیم که در آن میرزا علی اصغر خان اتابک متخلص به قدسی سروده است.
- تزئینات برروی پل ها کمتر مشاهده می‌شود علاوه بر آجر در تعدادی از پل ها برای نمونه ، پل خواجه یا پل سردار زنجان از تزئینات کاشی کاری بهره گرفته اند.

پل دزفول

این پل داخل شهر دزفول و بر روی رودخانه ی دز ساخته شده است و در مورد ساسانی بودن آن اتفاق نظر است احتمالاً سازنده ی این پل کسی نیست جز شاپور اول. زیرا شهر جندی شاپور با ساخته شدن پل-بند دزفول رونق می یابد.

پل- بند امیر (بند عضوی)

در این بند در حدود سال ۳۲۵ ه.ق به دستور امیر عضدالدوله دیلمی روی رودخانه کر ساخته شد. نام امیر یا عضدی برگرفته از نام همین امیر است. اهدافی که پس از ساخت پل -بند امیر تحقق یافت عبارتند از :

۱- مهار آب رودخانه ی کر برای آبیاری زمین های مزروعی اطراف

۲- چرخاندن سنگ آسیاب های دو سمت رودخانه

۳- اتصال دوسوی رودخانه به یکدیگر

پل شهرستان

این پل را قدیمی ترین پل زاینده رود و اصفهان دانسته اند. پل شهرستان از پل های معروف اصفهان در اعصار دیلمی و سلجوقی بوده است و اساس و بنیاد پل شهرستان را به دوران ساسانی نسبت داده اند.

پل الله وردی خان (سی و سه پل)

این پل در دوره ی صفویه بر روی زاینده رود و برای پیوند دادن بخش های شمالی و جنوبی خیابان چهارباغ احداث گردید و برپایه ی شواهد تاریخی سازنده ی پل، الله وردی خان، سردار لشکر ایران در عصر شاه عباس اول است.

- نام های دیگر این پل چون پل (شاه عباسی) و (چهار باغ) و (سی و سه چشمه) هم شهرت دارد. این پل

با ۲۹۵ متر طول ، ۱۳/۵ متر عرض و ۳۳ دهانه بزرگترین پل تاریخی ایران است. این ویژگی ها باعث

گردیده صاحب نظراتی چون ژان برینولی، این سازه را یکی از عجایب معماری شهری صفوی بنامند.

فصل یازدهم / قلبی باز به سوی آسمان

فضا های مصنوع که آن ها را واحد های مسکونی می نامیم، در ابتدا به منظور استراحت و در امان ماندن بشر از عوامل آسیب رسان محیطی خلق شدند.

از کنار هم قرار گرفتن واحدهای مسکونی و دیگر سلول های کالبدی بافت به وجود می آید که خود به دو گونه تقسیم می شود:

- ۱- بافت پیوسته (از اتصال و پیوستگی میان سلول های کالبدی، بافتی یکپارچه به وجود می آید)
- ۲- بافت گسسته (میان دانه (سلول) های کالبدی، نه تنها هیچ اتصالی دیده نمی شود بلکه بین واحد های مسکونی، فاصله ای هر چند اندک وجود دارد)

هسته اصلی بیشتر روستاها و شهر های ایران، از نوع بافت پیوسته است.

انواع بافت و ابنیه ی سنتی بر اساس خصوصیات اقلیمی

- (a) بافت و ابنیه سنتی کرانه ی جنوبی دریای کاسپین (باز و گسترده) برون گرا با سقف شیبدار
- (b) بافت و ابنیه سنتی کرانه ی شمالی خلیج فارس و دریای عمان (نیمه متراکم و نسبتاً باز) حیاط مرکزی و نیمه درون گرا

- (c) بافت و ابنیه سنتی نواحی کوهستانی (متراکم) حیاط مرکزی، درون گرا و بام مسطح
- (d) بافت و ابنیه سنتی دشت های فلات (گرم و خشک) (متراکم یا فشرده) درون گرا و محصور با طاق هایی غالباً قوسی و گنبدی

تراکم و فشردگی بافت های پیوسته در دشت های گرم و خشک فلات، میزان تبادل حرارتی در زمستان و تابستان را به حد کمینه می رساند، اما در بافت نیمه گسسته یا گسسته ی کرانه ی شمالی خلیج فارس، سلول ها چنان چیده شده اند که استفاده از کوران هوا به حد بیشینه برسد.

اصالت بخشی را می توان فرایندی دانست که از طریق آن مساکن قدیمی و نیمه قدیمی روستاها و شهر ها خریداری شده، نوسازی و بهسازی گردیده و به وسیله ی اقشاری با درآمد بالا خصوصاً گردشگران مورد سکونت واقع شوند.

واحدهای مسکونی در اقلیم های چهارگانه ی پیش گفته نه تنها باعث " تحمل پذیری " شرایط زندگی و کار شده بودند بلکه به واسطه ی تمهیدات به کار رفته، زندگی در داخل آنها به شکل " متمدنانه " جریان داشت.

واحدهای مسکونی ناحیه ی گرم و خشک را با عنوان خانه میشناسیم.

شکل کالبدی خانه های کویری

مسکن سنتی در اقلیم گرم و خشک مانند دژی مستحکم با یک حصار بدون هیچ گونه روزن، به استثنای ورودی و قلبی باز به سوی آسمان به عنوان بهشت زمینی و خصوصی ترین فضای باز دور

از چشم نامحرمان قرار گرفته است. حیاط یا میانسرا، به عنوان مهمترین ویژگی مسکن سنتی است که ساختار اصلی این نوع مسکن را شکل می دهد.

یورت اتاق ها و تالار های اطراف حیاط (میانسرا)

عملکردهای حیاط (میانسرا)

- ۱) امکان پذیر کردن دسترسی به فضا های بسته
 - ۲) تامین نمودن روشنایی و گرمای فضا های بسته
 - ۳) ایجاد منظری زیبا، در درون ساختمانی که از بیرون، روی پوشانده
 - ۴) زندگی و حیات بخشیدن به ساختمان، از طریق آرایش فضای باز حیاط، با بستر هایی از آب، سبزه، درخت، داربندها و عناصر دیگر
- افرادی وجود داشتند که بدلیل برخورداری از تشخص اجتماعی و اقتصادی در تعامل و ارتباط روزانه یا هفتگی با افراد غیرخویشاوند، منزل آن ها به دو بخش اندرونی و بیرونی تقسیم می شد.

پیرامون حیاط

- ۱) فضاهای اساسی (مثل پنج دری، سه دری، کرسی خانه، تالار و ایوان که محل فعالیت هایی چون غذاخوری، استراحت، پذیرایی)
 - ۲) فضاهای خدماتی (مانند مطبخ، طویله، اصطبل)
 - ۳) فضا هایی مربوط به بهداشت فردی (مستراح، پاشیر، حمام و حوض)
 - ۴) فضا های تولیدی (آغل و مرغ دانی، سه دری (بافت منسوجات)، بالاخانه (بافت قالی)
 - ۵) فضا های انباری (آب انبار، انبار مواد غذایی، پستو)
 - ۶) فضا های ارتباطی (ورودی، هشتی، دالان (راهرو)، ایوان و راه پله
- مهمترین فضاهای خانه در محور اصلی و سپس فضاهای خصوصی در محور فرعی تر و خدماتی در فرعی ترین حالت

سازماندهی فضایی خانه های کویری

- ۱- اصل بهره گیری از مواهب طبیعی مانند: آسمان، آفتاب، آب و باد
- در این نوع خانه ها، حیات مرکزی (میان سرای اصلی)، نقش قلب خانه را ایفا می کند.
- در این گونه خانه ها، فضا های تابستان نشین، اغلب در جبهه ی جنوبی یا جنوب غربی قرار دارند.
- در بخش اعظم ظلع شمال یا شمال شرقی حیاط، فضای زمستان نشین، استقرار می یابد.

۲- اصل هم جواری و نزدیکی فعالیت های سازگار

اصل یاد شده، یکی دیگر از اصول اساسی معماری سنتی ایران است که در ساخت بسیاری از خانه ها لازم الاجرا تشخیص داده شده است.

۳- اصل دوری و تمایز فعالیت های ناسازگار

در اغلب خانه های سنتی، فضاهای متعلق به فعالیت های ناسازگار بر پایه ی نوع، اندازه و تراکم آنها به گونه ای از یکدیگر متمایز می شوند که جریان فعالیت های فوق برای یکدیگر اشکال و مزاحمت ایجاد نکنند.

۴- اصل حفظ سلسله مراتب فعالیت ها و فضا ها

ارتباط بیرون با درون در خانه ها، برخلاف بنا های عمومی به لحاظ اصل محرمیت با احتیاط بیشتری صورت می پذیرد.

۵- اصل بهره گیری از عناصر آمودی (تزئینی)

برای سادگی نماهای خارجی دو دلیل میتوان برشمرد

(a) اعیان، تمایل نداشتند منزلت اقتصادی و اجتماعی خود را در مقابل مهاجمان خارجی یا غارتگران داخلی به سهولت آشکار سازند .

(b) اعیان و ثروتمندان، عادت نداشتند مکننت و ثروت خود را نمایان سازند.

فصل دوازدهم / دوستی با طبیعت

ایجاد پردیس ها را شاید بتوان "جذاب ترین" پاسخ معمارانه به طبیعت دانست.

آب انبار

در معماری ایران، گونه ای مخزن سر پوشیده وارد شده است که با نام های مختلف آن را می شناسیم. نام هایی چون: آب انبار، حوض انبار، سردابه، برکه، مَصْنَع، منبع، برکه، آبگیر، بُرخ و گاه آبدان.

بسیاری از پژوهندگان، بنایی آجری و قیراندود در کنار محوطه چغازنبیل را یکی از کهن ترین آب انبار های ایران می دانند.

در ایران پس از اسلام، ساخت و استفاده از آب انبارها، نه تنها تداوم یافت بلکه گسترش نیز پیدا کرد.

به استثنای آب انبار های (مُصنَّعه های) بزد که به ادوار قبل از صفوی، تعلق دارند، بیش تر آب انبار های پابرجای ایران را می توان به سده های ۱۰ و ۱۱ ه.ق. (عصر صفوی) و ما بعد آن تاریخ گذاری کرد.

بر حسب موقعیت قرار گیری، آب انبار ها را می توان به دسته های زیر تقسیم نمود:

الف) آب انبار های میان راهی

این آب انبار ها، در مسیر جاده های کاروان رو، در فواصل یکسان یا در نزدیکی کاروان سرا ها ساخته می شدند. بیش تر این آب انبار ها، مخزنی استوانه ای شکل دارند که با گنبدی آجری، خشتی یا سنگی پوشش یافته است. آب انبار حاجی حسین عطار، در جاده قدیم یزد به تهران از این نوع آب انبار هاست.

ب) آب انبار های قلعه ای

این گونه آب انبار ها، به صورت حوض های سرپوشیده و نسبتاً کوچک، درون بستر سنگی قلاع ساخته می شدند؛ مانند آب انبار دژ گلخندان بومهن.

ج) آب انبار های بیابانی

این نوع آب انبار ها، در میان بیابان های کم آب یا بی آب و برای سیراب کردن دام ها ساخته می شدند و از کم ترین عناصر معماری برخوردار بودند.

د) آب انبار های خصوصی

این گونه آب انبار ها، در زیر ساختمان های شهری یا روستایی احداث می شدند. مخزن آن ها عموماً مکعب شکل و سقف آن ها مسطح یا قوسی بود.

آب انبار های شهری، از کامل ترین و نظر گیر ترین معماری برخوردار هستند.

آب انبار های شهری از قسمت های عمده زیر تشکیل می شده اند:

♦ **منبع:** مهم ترین قسمت آب انبار، منبع (مخزن، تنوره، آب انبار) آن است که تمامی یا بخش عمده آن درون زمین حفر می گردید. منبع می توانست مکعب، مکعب مستطیل، هشت گوش و یا استوانه ای شکل ایجاد گردد. پس از گود برداری، کف منبع را با شفته آهک استحکام می بخشیدند و بعد از آن، دیوار ها را با آجر یا سنگ می چیدند. در آب انبار های بزرگ، عموماً جداره های داخلی مخزن را با ملات ساروج، اندود می نمودند. این اندود، هم باعث استحکام دیوار ها می شد و هم به دلیل ضد آب بودن از نشست آن جلوگیری می کرد.

♦ **پوشش مخزن:** پوشش منبع، به صورت های گنبدی، مخروطی، آهنگ و مسطح دیده می شود.

آب انبار سردار جدید در قزوین دارای پوشش گنبدی بسیار بزرگی است که آن را می توان در شمار بزرگترین گنبد های ایران محسوب نمود.

♦ **هواکش و بادگیر:** برای سالم نگه داشتن آب و خنک کردن آن، بر فراز منبع آب، به طور معمول، بادگیر هایی استوار می کردند تا جریان هوا را در آن برقرار سازند. در بسیاری از آب انبار ها، یک تا شش بادگیر مشاهده می شود. چنانچه آب انباری فاقد بادگیر بود، بر فراز تاق نیم کره یا مخروطی شکل انبار، سوراخی تعبیه می شد که کار کردی شبیه هواکش داشت.

♦ **راه پله:** در کنار منبع به طور معمول در وسط سردر باشکوه و چشمگیری که به میدان یا فضای به نسبت باز مقابل جلوه می بخشد، پله های آب انبار قرار دارد که دسترسی به پاشیر و محل برداشتن آب را میسر می سازد. اغلب تمام ساختار پله (سردر، پله ها و سقف قوسی آن) از آجر ساخته می شد. پلکان، همیشه از مدخل (سردر) تا پاشیر، مستقیم ساخته می شد تا نور کافی به پاشیر برسد. عموماً آب انبار ها یک پلکان داشتند، ولی در شهر های اقلیت نشین چون یزد، ممکن است آب انبار هایی با دو رشته پلکان مشاهده گردد. آب انبار ریگ در یزد، از این نمونه هاست. یکی از پلکان ها برای زرتشتیان و دیگری برای مسلمانان.

♦ **پاشیر:** در این قسمت، شیر یا شیر های برداشت آب وجود داشت. این شیر ها را، در ارتفاع یک متری از کف منبع یا مخزن نصب می کردند تا مواد ته نشین شده با آب خارج نشود. پاشیر در هنگام تابستان، جایگاه مناسبی برای جمع شدن و گپ زدن همسایگان به شمار می رفت.

♦ **سردر (مدخل):** سردر آب انبار ها، نظر گیرترین واحد تزئینی و نماسازی شده آن به شمار می رود. مانند مدخل زیبای آب انبار میدان حسینیّه در افوشته نطنز

سردر ها، به طور معمول مرکب از قوس بزرگ میانی، جرز های دو طرف و لچکی های دو سوی قوس و کتیبه پیشانی یا کمربندی هستند. یکی از زیبا ترین سردرها، آب انبار حاج کاظم قزوین است.

کتیبه پیشانی و کمربندی سردر، به طور معمول از کاشی معرف یا هفت رنگ است و کتیبه های کمربندی، گاه، روی قطعه های سنگ مرمر نقش می بندد. کتیبه ها دارای مضامینی هستند که عمدتاً یادآور تشنگی امام حسین (ع) و یاران باوفای ایشان در روز عاشورا است.

آب انبار ها، نه تنها رفع کننده نیاز انسان به آب به ویژه در تابستان گرم بودند، بلکه پاشیر آن ها، فضایی خنک برای تبادل نظر و گپ و گفت نیز مهیا می نمود.

آسیاب

آسیا، ابزاری است که از آن برای آرد کردن غلات، خرد کردن سنگ های نمک، گچ یا گرفتن روغن و شیرۀ نباتات استفاده می نمودند.

نقطه عزیمت این دستاورد بشری، به دوران پیش از تاریخ بر می گردد، از زمانی که انسان برای آرد کردن دانه های گردآورده، سنگی را روی سنگ دیگر به حرکت درآورد، داستان آسیا نیز به چرخش افتاد.

این نوع آسیای پیشا تاریخی هنوز میان اقوام کوچنده ایران کاربرد دارد. نوع پیشرفته آن به آسیای دستی یا "دست آس" مشهور است که تا همین چند سال اخیر، در خانه های روستایی یا چادر های عشایری یافت می شد.

انواع آسیا ها:

آسیای آبی (آسیاب): "آس" از جنبه لغوی به معنی سنگ است. پس سنگی که با نیروی آب به چرخش درآید، آسیای آبی (آس+آب) نام می گیرد. رکن اصلی آسیاب، یک چرخ چوبی است که با نیروی آب می گردد.

در ایران ۳ نوع آسیای آبی، معمول است:

۱- تنوره ای (پره ای)

۲- ناوی (ناودانه)

۳- چرخی (شیبی)

آسیاب تنوره ای: آسیابی است که چرخاب آن، با فشار نیروی آبی که در تنوره یا چال انباشته می شود، می چرخد. آسیاب های تنوره ای بیشتر در جا های کم آب ساخته می شده و با آب قنات و چشمه به گردش در می آمد.

آسیاب ناوی: آسیابی بود که چرخاب آن، با فشار نیروی آبی که از یک ناودان می گذشت، می چرخید. آسیاب های ناوی بیشتر در مناطق کوهستانی ایران معمول بود.

آسیاب چرخی: آسیابی بود که چرخاب آن، با فشار نیروی آبی که از آبراهی با شیب تند می گذشت، می چرخید. آسیاب های چرخی یا شیبی، معمولا در درون و مسیر آب رودخانه ها و نهر های بزرگ ساخته می شد.

اولین شخصی که آسیاب های آبی را جایگزین دستاس ها (آسیاب های دستی) نمود، هُمای چهر آزاد، دختر بهمن – پادشاه کیانی – بود.

کهن ترین آسیاب ها را به عصر ساسانی نسبت می دهند.

آسیای بادی (آسباد): رکن اصلی این نوع آسیا، چرخى است که باد آن را مى گرداند و سنگ آسیا با چرخش آن به حرکت در مى آید.

این نوع آسیا ها در مناطقی احداث مى شدند که بادخیز باشند مانند سیستان. این منطقه را کهن ترین سرزمین باد آس ها، در ایران مى دانند. خراسان نیز به دلیل باد خیز بودن، جایگاه این نوع آسیا ها بوده است. تا همین سال های اخیر، در روستای نشتیفان خواف، ۳۰ دستگاه آسباد مشغول به کار بوده است.

به آسیا های بادی، "آسیای ترکی" اطلاق مى شود.

آسیای ستوری: چنان که اشاره شد، سنگ این آسیا ها با نیروی حیواناتی چون اسب، شتر، گاو و گاهی خر و استر مى چرخید. واژه "خرآس" که برای نامیدن این آسیا ها، کاربرد داشت، ارتباطی با الاغ نداشت و به معنی "بزرگ آس" بود.

این نوع آسیا، در مناطق فاقد آب کافی یا باد موافق احداث مى گردید.

سه گونه آسیایی که یاد کردیم، از جوانب گوناگون چون:

۱- فنون به کار رفته

۲- شیوه احداث بنا

۳- و از همه مهمتر، اقلیم شناسی ایرانیان

حائز اهمیت است و شایسته پژوهش های بنیادی تر و عمیق تر.

کبوترخانه

کبوترخانه، سازه ای برجی شکل برای نگهداری از کبوتران، به منظور بهره برداری از کود آن هاست.

کهن ترین اشاره به کبوترخانه ها در سفرنامه مکتوب، از ابن بطوطه است.

مکان استقرار: در مکان یابی کبوترخانه ها، سه عامل اساسی:

۱. کبوتر

۲. زمین کشاورزی

۳. دسترسی به آب مدخلیت تام داشت.

با توجه به این موضوع، کبوترخانه ها در کنار آب رودخانه، قنات، چشمه و چاه، در مجاورت زمین های زراعی ساخته مى شدند تا کبوتر برای مصرف آب و دانه مجبور به پرواز طولانی نباشد.

در مورد حق مالکیت این بنا ها گفتنی است، همه افراد به استثنای آنانی که متدین به مذهب رسمی کشور نبودند، مى توانستند کبوترخانه بسازند و از کود آن بهره برداری نمایند. در این مورد، هیچ گونه شرط و انحصار و امتیازی وجود نداشت و فقط مالیات کود مى بایست پرداخت شود.

برج های کبوتر، عموماً از یک استوانه داخلی و یک استوانه خارجی تشکیل شده اند.
سالی یک بار فضله (زَغَل) کبوتر جمع آوری می گردید. زغل کبوتر، علاوه بر رشد فوق العاده ای که به کشت می بخشید، خربزه را پر آب و شیرین می ساخت. ضمن آن که فواید دیگری هم داشت: سبب نابودی گیاه انگلی و خطرناک جالیز یعنی "گل جالیز" می شد و از سوی دیگر بیش از هر کودی، خاک مزرعه را "پوز" (پوک و نرم) می نمود.
فراموش نکنیم با تخریب هر بنای سنتی، بخشی از دانش و فرهنگ بومی ما فرو می ریزد.

فصل سیزدهم / معماری جهان در سپهر فرهنگ ایران

مصر

کمبوجیه ، دومین پادشاه هخامنش ؛ در سال ۵۲۵ پ.م در نبرد پلوزیوم بر سپامتیک سوم ، آخرین فرعون در زمان سائیت پیروز شد. این رویداد روی مهر کمبوجیه نقش گردید. و با فتح ممفیس پایتخت اداری فراعنه نخستین دودمان هخامنشی در مصر آغاز شد. ولی دوره ی فرمان رویی داریوش یکم ، مهم ترین دوره ی حضور هخامنشیان در مصر بود و در این دوره ساختار اداری مصر به اوج شکوفایی رسید. در طی سالیان دو بار مصری ها توانستند مصر را در اختیار بگیرند تا سال ۳۴۳ پ.م که اردشیر سوم مجدداً بر مصر چیره شد ولی باز دوباره مصری ها توانستند مصر را باز پس بگیرند. و دوازده شهر را به روی اسکندر مقدونی گشودند.

هخامنشیان در مدت ۱۹۳ سال حضور در مصر ، ساختار سیاسی، اقتصادی و فرهنگی خویش را در این کشور بنیاد نهادند. که بازخورد آن به یادگار ماندن آثار گوناگون در این کشور شد که بعضی ها در مصر نگهداری می شوند و بعضی به خارج از این کشور منتقل شدند. پیکره او جاهورزنه، آبراه داریوش، محوطه باستانی تل الحر.

پیکره او جاهورزنه :

کاربرد این پیکره بخشی از معماری نیایش گاه ایزد بانوی نیت در شهر سائیس که امروز در موزه ی واتیکان است (ایتالیا) و کتیبه بمیر و گلپ روی آن حاکی از حضور ایرانیان در مصر و ستالچ مذهبی آنان است . این مجسمه برای سپاسگذاری از یک پادشاه ایرانی در نیایشگاه مصری بود .

مجسمه داریوش یکم :

داریوش ارائه راه حفر کانالی بین دریای سرخ و نیل که مصریها به دلیل اینکه فکر می کنند سطح آب دریای سرخ بالاتر از نیل و مصر است و با کاندن این کانال آب شود دریای سرخ، نیل و مصر را خواهد گرفت ، در پیش گرفت . داریوش با حفر این کانال که نسبتی با کانال سوئز ندارد باعث شد که در مسافرتها ی آبی تسهیلاتی صورت بگیرد و نیروی دریایی ایران به راحتی از خلیج فارس وارد دریای سرخ شده و به مصر نفوذ کند ، به دنبال بهره برداری اقتصادی از ناحیه ی دلتای مصر بود . با به اتمام رسیدن حفر این آبراهه یکی از یادمان ها (از چهار سنگ یادمان و مجسمه داریوش) سنگ یادمان مسخوطه است که در موزه مصر - قاهره و پیکر داریوش اول هم در تل المسخوطه است و بعد ها به شوش منتقل شد . که در قسمت بخش شد شرقی آپادانا کشف شد . این پیکر امروزه در موزه ایران باستان نگه داری می شوند.

تل الحر : (Tell-E-el-Herr)

شامل سه قسمت : دژ نظامی، نیایش گاه، محله مسکونی در شمال غرب صحرای سینا است. این مجموعه در عصر هخامنشی ساخته شده و دارای عناصر جدید معماری مثل اجرهای استوانه ای و ورودی های شیب دار و در کنار تنها راه زمینی تجاری میان افریقا و شرق است .

یونان :

خشایارشاه در پی گستاخی و تجاژ آتنی ها به نیایش گاه ساراد (سارد از ایالات شرقی یونان بود که داریوش اول آن را با هدف نفوذ در حوزه ی اقتصادی یونان در دریای یونانیان معبد آتنا (پادتنون) را به آتش کشید .

معبد پارتنون :

یکی از مهم ترین نیایش گاه ها در آکروپولیس آتن بود . آکروپولیس (ارگ) فضایی برای تجمع سران شهر و مراکز مذهبی در آن بود.

در آکروپولیس دروازه ی پروپولاریا ، مغبد آتنانیکه ، معبدارارختئون و معبد پارتنون ساخته شده بود . پادتنون معبد داورستونی است و جایگاه مقدس (مقصوره ی) پادتنون بود که به دو بخش تقسیم می شود

۱. در بخش بزرگتر تندیس آتنا از چوب عاج و طلا و در بخش کوچکتر هم خزانه داری بود . (بین نقوش برجسته روی دیوار مغبد و پلکان تخت جمشید هم از نظر اصول حفری و زیبایی شناسی اختلاف زیاد وجود دارد.)
اولی یک مجلس دوستانه است دومی اطاعت و انقیاد ملتیهایی که از مقابل پادشاه عبور می کنند و برتری ملت های مادی و پارسی را تأیید می کند .

❖ دو نکته حایز اهمیت در معماری معبد پارتنون :

الف) هم تناسب آن بر مبنای گردش ستارگان و افلاک و بنیاد آسمان هاست معبد مظهر کوچکی از کل عالم است .
ب) در ساخت معبد به مقاطع طلایی و ریاضیات توجه شده است .
در پی این کینه وزیها یونانیان درخشان ترین شهر شرق باستان پارسه را در آتش سوزاندند.

آبراهه خشایارشاه در دریای اژه :

قبل حمله خشایار شا ، ناوگان ایرانی در جنوب دماغه شبه جزیره آتوس دچار طوفانی شد و بیش تر کشتی ها غرق شدند . مهندس ارتش آرتاخه بنا به دستور خشایار سا این آبراهه را از ساخل شرق جزیره به سمت غرب آن برای جلوگیری از خطر غرق شدگان کشتی ها ، حفر کردند . کمی بعد آرتاخه فوت کرد و جسدش را در کنار همان آبراهه به خاک سپردند و خشایار شا پس از اتمام کار آبراهه ۳۰۰ سکه ی طلا (دریک) و ۱۰۰ سکه نقره در آبراهه رها کرد و با این کار درصد کسب مهر خدایان بود . خشایارشا از طریق این آبراهه بود که به یونان حمله کرد و معبد آتنون را به آتش کشید . این آبراه باستانی هم اکنون یکی از جاذبه های جهانگردی یونان به شمار می رود .

ایتالیا:

باز هم به دلیل حضور ملتیهای فراوان در امپراطوری کهن ایران و روم شاهد آثار برجامانده متفاوتی هستیم.
۱. که نمونه بارز آن اتاق نصرتی (Triumphal Arch) بیانگر خصومت طولانی بین دو امپراطوری که تا اواسط صده هفتم میلادی ادامه یافت ولی بالاخره با ورود اسلام خصومتها پایان یافت چون به دلیل جنگهای پی پی تاب مقاومت در برابر نیروی تازه وارد (اسلام) را نداشتند.
۲. کلیسای سانتامادیال فوریه که نمونه ای از تعادل میان ایرانی و غرب در بستری از فرهنگ است.

ساختار شهر سازی در رم :

که حاصل تمدن یونانی به غرب و فرایند استعمار یونانی در ایتالیا است . مفهوم سیویتاس (civitas) رومی در آغاز ، یک واحد اداری -سیاسی مستقل و شبیه به پولیس یونانی است و از جمع شهروندان تشکیل شده است . که بعد ها به سمت مرکزیت رم یا "شهر" اصلی گام نهاد.

شهر مربع یا مستطیل شکلی بود که داخل آن دو خیابان اصلی متقاطع که هندسه شهر را پی ریزی می کردند و خیابانهای فرعی هم بر اساس مینی دو محور اصلی سامان یافتند و ساختمانهای مسکونی هم داخل شبکه های شطرنجی از تقاطع خیابان های فرعی ساخته می شوند.

مفهوم فروم (forum):

معادل (آگورای یونانی) دارای پلان مستطیل شکل و بر یکی از زوایای موجود در تقاطع دو خیابان اصلی شهر قرار دارد. در نزدیکی فروم هم معبد اصلی ، تئاتر ، با سیلیکا(یا باذیلیکا Basilica یک معبد مستطیل کشیده که دور آن را ستون فرا گرفته است) در مرکز شهر قرار داشتند . فروم ها فضای کالبدی -کاربردی معتبری برای رومیان بود و در مرکز شهر قرار داشت . فروم ها مشابه آگوراهای یونانی دارای تو خصوصیه بود :

۱. گرد همایی ازاد شهروندان در فضایی که "سرپوشیده" نبود و "محدوده ی" فضایی خاص برای پاسخگویی به نیازهای مردمی .

آگورا:

فضای عمومی شهرهای یونان است که بخش اعظم ساختمان های عمومی غالباً به صورت نامنظم در اطراف آن قرار می گرفتند.

تاق نصرت ها(پیروزی ها) :

از اجزای اصلی فروم ها بودند. که بیانگر گرامی داشت رویدادهای واقعی و گهگاه ، برجسته ترین شکل یک رخداد تاریخی و یا با شکوه و عظمت امپراتوری نوظهور بود .

سازه حجمی مکعب مستطیل اجرا می شد و مثل دروازه های شهر دارای ورودیهایی به شکل تاق بود. تاق نصرت ها به دلیل دارا بودن تزئینات پرکار و کتیبه های سنگی معروف بودند.

نکته : تاق نصرت سپتیمیوس سورس (septimius severus) با تاریخ ایران گره خورده است.

که داستان به فتح قهرمانانه تیسفون پایتخت بلاش پنجم اشکانی برای سومین بار به دست امپراتور روم سپتیمیوس سوروس برمیگردد. به همین مناسبت به دستور او در میدان اصلی (فروم) شهر تاق نصرتی برپا می شود که هنوز هم پابرجاست. دارای نقوشی است که بیانگر نبرد ها و پیروزی های امپراتور سپتیمیوس سوروس است از جمله ،نبرد با پادشاهان ،فتح دیمارت تیسفون و به اسارت گرفتن مردم این شهر. (این حادثه و فتح بسیار برای ایرانیان تحقیر آمیز بود).

کلیسای سانتامادیادل فیوریه:

این کلیسا بر سبقری از تحولات شگفت مذهبی ،فرهنگی و اجتماعی خلق شده که آنرا تحت عنوان رنسانس یا دوره نوزایی می شناسیم.

تأثیرات عصر رنسانس :

۱. عصر رنسانس یعنی دوره تبدیل معماری گوتیک (قرن وسطی) به پلان متمرکز.
 ۲. رومیان در این عصر توجه بیشتر به بناهای رومی کرده و با مطالعه رساله ای که ویتروویوس به آوگوستوس تقدیم کرده بود جوهر معماری رومی را از نو کشف کردند.
 ۳. چالش فتاوری پروئلسکی در ساخت گنبد عظیم کلیسای جامع فلورانس؛ عملاً کلیسای راهه دار {با سیلیکا} را به سازه یی متمرکز تبدیل کرد.
- این کلیسا به دلیل گنبد شکوه مند آن در نزد ایتالیایی گنبد نامیده می شود و توسط آرنلوفودی کمبیبو طرح ریزی شد و جایگزین کلیسای سانتاریپادانا شد و گنبد با شکوه ترین ساختار این کلیسا است . گنبد آن همانند سلطانیه دو پوسته (دوپوش) است و این گنبد تویزه دار است ولی گنبد سلطانیه بدون استفاده از هیچگونه تاق های باربر (تویزه) احداث گردیده است.
- *سنپائولزی** – رئیس وقت دانشگاه معماری فلورانس – ساختمان این گنبد را برگرفته از گنبد سلطانیه میداند. هر دوی بناها از فتح سخن می گوید اولی پیروزی مستقیم روم بر ایران و دومی فتح غیر مستقیم روم به دست معماران ایرانی.

بغداد:

دلایل اهمیت بغداد:

۱. بسیاری از دانشمندان به ویژه زبان شناسان – بغداد را "بیت بگی" یکی از اماکن مادی می دانند
۲. طرح ریزی و ساخت شهر بغداد به عنوان سومین پایتخت جهان اسلام برگرفته از شهرهای مدور ایرانی، خصوصاً اردشیر خرد (نیروز آباد) است.

واژه و پیشینه تاریخی :

بغداد واژه ای ایرانی مرکب از دو جزء **bagadata** به معنای خدا داد و آفریده خدا که در فارسی باستان به صورت **bagadata** و در فارسی میانه **bkdkQ** به شیوه ی آوانویسی قدیم **Bagdat** آمده است. سابقه این نام به دوره ی ماد لاز میگردد.

۱. هخامنشیان در اختیار گرفتند به دلیل نام بردن شهری به نام "بیت بک داته" نزدیک نیپور عراق در روزگار اردشیر دراز دست .
 ۲. در روزگار ساسانی بغداد روستا یا شهرکی از مرکز بازرگانی در مرابین بود و بازار های بزرگ سالیانه در آن تشکیل می شد.
 ۳. و به عنوان باغ دار در زمان انوشیروان استفاده می شده است.
- بغداد در زمان منصور دومین خلیفه عباسی به عنوان پایتخت بنیاد نهاده شده ولی در زمان هلاکوخان ویران شد و این بزرگترین شهردر سرزمین مسلمانان تاراج شد و منصور شهر جدید را مدینه السلام نامیده ولی نام کهن بغداد رواج بیشتری داشت.

بنای بغداد دایره ای شکل :

متأسفانه از بغداد قدیم عصر منصور به جز یک محراب که در موزه ی عراق نگهداری مس شود چیزی باقی نمانده است که احتمالاً بنا به نظر پترسن مربوط به مسجد شهر است. ولی با توجه به اطلاعات بر آمده از متون کهن باستان شناسی وجود این شهر سندیت دارد.

منصور سپس پایتخت را به محلی امن و آرام منتقل کرد. (به دلیل سوری راوریان در هاسمیه) نه بین محل پیوستن دبه و آبراه صراط (نشعب از فرات) قریه ای به نام بغداد برگزید.

که تعداد زیادی معماران و مهندسان و منجمان انتخاب کرد و شهر در ساعتی سعد (این ساعت قرار گرفتن مشتری در برج قوس) توسط منجم ایرانی از خاندان نوبخت، پی ریزی شد. و طرح آن با تمام پیشینه های شهر های اسلامی قبل متفاوت و برگرفته از هنر ایرانیان بود (شهر به صورت نقشه ای به شکل ۳ دایره ای متراکم بود). دو شهر مدور داراب گرد و مخصوصاً اردشیر خود در الهام گرفتن شهر بغداد متأثر بود. اردشیر خود و بغداد هر دو در مرکز خود کاخ پادشاه و خلیفه را داشتند.

این نوع پلان متمرکز (تهرنک):

۱. با مفهوم کیهانی مرکز امپراتوری عالم تطابق داشت. این دو شهر استعاره ای از قدرت حاکم است و به شهر های قدرت معروفند.

بغداد ----- جهان اسلام خلیفه را به عنوان جانشین معرفی می کنند.

اردشیر خود ----- جهان سامانی فره ایزدی را در بر میگیرد.

۲. شباهت دیگر بغداد ئ اردشیر خود: وجود چهار دروازه: در اردشیر خود چهار دروازه به دلیل باوری زرتشتی در چهار جهت اصلی قرار داشت ولی در بغداد چهار دروازه به سمت چهار منطقه یا شهر مهم رخ می گشودند. به سوی خراسان (شمال شرق)، شام (شمال غرب)، بصره (جنوب غرب)، کوفه (جنوب شرقی)

۳. ساخت آتش کده در کنار کاخ اردشیر و مسجد در مجاورت کاخ منصور از دیگر تشابهات است. اما این نکته حائز اهمیت است که مسجد کانون اصلی در بغداد نبود بلکه کاخ سلطنتی بود. و در ساخت این کاخ تمامی مؤلفه های معماری کاخ ساسانی گنبد، ایوان و حیاط وجود داشت.

۴. اندک سالی بعد بغداد به دلیل نیاز های اقتصادی، فرم خود را از دست داد چون خلفا و شاهزادگان برای آرامش و امنیت بیش تر، کاخ های خود را در مرکز شهر ترک کردند. و با ضعف خلافت عباسی در سده ی ۵ ه.ق احمد بن بویه (مغالدوله) بغداد را تصرف کرد و آثار گوناگونی همچون بیمارستان عنصری در شرق شهر ساختند. و به دلیل تهاجم دولتمردان سلجوقی، ایلخانی، جلایری و... فرم هندسی خود را بغداد از دست داد به دلیل توسعه ی شهر و ساخت عبادت و ابنیه های بی شمار در اطراف هسته ی اولیه ی بغداد.

اسپانیا:

نوع ساختار باغ ایرانی به دو سرزمین با شرایط جغرافیایی یکسره متفاوت هندوگوانی و اسپانیای مسلمان هم بال گشوده است. در اینجا در شهر کهن آندلیس (این نام را مسلمانان به جنوب اسپانیا، جنوب اسپانیا، جنوب شرقی پرتقال و گاه به تمام آن اطلاق می نمود). یعنی قرطبه (کوردوبا) و غرناطه (گرانادا) نمونه بارز طراحی باغ در حد بالمای خود معرفی شده. اسلام در سال ۹۲ ه.ق به سرداری طارق بن نیار، اسپانیا و پرتقال رخنه نمود و نخستین حکومت اسلامی با نام امویان در این مناطق تشکیل شد امویان خود را خلیفه لقب دادند. و پایتخت آن ها قرطبه، یکی از غنی ترین و درخشان ترین شهرهای تاریخ میانه اسلام گردید. و قصر مهم "مدینه الزهرا" با ساختار کارکرد باغ ایرانی در این شهر ساخته شد.

دوره بعد از سقوط امویان تحت عنوان دوره ملوک الطوائف معروف شد. که به مهمترین آنها جهور (قرطبه)، بنی عباد (اشبیلیه)، بنی زیری (غرناطه) بنی ذوالفون (طلیطله) می توان اشاره کرد. و بعد از اینها دو حکومت بزرگ آفریقایی، مرابطون و موحدون هم در این منطقه بودند. ولی مدت زمانی بعد (نیم قرن ۷ ه.ق) شهرهای اسلامی آندلیس به دست مسیحیان افتاد.

مدینه الزهراء :

عبد الرحمن سوم - خلیفه اموی - این قصر بزرگ در ارتفاعات غربی شهر قرطبه احداث نمود و تشکیلات اداری و رسمی در آن مستقر گردید. مدینه الزهرا درون حصار مستطیل شکل محصور شده بود که ضلع شمالی آن به شیب تپه مشرف بود. دارای سه ردیف پلکان شکل با اختلاف سطح، پشت سر هم قرار گرفته بود که ردیف اول به قصر خلیفه، ردیف دوم به منازل درباریان و نگهبانان و ردیف سوم تالاری بزرگ داشت که کاربری آن مشخص نشده است. بخش تشریفاتی این باغ - شهر، الکازا (القصر) نامیده می شد که به هسته مرکزی القصر و باغ شهریار قابل تقسیم بود. شامل دو حیاط به شکل هندسی منظم و هریک مجهز به دو میرادورکوشک بود و کاربردی همچون انجام مراسم تشریفاتی داشت. از ویژگی های باغ های ایرانی که از پاسارگاد تا باغ های عصر صفوی بود، وجود عبادت، آب و گیاهان بود که در مدینه الزهرا هم تداعی گشته بود.

الحمراء:

در دوره ی حکمرانی خاندان بنی احمر یا بنی نصر - آخرین سلسله ی اسلامی حاکم بر اسپانیا در نزدیکی شهر غرناطه احداث گردید. الحمراء یعنی سرخ و به دلیل رنگ سرخ برج های چند گانه آن گرفته شده است.

این مجتمع وسیع دارای سه قالب قابل تمیز است :

۱. قسمت غربی که مجموعه ای متراکم دفاعی و نظامی دارد
 ۲. بخش مرکزی که مربوط به اقامتگاه شاهزادگان
 ۳. قسمت شرقی که شهر واقعی در آن قرار داشت و امروزه آثاری از آن به جا نمانده است.
- مهمترین دروازه های آن : باب اشعریه باب السلاح که به رنگ سرخ است . این دژ عظیم با رویی با ۲۴ برج دیگر احاطه و چندین حیاط خلوت ، زنجیوار دارد .
- در حیاط مودد ، نمای بیرونی تالار را در آب استخر چهار گوش بازتاب می کند ، حیاط شیر ها به زندگی خانوادگی و خصوصی اختصاص دارد و پیرلمون یک چشمه که آب آن از دهان دروازه مجسمه شیر بیرون می ریزد .

نکته: منشأ این تهرانگ کیهانی نشأت گرفته از دین مزدایی ایرانی و بهشت آرمانی قرآن است.

تالار این سراج در جنوب و دو خواهر در شمال به ترتیب از دو جوی اضلاع جنوبی و شمالی حیاط شیران عبور کرده است . تالار دو خواهر دارای زیباترین گنبد مقرنس در جهان السلام است . به اعتقاد مددپور این گونه نمایش برای رفتن به اصل است ولی هیلن براند این مقرنس را به منظور یادآوری آسمان ها در حال دوران می داند که مضمون آن از خانه طلایی (متعلق به فرون و طاق طاقدیس متعلق به خسرو دوم (خسرو پرویز) به ارث مانده .

کاخ پارتال:

کهن ترین بخش مجموعه الحمراء است و دارای ایوان تاقی دار است و از ویژگی های بارز آن گشودگی به سمت استخری که در مقابل آن قرار دارد. و بنابه باور عمومی آب را به عنوان عنصری روحانی ، احساسی از آرامش ، معنویت و صلح می دانند.

ارزش ساختمانهای استوار بر سطح آب ، گویی بی ثباتی و تزنزل حکمرانی را یادآوری می کند که معماران مسلمان خواستند متمرکز شوند که تنها دوام و بقای خداوند ابدی همت و بقیه خلفاء و حکما و سلاطین نابود می شوند .

هند :

نواده ی ششم تیمورلنگ – محمد بابر – مؤسس سلسله بزرگ گورکانیان در هند بود و حدود ۳۵۰ سال این سلسله فرمانروایی کرد .
باغ های پادشاهان گورکانی در آگره ، لاهور ، دهلی و کشمیر فراوان است و تداعی بهشت قرآنی است .

فلسفه ی ساخت تاج محل :

ارجمند بانو یا ممتاز محل ، بانوی ایرانی تبار ، همسر شاه جهان که او را در طی جنگها همراهی می نمود در یکی از سفرها هنگام تولد چهارمین فرزندش در گذشت و به دستور شاه جهان این بنا در شهر آگره ساخته شد . این بنا البته آرامگاه خود شاه جهان هم شد. این بنا یک باغ ایرانی است که آرامگاه در میان باغ قرار دارد . بنا با مصالح آجری و نمایی از سنگ مرمر در میانه باغ است . آرامگاه به شکل مربع با گوشه های پخ یت ۸ گوشه نامنظم است.

کتابخانه نگاری به خط ثلث بر مضامین اخروی به ویژه روز رستاخیز تاکید دارد.

فلسفه بکار بردن طرح هشت بهشت در تاج محل :

۱. ادامه دادن به نمادگرایی مینوی ----- هشت بهشت اصفهانی و چهل ستون قزوین

۲. تاکید بر خویشاوندی مغول ها با تیموری

تاج محل دارای گنبد بزرگ و بلندپایزی شکل و گوشکهای کوچک نزدیک به گنبد و ۴ مناده است.

این آرامگاه، تمثیلی از تصویر عرس الهی بر بالای باغ های بهشت در روز قیامت است. و دارای کتیبه نگاری به خط ثلث، تزئینات سنگی و نقاشی روی گچ، و در ساعت مختلف روز تفاوت میزان تابش آفتاب یا در هوای ابری در میانه رنگهای گوناگون دیده می شود. تاج محل دارای آرامگاه، مسجد، کاروان سرا، مهمان خانه، بازار و... که ثبت بناهای میراثی جهانی شده است.

ترکیه :

کشف ابزارهای سنگی از جنس آسیدیل در تپه های پیش از تاریخ ایرانی، بر دارو دهش ایرانیان و ساکنان آناتولی (ترکیه) گواهی دارد. زیرا این معادن در ترکیه است. که در زمان هخامنشیان این کشور به تصرف لشکر پارسی در آمد. ایالات سارد، راسکیلیون هم امپراتوری پارس پذیرفتند ولی با ورود اسلام این تاخت و تازها پایان گرفت.

در جنگ ملازگرد:

ترکان مسلمان بیزانسی ها (روم) را شکست دادند و سلجوقیان پادشاهی سلاجقه ی روم را بنیان نهادند و باعث اسکان مسلمانان و گرویدن مسیحیان به اسلام شد.

ساخت قصر قبادآباد به دستور سلطان علاءالدین کی قباداز مهم ترین آثار سلجوقیان در این دوران است.

مسجد یشیل (مسجد جامع سبز):

از دست آوردهای ترکانان قراقویونلو و آق قویونلوها در شرق آناتولی است که مایه الهام آن ها، معماری ایران بود.

در غرب آناتولی----- عثمانی ها بودند که هنر آنها از یک سو از ایران و از سوی دیگر تحت نفوذ هنر عصر رنسانس ایتالیا بود. ولی در حدود قرن ۱۲ ه.ق/ ۱۲م----- معماری با روک ترکی شکوفا شد.

قسنطنیه (کنستانتینول و استانبول امروزی) :

نخستین پایتخت عثمانیان و معروف ترین شهر آناتولی قبل سقوط قسطنطنیه شهر بورسه بود که در ایران باستان پروسا خوانده می شد. و ابنیه مذهبی و غیر مذهبی مانند، جامع علاءالدین، جامع قره دمیر تاش، جامع سبز (یشیل) آرامگاه های عثمان و ۵ تن از جانشین وی، حمام های آب گرم و بازارهای سرپوشیده در آن ساخته شد.

نکته : یشیل ساختار تشلبه به مسجد کبود تبریز دارد. نام تزئین کاران تبریزی در کتیبه های تاریخی آن حک شده است.

مجتمع یشیل:

مکان توفینی سنتی سلاطین نخستین عثمانی بود و به سبب کاشی های با شکوه سبز رنگ به نام سبز معروف است و دارای مدرسه، حمام، مطبخ و آرامگاه است.

این مسجد به صورت صلیبی شکل یا برعکس است و مشخصه بارز آن استفاده از چند گنبد با اندازه های متفاوت است.

دستور ساخت این مسجد توسط سلطان محمد اول چلبی (سلطان محمد اول) صادر شد و حاجی عیوض پاشا والی بورسه آنرا اجرا کرد.

این تهرنگ صلیبی شکل و گنبدهای بزرگ و کوچک در مساجد شاه مشهد و لبوک تبریز هم دیده می شود که باز به روایتی اینها (سه مسجد مورد نظر) از مجتمع ربع رشیدی عصر ایلخانی که در زمان خود بزرگترین مجتمع های چند منظوره بوده، برگرفته اند.

"پان ترکسیم" یعنی ملی گرایی ترکی، همه ی ترکی زبانان مسلمان ملت واحدی اند تحت رهبری ترکیه در دولتی واحد متحد شده.

این فایل ها با صرف وقت و زحمت فراوان تهیه شده اند. لطفا آن را با دیگران به اشتراک نگذارید. به اشتراک گذاشتن مطالب و فایل ها به هر صورتی چه به صورت ایمیل، پرینت، کپی و چه در شبکه های اجتماعی، گروه ها و کانال ها بدون اجازه اشکال شرعی دارد.

پایان